

۱- اعتقاد نظری و عملی به ارزشهای اسلام، انقلاب و اهداف ملت.

۷.....

کلام امام:..... ۷

کلام رهبر:..... ۸

مستندات قرآنی:..... ۱۱

مستندات روایی:..... ۱۳

۲- ولایت مداری

۱۴.....

کلام امام:..... ۱۴

کلام رهبر: کار نشده..... ۱۵

مستندات قرآنی: کار نشده..... ۱۵

مستندات روایی: کار نشده..... ۱۶

۳- استکبار ستیز، شجاع و مقاوم در برابر فشار های دشمن باشد.

۱۹.....

کلام امام:..... ۱۹

کلام رهبر:..... ۲۰

مستندات قرآنی:..... ۲۱

مستندات روایی:..... ۲۲

۴- حافظ عزت و استقلال کشور باشد.

۲۳.....

کلام امام:..... ۲۳

استقلال فرهنگی:..... ۲۶

استقلال علمی:..... ۲۶

استقلال سیاسی:..... ۲۷

استقلال اقتصادی:..... ۲۷

استقلال کشاورزی:..... ۲۸

استقلال صنعتی:..... ۲۸

کلام رهبر:..... ۲۹

استقلال فرهنگی:..... ۳۰

استقلال علمی:..... ۳۱

استقلال سیاسی:..... ۳۲

استقلال اقتصادی:..... ۳۳

استقلال کشاورزی:..... ۳۳

استقلال صنعتی:..... ۳۴

مستندات قرآنی:..... ۳۴

مستندات روایی:..... ۴۱

۵-عدم وابستگی به بیگانگان

خطا محل یاب تعریف نشده.....

کلام امام:.....خطا محل یاب تعریف نشده.

کلام رهبر:.....خطا محل یاب تعریف نشده.

مستندات قرآنی:.....خطا محل یاب تعریف نشده.

مستندات روایی:.....خطا محل یاب تعریف نشده.

۶-مرزبندی روشن با دشمن

..... ۴۲

کلام امام:..... ۴۲

کلام رهبر: کار نشده..... ۴۳

مستندات قرآنی:..... ۴۳

مستندات روایی:..... ۴۴

۷-پایبند به اقتصاد مقاومتی باشد و نگاهش برای پیشرفت به بیرون از مرزها نباشد.

..... ۴۵

کلام امام:کار نشده..... ۴۵

کلام رهبر: کار نشده..... ۴۵

مستندات قرآنی:..... ۴۵

مستندات روایی:..... ۴۵

۸-دوری از منفعت های شخصی و جزئی و تلاش برای منافع عمومی

..... ۴۶

کلام امام:..... ۴۶

کلام رهبر: کار نشده..... ۴۶

مستندات قرآنی:..... ۴۶

مستندات روایی:..... ۴۷

۹-ترجیح مصالح کلی کشور بر مصالح منطقه ای

..... ۴۸

کلام امام:کار نشده..... ۴۸

کلام رهبر:کار نشده..... ۴۸

مستندات قرآنی:کار نشده..... ۴۸

مستندات روایی:کار نشده..... ۴۸

۱۰- جوانگرا	و	به	جوانان	اعتقاد	داشته	باشد.
.....						۴۸
کلام امام:	.....					۴۸
کلام رهبر:	کار نشده	.....				۴۹
مستندات قرآنی:	کار نشده	.....				۴۹
مستندات روایی:	کار نشده	.....				۴۹
۱۱- طرفدار	مستضعفین	و		ضعفا		باشد.
.....						۴۹
بیان امام:	.....					۴۹
کلام رهبر:	کار نشده	.....				۵۱
مستندات قرآنی:	کار نشده	.....				۵۲
مستندات روایی:		.....				۵۳
۱۲-	.....			خستگی ناپذیر و دارای همت جهادی باشد.		
کلام امام:	کار نشده	.....				۵۴
کلام رهبر:	کار نشده	.....				۵۴
مستندات قرآنی:	کار نشده	.....				۵۴
مستندات روایی:		.....				۵۶
۱۳- ساده زیست باشد و از اشرافی گری اجتناب کند و متصل به مراکز ثروت و قدرت نباشد.	.....					۵۷
بیان امام:	.....					۵۷
کلام رهبر:	کار نشده	.....				۵۸
مستندات قرآنی:	کار نشده	.....				۵۸
مستندات روایی:		.....				۶۱
۱۴- با مردم صمیمی باشد و خود را خدمتگزار مردم بداند و دنبال تصاحب قدرت و اندوختن ثروت نباشد.	.....					۶۲
کلام امام:	.....					۶۲
کلام رهبر:	کار نشده	.....				۶۵
مستندات قرآنی:		.....				۶۵
مستندات روایی:		.....				۶۶
۱۵- از شیوه های تبلیغاتی صحیح استفاده نماید.	.....					
أ. رعایت مَرّ قانون	.....					۶۹
کلام امام:	.....					۶۹

کلام رهبر:	۶۹
مستندات قرآنی: کار نشده	۶۹
مستندات روایی: کار نشده	۷۱
ب. اهانت نکردن	۷۱
کلام امام: کار نشده	۷۱
کلام رهبر:	۷۱
مستندات قرآنی: کار نشده	۷۱
مستندات روایی: کار نشده	۷۳
ت. برخورد صادقانه با مردم	۷۳
کلام امام: کار نشده	۷۳
کلام رهبر:	۷۳
مستندات قرآنی: کار نشده	۷۳
مستندات روایی: کار نشده	۷۴
ث. خود داری از اسراف و پرداخت رشوه های تبلیغاتی	۷۵
کلام امام: کار نشده	۷۵
کلام رهبر:	۷۵
مستندات قرآنی: کار نشده	۷۵
مستندات روایی: کار نشده	۷۷
۱۶- تفاهم بین ملت و دولت را فراهم کنند.	۷۸
کلام امام:	۷۸
کلام رهبر:	۷۹
مستندات قرآنی: کار نشده	۸۰
مستندات روایی: کار نشده	۸۰
۱۷- با مسئولان دیگر وحدت را حفظ کنند و با هم خوب باشند.	۸۰
کلام امام:	۸۰
کلام رهبر:	۸۱
مستندات قرآنی: کار نشده	۸۱
مستندات روایی: کار نشده	۸۲
۱۸- تعامل با دولتهای اسلامی برای تشکیل یک ارتش واحد مردمی در جهان.	۸۲

کلام امام:	۸۲
کلام رهبر:	۸۳
مستندات قرآنی: کار نشده	۸۳
مستندات روایی: کار نشده	۸۴
۱۹- وحدت	۸۴
کلام امام:	۸۴
کلام رهبر:	۸۶
مستندات قرآنی: کار نشده	۸۷
مستندات روایی: کار نشده	۹۱
۲۰- غرب زده یا شیطانزده نباشد.	
خطا محل یاب تعریف نشده.	
کلام امام:	
خطا محل یاب تعریف نشده.	
کلام رهبر:	
خطا محل یاب تعریف نشده.	
مستندات قرآنی:	
خطا محل یاب تعریف نشده.	
مستندات روایی: کار نشده	
خطا محل یاب تعریف نشده.	
۲۱- از متخصصین متعهد مسلمان استفاده کند.	
کلام امام:	۹۶
کلام رهبر:	۹۶
مستندات قرآنی: کار نشده	۹۶
مستندات روایی: کار نشده	۹۹
طرح اجرایی	۱۰۹
وظایف مردم در قبال انتخابات:	۱۱۰

## بسمه تعالی

النساء ، الجزء ۵، الصفحة: ۸۷، الآية: ۵۸

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ  
إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٥٨﴾

خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزهای خوبی به شما می دهد! خداوند، شنوا و بیناست. (۵۸)

## کلام امام:

در آتیه هم چنانچه ان شاء الله این ملت به همین طور در صحنه حاضر باشند با تعیین وکلایی که متعهد بر همه جهات اسلام و مصالح کشور هستند، تعیین کنند، امید است که در آتیه هر سال بهتر از سال قبل بشود<sup>۱</sup>

آنهایی که در آنجا هستند، در دبیرستانها هستند، در دبستانها هستند، بعد هم در دانشگاهها وارد می‌شوند، اینهایی هستند که آتیه یک کشور در دست آنهاست و اگر آنها به طور تعهد اسلامی، اخلاق اسلامی، تربیت شدند و به جامعه تحویل داده آنها می‌توانند یک کشور را اصلاح کنند و از استقلال کشور دفاع کنند. تمام این اموری که فاسد است، چه اموری که در رژیم سابق واقع می‌شد از حیث وابستگی به قدرتهای اجنبی و چه آنهایی که خودشان طرفدار بودند که وابسته کنند این ملت را و این کشور را به کشورهای ابرقدرت، اینها تمام برای این است که تعهدهای اسلامی اینها نداشتند<sup>۲</sup>.

جمهوری اسلامی که ملت ما می‌خواهد این است که محتوای این جمهوری احکام اسلام باشد و تمام مملکت روی احکام اسلامی اداره بشود، و آنچه که خدای تبارک و تعالی فرموده است به وسیله پیغمبر اکرم و به ما رسیده است به وسیله ائمه اطهار آنها باید تحقق پیدا بکند<sup>۳</sup>.

در این نهضتی که شما ملت ایران- زن و مرد- همه قائم به آن هستید، این نهضت برای خداست. می‌خواهید که طاغوت را از بین ببرید، می‌خواهید که کسانی که ملت شما را تضعیف کرده‌اند و ملت شما را در تحت اختناق و فشار و چپاول درآورده‌اند نجات بدهید، می‌خواهید که حکومت خدا را در ایران ایجاد کنید، چه شکست بخورید و چه شکست بدهید پیروز هستید<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> در جمع مسئولان جهاد سازندگی قم ۵۸/۸/۶-صحیفه امام ج ۱۷ ص ۴۷۰

<sup>۲</sup> در جمع نمایندگان انجمنهای اسلامی دانش آموزان ۱۳۶۰/۱/۱۱-صحیفه امام ج ۱۴ ص ۲۴۵

<sup>۳</sup> در جمع اهالی مسجد ارباب تهران ۱۳۵۸/۸/۱

<sup>۴</sup> در جمع معلمان ۵۷/۱۱/۱۹-صحیفه امام ج ۶ ص ۱۰۶

رئیس جمهور مطلوب باید با کفایت، با ایمان، عدالت خواه و ضد فساد، دارای عملکرد انقلابی و جهادی، معتقد به توانمندی های داخلی، معتقد به جوانان به عنوان پیشران حرکت عمومی کشور و امیدوار به آینده باشد.<sup>۱</sup>

انتخاب صالح - در درجه اول - یعنی انتخاب نماینده متدین. برای نماینده، آگاهی سیاسی لازم است؛ جرأت و جسارت در برخورد با مسائل لازم است؛ آگاهی از مسائل کشور لازم است؛ آگاهی از مسائل جهان لازم است. همه اینها لازم است. لکن رکن اصلی، تدین است؛ یعنی اعتقاد به اسلام و به اصول و پایه های دینی و عامل بودن به اینها. این، اساس قضیه است. نماینده ای که متدین باشد، شما خاطرتان جمع است که خیانت نخواهد کرد؛ کار خلاف نخواهد کرد؛ حتی کوتاهی و سستی نخواهد کرد. نماینده متدین، هر یک ساعتی را که بخواند غیبت کند و در مجلس نباشد، احساس می کند این خلاف شرع است و چون متدین است، این خلاف شرع را انجام نمی دهد. نماینده متدین، از تربیون مجلس برای گفتن سخن ناحق، استفاده نمی کند. نماینده متدین، مصالح انقلاب و کشور را بر مسائل شخصی یا گروهی، مقدم می داند. تدین، این خصوصیات و این خواص مهم را دارد. اگر این شرط را بتوانید تأمین کنید و نماینده متدین را ان شاء الله پیدا و انتخاب کنید، آن جهات بعدی قابل تأمین تر است.<sup>۲</sup>

«علاوه بر همه این ها - و شاید بتوانم عرض کنم مهم تر از همه این ها - این است که متدین باشد. نماینده ای متدین است که برای مردم کار می کند. نیتش را خدایی می کند؛ مردم فهمیدند، فهمیدند؛ نفهمیدند، نفهمیدند. آن کس که بخواند کار نکرده ای را به رخ مردم بکشد، متدین نیست. نماینده ای که متدین است، برای مردم کار می کند، جان می کند، نفس می زند، در تنظیم قوانین، در حفظ اکثریت مجلس و کمیسیون ها و برای حضور در کمیسیون ها تلاش می کند. کسی فهمید، فهمید؛ نفهمید، نفهمید. اهمیت نمی دهد. می خواهد کار کند. این، فایده تدین نماینده است؛ نماینده متدین و معتقد به انقلاب، معتقد و پایبند به اصول انقلاب.<sup>۳</sup>»

---

<sup>۱</sup> - سخنرانی نوروزی - ۱ فروردین ۱۴۰۰

<sup>۲</sup> - مصاحبه رادیو - تلویزیونی در پایان بازدید از پنجمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران - ۱۳۷۱/۰۲/۱۷

<sup>۳</sup> - بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران - ۱۳۷۱/۰۱/۰۷

«کسی که می‌آید به مجلس، باید باتقوا باشد. اولین شرط تقواست: (اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اتْقَاكُمْ).»<sup>۱</sup>

«مجلس شورای اسلامی، مهم است. مجلس شورای اسلامی، به اعتباری، حسّاس‌ترین و مؤثرترین نهاد قانونی کشور است. اگر نماینده‌ای بی‌علاقه به انقلاب و کشور و بی‌اعتقاد به قانون اساسی به مجلس راه پیدا کند که مصالح این کشور برایش مهم نباشد؛ دشمنی‌های استکبار جهانی را نفهمد، دلش بخواهد که از استکبار جهانی تملّق بگوید و در روزنامه‌ها و مجلّات وابسته به صهیونیست‌ها اسمش را درشت بنویسند و بگویند فلانی با سیاست نظام جمهوری اسلامی مخالفت کرد؛ چنین نماینده‌ای مجلس را خراب می‌کند، ملت را خراب می‌کند، کشور را هم خراب می‌کند؛ پس به درد نمی‌خورد.»<sup>۲</sup>

«بینید و بفهمید چه کسی را به مجلس می‌فرستید. آن کسی که به عنوان وکیل این ملت انقلابی و مؤمن و شجاع به مجلس می‌رود، باید انقلابی و مؤمن و شجاع باشد. اگر نگوئیم شجاع‌ترین و مؤمن‌ترین و انقلابی‌ترین؛ لااقل در سطح این توده عظیم مردم که این گونه از خود درخشش نشان می‌دهند، باشد. آن کسی که اسلام را نمی‌پسندد و مقرّرات اسلامی را قبول نمی‌کند و برای خاطر دل بیگانگان و خوشامد دیگران، به انقلاب و ارزش‌های انقلابی اهانت می‌کند و یا به خاطر ترس از دیگران، به جای این که به ملت گرایش نشان دهد، به دشمن گرایش نشان می‌دهد و آن کسی که تقوای لازم را ندارد و اهل معنویات نیست و اهل دنیاست و فقط برای نام و نشان و استفاده شخصی، این مسئولیت را می‌خواهد، او لایق و شایسته این کار نیست. دنبال آدم‌های مؤمن و شجاع و انقلابی و کسانی که بتوانند قدرت این ملت را - که در سایه ارزش‌های انقلابی است - حفظ کنند، باشید. کسانی که وقتی قوانینی می‌گذارند و موضعی می‌گیرند و نطقی می‌کنند، همه در این جهت باشد. این طور آدمی، شایسته آن است که به عنوان وکیل این ملت، به مجلس شورای اسلامی برود؛ آن کسی که بفهمد امام چه می‌گفت، چه می‌خواست و چرا می‌خروشید. وکیل آینده مجلس، باید دنبال راه امام و در خطّ او باشد. . . خطّ امام و ارزش‌ها و وصیت‌نامه او را فراموش نکنید. آنچه را که این ارزش‌ها به شما می‌آموزد، آنها را در آدمی سراغ کنید و وقتی پیدا کردید؛ قرّبۀ الی اللّٰه و محض رضای خدا، نام او را در صندوق رأی بیندازید. این، مجلس شورای اسلامی لایق شما و این ملت می‌شود. کار را این طور دنبال کنید.»<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> - بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم - ۱۳۸۲/۱۰/۱۸

<sup>۲</sup> - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه (۱۹ رمضان ۱۴۱۶) - ۱۳۷۴/۱۱/۲۰

<sup>۳</sup> - بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر - ۱۳۷۴/۱۲/۰۱

«عزیزان من! وابستگی از لابی‌گری دینی حاصل می‌شود. نه این که هر کس متدین نیست، وابسته است؛ نه. بالاخره انگیزه‌های گوناگونی وجود دارد. اما کسی که متدین است، یک مانع اضافه برای وابسته شدن دارد. این خیلی مهم است. شنیده‌ام بعضی در حول و حوش مرحله اول انتخابات، گفته بودند «فلانی - شاید اسم ما را هم نیاورده بودند- یا برخی دیگر این قدر روی تدین تکیه می‌کنند، چه اهمیتی دارد؟ باید آدم‌های متخصص به مجلس راه پیدا کنند. دکترها و مهندس‌ها به مجلس بروند و مملکت را اداره کنند!» این، اشتباه است. نه این که برای مجلس، متخصص لازم نیست. چرا؛ برای مجلس، متخصص لازم است. ولی ما امروز تخصص کم نداریم. عرض من این است که: ای ملت ایران! بین همین مهندس‌ها و دکترها، میان همین متخصص‌ها و کارشناس‌ها، بگردید متدین‌ها را انتخاب کنید! به صرف ادعا، اکتفا نکنید. فردی را که می‌خواهید برگزینید، باید متدین باشد. متدین که شد، آن وقت انسان احساس خاطر جمعی می‌کند. من در بعضی تبلیغات انتخاباتی، در بعضی جاها مشاهده کردم که فلان نامزد انتخاباتی، حتی این قدر به خودش زحمت نداده است که عکسی را برای تبلیغات منتشر کند که اقرار در آن عکس، ظواهر مذهبی را رعایت کرده باشد! خوب؛ چنین مواردی انسان را متنبه به خطر می‌کند. این که عده‌ای خیال کنند دیگر وقت این حرف‌ها گذشت و امروز مردم دنبال دین و آخوند و ریش و از این قبیل نیستند، اشتباه است. امروز هم اعتماد مردم به افراد متدین، نمایندگان متدین و علمای دین است. مردم به اینها اعتماد و اطمینان دارند. سزاوار هم هست که به اینها اطمینان داشته باشند؛ زیرا دین مانع وابستگی می‌شود. وقتی دین داری نبود، وابستگی آسان می‌شود. آیا کسی که در تبلیغات انتخاباتی اش شعارهایی مطرح می‌کند که نه فقط رنگ و بوی دینی و انقلابی ندارد، بلکه ضد مسائل دینی، ملی و انقلابی است، خطرناک نیست که به مجلس برود؟! البته ما به هشیاری مردمان خیلی مطمئنیم. بنده به هشیاری مردم کاملاً مطمئنم. مردم ما هشیارند؛ اما معنایش این نیست که آدم دغلی نخواهد توانست با پشت هم اندازی و تبلیغات گوناگون، فضا را غبارآلود کند و از آب گل‌آلود ماهی بگیرد.»<sup>۱</sup>

«نماینده باید متدین باشد؛ انسان‌های متدین می‌توانند مورد اعتماد قرار گیرند. نماینده باید انقلابی باشد؛ روحیه و نشاط و امید و قوت و روحیه انقلابی در او وجود داشته باشد تا بتواند راه‌هایی را که به نظر بن بست می‌رسد، بشکافد و پیش برود.»<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - یانات در دیدار پرسنل و فرماندهان ارتش - ۱۳۷۵/۰۱/۲۸

<sup>۲</sup> - بیانات در اجتماع بزرگ مردم قزوین - ۱۳۸۲/۰۹/۲۵

«کارآمدی تنها هم کافی نیست؛ باید متدین هم باشد. آدم متدین، احتمال خیانتش کم است. آن متدین هایی که یک وقت دچار لغزش می شوند، اول تقوای خودشان را از دست می دهند؛ بعد این لغزش به سراغ آنها می آید. پس، باید متدین و باتقوا هم باشند تا بتوانید برای کارهای این کشور به آنها اعتماد کنید.»<sup>۱</sup>

مستندات قرآنی:

### الحشر، الجزء ۲۸، الصفحة: ۵۴۶، الآية: ۷

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٧﴾

آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا پرهیزید که خداوند کیفرش شدید است! (۷)

### آل عمران، الجزء ۳، الصفحة: ۵۲، الآية: ۱۹

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾

دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می رسد؛ زیرا) خداوند، سریع الحساب است. (۱۹)

<sup>۱</sup> - بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم - ۱۳/۱۱/۱۳۷۸

### البقرة، الجزء ٣، الصفحة: ٤٩، الآية: ٢٨٥

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَأَتْ بِهِ كُتُبَهُ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾

پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می‌باشد.) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند؛ (و می‌گویند): ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم). و (مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظار) آمرزش تو را (داریم)؛ و بازگشت (ما) به سوی توست.» (٢٨٥)

### الأنفال، الجزء ٩، الصفحة: ١٨٠، الآية: ٢٩

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد؛ (روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت؛ و گناهانتان را می‌پوشاند؛ و شما را می‌آمرزد؛ و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است!) (٢٩)

### الطلاق، الجزء ٢٨، الصفحة: ٥٥٨، الآية: ٢

فَإِذَا بَلَغَنَّ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوَعِّظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿٢﴾

و چون عده آنها سرآمد، آنها را بطرز شایسته‌ای نگه دارید یا بطرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید؛ و شهادت را برای خدا برپا دارید؛ این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند! و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، (٢)

و يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا



و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است! (۳)

### یونس ، الجزء ۱۱، الصفحة: ۲۱۳، الآية: ۳۵

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٥﴾

بگو: «آیا هیچ يك از معبودهای شما، به سوی حق هدایت می‌کند؟! بگو: «تنها خدا به حق هدایت می‌کند! آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟!» (۳۵)

مستندات روایی:

### علل الشرائع، ج ۱، ص: ۲۵۲

حَدَّثَنِي عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ دُوسٍ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَتِيبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ النَّيْسَابُورِيُّ

فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ لِمَ أُمِرَ الْخَلْقُ بِالْإِقْرَارِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَحُجَّتِهِ وَبِمَاجَاءِ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ قِيلَ لِعَلَّ كَثِيرَ مِنْهَا أَنْ مَنْ لَمْ يُقَرَّرْ بِاللَّهِ لَمْ يَتَجَنَّبْ مَعَاصِيهِ وَلَمْ يَنْتَهَ عَنْ ارْتِكَابِ الْكِبَائِرِ وَلَمْ يُرَاقِبْ أَحَدًا فِيمَا يَشْتَهِي وَيُسْتَلَذُّ مِنَ الْفُسَادِ وَالظُّلْمِ

### علل الشرائع، ج ۱، ص: ۲۵۲

حَدَّثَنِي عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ دُوسٍ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَتِيبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ النَّيْسَابُورِيُّ

وَلَا يَكُونُ حَظُّ الْفُسَادِ وَالْأَمْرِ بِالصَّلَاحِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْفَوَاحِشِ إِلَّا بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِاللَّهِ وَمَعْرِفَةِ الْأَمْرِ وَالنَّاهِي

وَمِنْهَا أَنَا قَدْ وَجَدْنَا الْخَلْقَ قَدْ يُفْسِدُونَ بِأُمُورٍ بَاطِنَةٍ مَسْتُورَةٍ عَنِ الْخَلْقِ فَلَوْ لَا الْإِقْرَارُ بِاللَّهِ وَخَشْيَتُهُ بِالْغَيْبِ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ إِذَا خَلَا بِشَهْوَتِهِ وَإِرَادَتِهِ يُرَاقِبُ أَحَدًا فِي تَرْكِ مَعْصِيَةٍ وَانْتِهَاكِ حُرْمَةٍ وَارْتِكَابِ كَبِيرٍ إِذَا كَانَ فِعْلُهُ ذَلِكَ مَسْتُورًا عَنِ الْخَلْقِ بِغَيْرِ مُرَاقِبٍ لِأَحَدٍ فَكَانَ يَكُونُ فِي ذَلِكَ هَلَاكُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ.

بحار الانوار، ج ۹، باب ۱، ص ۱۴۳

یا عم واللّٰه لو وضعت الشمس فی یمینی و القمر فی شمالی ما ترکت هذا القول حتی انفعده او اقتل دونہ.

عموجان، به خدا سوگند! اگر آفتاب را در دست راست من و ماه را در دست چپ من قرار دهند، از آیین خود دست بر نمی‌دارم تا این که آن را برپا دارم یا در راه آن کشته شوم.

## ۲- ولایت مداری

### کلام امام:

ملت ما اگر وکلاشان خواستند بر خلاف اسلام عمل بکنند، مردم مختارند که وکلا را عزلشان بکنند، بریزندشان دور. آنها خیال می‌کنند که نه، این خلاف آزادی است. شما دارید دیکتاتوری می‌کنید! شما دارید در مقابل ملت می‌ایستید. ملت اسلام را می‌خواهد، شما می‌گویید لازم نیست! ملت ولایت فقیه را می‌خواهد، که خدا فرموده است، شما می‌گویید خیر، لازم نیست!

اسلام اطاعت فقیه را واجب دانسته است، و من امر می‌کنم به شما که اطاعت کنید از ما فوقهای خود، و حفظ نظام را بکنید و من سفارش می‌کنم به افسرها، افسرهای ارشد و دیگر افسرها که مراعات اسلامی خودشان را بکنند؛ با زیردستان همان کنند که پیغمبر اسلام با زیردستان می‌فرمود و امیر المؤمنین - سلام الله علیه<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> در جمع نمایندگان مجلس خبرگان ۵۸/۷/۱۳-صحیفه امام ج ۱۰ ص ۲۲۳

<sup>۲</sup> در جمع افسران دانشکده افسری ۱۳۵۸/۸/۱-صحیفه امام ج ۱۰ ص ۳۲۷

اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولیّ منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است<sup>۱</sup>.

کلام رهبر: کار نشده

مستندات قرآنی:

النساء ، الجزء ۵، الصفحة: ۸۸، الآية: ۶۵

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند. (۶۵)

الأحزاب ، الجزء ۲۲، الصفحة: ۴۲۳، الآية: ۳۶

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلًّا مُّبِينًا ﴿٣٦﴾

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است! (۳۶)

النساء ، الجزء ۵، الصفحة: ۸۷، الآية: ۵۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾

<sup>۱</sup> نامه به رئیس مجلس خبرگان ۱۳۶۸/۲/۹ - صحیفه امام ۲۱ ص ۳۷۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [اوصیای پیامبر] را! و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است. (۵۹)

مستندات روایی:

## الأُمالي (للمفید) ؛ النص ؛ ص ۱۴

قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو الْجَعَابِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ الْمَعْدِلِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمْرِو عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كَرِيبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا الْمَرْفَاقَةَ نِظَامُ الْإِسْلَامِ.

## نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲

قال الامام على ( عليه السلام):

فرض الله الإمامة، نظاماً للأمة والطاعة تعظيماً للإمامة.

امامت، موجب نظم و هماهنگی مردم و اطاعت، برای عظمت رهبری است.

عبد الواحد بن محمد بن عبدوس النيسابوري العطار، قال: حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ قُتَيْبَةَ النِّسَابُورِيِّ، قَالَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ النِّسَابُورِيِّ: إِنْ سَأَلَ سَائِلٌ فَقَالَ: أَخْبِرْنِي هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُكَلِّفَ الْحَكِيمُ .... فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ: وَلَمْ جَعَلَ أُولَى الْأَمْرِ وَ أَمْرَ بَطَاعَتِهِمْ؟ قِيلَ لَعَلَّ كَثِيرَةً مِنْهَا، أَنْ الْخَلْقَ لَمَّا وَقَفُوا عَلَى حَدِّ مَحْدُودٍ وَ أَمْرُوا أَنْ لَا يَتَعَدُّوا تِلْكَ الْحُدُودَ لَمَّا فِيهِ مِنْ فُسَادِهِمْ لَمْ يَكُنْ يَثْبُتُ ذَلِكَ وَ لَا يَقُومُ إِلَّا بِأَنْ يَجْعَلَ عَلَيْهِمْ؛ فِيهَا أَمِينًا يَأْخُذُهُمْ بِالْوَقْفِ عِنْدَ مَا أُبِيحَ لَهُمْ وَ يَمْنَعُهُمْ مِنَ التَّعْدِي عَلَى مَا

حَظَرَ عَلَيْهِمْ، لِأَنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ لَكَانَ أَحَدٌ لَا يَتْرُكُ لَدُنَّهُ وَ مَنْفَعَتُهُ لِفَسَادِ غَيْرِهِ. فَجُعِلَ عَلَيْهِمْ قِيَمٌ يَمْنَعُهُمُ مِنَ الْفَسَادِ وَ يُقِيمُ فِيهِمُ الْحُدُودَ وَ الْأَحْكَامَ. وَ مِنْهَا أَنَا لَا نَجِدُ فَرْقَةً مِنَ الْفَرْقِ وَ لَا مِلَّةً مِنَ الْمِلَلِ بَقَوْا وَ عَاشُوا الْآبَقِيَّةَ وَ رَئِيسٌ لِمَا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا. فَلَمْ يَجْزُ فِي حِكْمَةِ الْحَكِيمِ أَنْ يَتْرُكَ الْخَلْقَ مِمَّا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ وَ لَا قِوَامَ لَهُمْ إِلَّا بِهِ فَيَقَاتِلُونَ بِهِ عَدُوَّهُمْ وَ يَقْسُمُونَ بِهِ فَيْتَهُمْ وَ يُقِيمُونَ بِهِ جَمْعَهُمْ وَ جَمَاعَتَهُمْ وَ يُمْنَعُ ظَالِمُهُمْ مِنْ مَظْلُومِهِمْ. وَ مِنْهَا أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ إِمَامًا قِيَمًا أَمِينًا حَافِظًا مُسْتَوْدَعًا، لَدَرَسَتِ الْمِلَّةُ وَ ذَهَبَ الدِّينُ وَ غَيَّرَتِ السُّنَنُ وَ الْأَحْكَامُ، وَ لَزَادَ فِيهِ الْمُتَبَدِّعُونَ وَ نَقَصَ مِنْهُ الْمُلْحَدُونَ وَ شَبَّهُوا ذَلِكَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ. اذْ قَدْ وَجَدْنَا الْخَلْقَ مَنْقُوصِينَ مُحْتَاجِينَ غَيْرَ كَامِلِينَ، مَعَ اخْتِلَافِهِمْ وَ اخْتِلَافِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشْتُّ حَالَاتِهِمْ، فَلَوْ لَمْ يَجْعَلْ قِيَمًا حَافِظًا لِمَا جَاءَ بِهِ الرَّسُولُ الْأَوَّلُ لَفَسَدُوا عَلَى نَحْوِ مَا بَيَّنَّاهُ وَ غَيَّرَتِ الشَّرَائِعُ وَ السُّنَنُ وَ الْأَحْكَامُ وَ الْإِيمَانُ. وَ كَانَ فِي ذَلِكَ فِسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ.<sup>١</sup>

قسمت اول حديث را که مربوط به نبوت است و الان مورد بحث ما نيست نياورديم. مورد بحث ما قسمت اخير است که امام می فرمايد: اگر کسی پرسد چرا خدای حکيم «اولی الامر» قرار داده و به اطاعت آنان امر کرده است، جواب داده خواهد شد که به علل و دلايل بسيار چنين کرده است. از آن جمله، اين که چون مردم بر طريقه مشخص و معيني نگهداشته شده، و دستور يافته اند که از اين طريقه تجاوز ننمايند و از حدود و قوانين مقرر در نگذرند، زيرا که با اين تجاوز و تخلف دچار فساد خواهند شد، و از طرفی اين امر به تحقق نمی پيوند و مردم بر طريقه معين نمی روند و نمی مانند و قوانين الهی را بر پا نمی دارند، مگر در صورتی که فرد (يا قدرت) امين و پاسداري بر ايشان گماشته شود که عهده دار اين امر باشد و نگذارد پا از دایره حقشان بيرون نهند، يا به حقوق ديگران تعدی کنند زيرا اگر چنين نباشد و شخص يا قدرت بازدارنده ای گماشته نباشد، هيچ کس لذت و منفعت خویش را که با فساد ديگران ملازمه دارد فرو نمی گذارد و در راه تأمين لذت و نفع شخصی به ستم و تباهی ديگران می پردازد و علت و دليل ديگر اين که ما هيچ يك از فرقه ها يا هيچ يك از ملتها و پيروان مذاهب مختلف را نمی بينيم که جز به وجود يك بر پا نگهدارنده نظم و قانون و يك رئيس و رهبر توانسته باشد به حيات خود ادامه داده باقی بماند، زيرا برای گذران امر دين و دنياي خویش ناگزير از چنين شخص هستند؛ بنا بر اين، در حکمت خدای حکيم روا نيست که مردم، يعنی

<sup>١</sup> - ولايت فقيه (امام خميني)، ص: ٣٩ و ٤٠

آفریده‌گان خویش را، بی رهبر و بی سرپرست رها کند؛ زیرا خدا می‌داند که به وجود چنین شخصی نیاز دارند و موجودیتشان جز به وجود وی قوام و استحکام نمی‌یابد؛ و به رهبری اوست که با دشمنانشان می‌جنگند؛ و درآمد عمومی را میانشان تقسیم می‌کنند؛ و نماز جمعه و جماعت را برگزار می‌کنند؛ و دست ستمگران جامعه را از حریم حقوق مظلومان کوتاه می‌دارند.

في كتاب إكمال الدين و إتمام النعمة «١» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِصَامٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ، قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعُمَرِيَّ أَنْ يُوَصِّلَ لِي كِتَابًا قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ اشْكَلْتُ عَلَىَّ. فَوَرَدَ التَّوْقِيعُ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ (ع): أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ. أَرْشَدَكَ اللَّهُ وَثَبَّتَكَ (إِلَى أَنْ قَالَ) وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ، فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثِنَا. فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ، وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ. وَ أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعُمَرِيَّ، فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ عَنْ أَبِيهِ، فَإِنَّهُ تَقَّتِي وَ كِتَابُهُ كِتَابِي. «٢» اسحاق بن يعقوب، «٣» نامه‌ای برای حضرت ولی عصر (عج) می‌نویسد و از مشکلاتی که برایش رخ داده سؤال می‌کند. و محمد بن عثمان عمری نماینده آن حضرت، نامه را می‌رساند. جواب نامه به خط مبارک صادر می‌شود که «.. در حوادث و پیشامدها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجت من بر شمايند و من حجت خدايم ..»

### کلام امام:

از اظهارات پوچ دولت امریکا و انگلیس و شوروی مبنی بر پشتیبانی از شاه برای حفظ منافع خودشان نهراسید؛ که نمی‌هراسید. به شهادت تاریخ، هیچ قدرتی نمی‌تواند آتش قلب ملت مظلومی را که برای رسیدن به آزادی و استقلال قیام کرده است فرو نشاند.<sup>۱</sup>

علمای بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج آنان از سیطره قدرت حکومت‌های جور با یکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر بپردازند و برای حفظ منافع مسلمین سینه‌ها را سپر کنند و جلوی تهاجم فرهنگ‌های مبتذل شرق و غرب را که به نابودی نسل و حرث ملت‌ها منتهی شده است را بگیرند، و به مردم کشورهای خود آثار سوء و نتایج خود باختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو کنند و به مردم و به دولتها خطر استعمار نو و شیطنت ابرقدرتها که جنگ و مسلمان‌کشی در جهان به راه انداخته‌اند، گوشزد کنند.<sup>۲</sup>

تمام کشورهای اسلامی چون ایران بنا به وظیفه اسلامی خویش باید از کشورهای در حال رشد و مبارزه با استعمار مادی و معنوی پشتیبانی کنند.<sup>۳</sup>

پیغمبر هم شهید داد، انبیا هم همین طور. سیره انبیا بر این معنا بوده است، سیره بزرگان بر این معنا بوده است که معارضه می‌کردند با طاغوت و لو اینکه زمین بخورند، و لو اینکه کشته بشوند و لو کشته بدهند. ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند، و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد.<sup>۴</sup>

امروز همه انقلابی و آماده شهادت هستند. من جداً اعلام می‌کنم که ما می‌توانیم به آسانی در برابر تجاوز امریکا بایستیم. امریکا ممکن است ما را شکست دهد ولی نه انقلاب ما را و به همین دلیل است که من به پیروزی خودمان اطمینان دارم. دولت امریکا مفهوم شهادت را نمی‌فهمد. ما با چنین

---

<sup>۱</sup> پیام به ملت ایران ۱۳۵۷/۸/۴ - صحیفه امام، ج ۴، ص: ۱۵۵

<sup>۲</sup> پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام ۱۳۶۶/۵/۶ - صحیفه امام ج ۲۰ ص ۳۳۷

<sup>۳</sup> پیام به ملت الجزایر - صحیفه امام ج ۱۰ ص ۳۹۶

<sup>۴</sup> در جمع مردم و مسئولان نظام ۱۳۶۲/۱۰/۱ - صحیفه امام ۱۸ ص ۲۶۹

روحیه‌ای است که همه مشکلات ایران را حل می‌کنیم. به شعارهای مردم نگاه کنید که می‌گویند، «کارتر نمی‌داند منطق شهادت چیست»<sup>۱</sup>.

## کلام رهبر:

کسانی با رأی ملت سر کار نیایند که در مقابل دشمنان بخواهند دست تسلیم بالا ببرند و آبروی ملت ایران را ببرند. کسانی سر کار نیایند که بخواهند با تملق گوئی به غرب، به دولتهای غربی، به دولتهای زورگو و مستکبر، به خیال خودشان بخواهند برای خودشان موقعیتی در سطح بین‌المللی دست و پا کنند. اینها برای ملت ایران ارزشی ندارد. کسانی سر کار نیایند که دشمنان ملت ایران طمع بورزند که به وسیله آنها بتوانند صفوف ملت را از هم جدا کنند، مردم را از دینشان، از اصولشان، از ارزشهای انقلابی شان دور کنند. ملت باید آگاه باشد. اگر کسانی بر سر کار بیایند که در مراکز گوناگون سیاسی یا اقتصادی به جای اینکه به فکر ادامه‌ی راه امام و ارزشها و اصول ترسیم شده‌ی به وسیله‌ی امام باشند، به فکر به دست آوردن دل فلان قدرت غربی و فلان مستکبر بین‌المللی باشند، برای ملت ایران مصیبت خواهد بود. این آگاهی برای ملت لازم است.<sup>۲</sup>

انتخاب که می‌خواهید بکنید، بشناسید و انتخاب کنید؛ بشناسید. به دینشان، به تعهدشان، به وفاداری‌شان به انقلاب، به ایستادگی‌شان در راه انقلاب، به عزم و اراده‌شان، به شجاعتشان و به مرعوب نشدنشان خاطر جمع بشوید، [آن وقت] رأی بدهید.<sup>۳</sup>

دارای روحیه‌ی مقاوم باشد. این ملت اهداف بلندی دارد، کارهای بزرگی دارد، تسلیم نیست، کسی نمیتواند با این ملت با زبان زور حرف بزند. کسانی که در رأس قوه‌ی اجرایی قرار میگیرند، باید کسانی باشند که در مقابل فشارهای دشمنان مقاوم باشند؛ زود نترسند، زود از میدان خارج نشوند؛ این یکی از شرطهای لازم است.<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> مصاحبه با مجله تایم ۱۳۵۹/۱۰/۱۵ - صحیفه امام ج ۱۲ ص ۳۶

<sup>۲</sup> - بیانات در دیدار مردم بیجار ۲۸ اردیبهشت ۸۸

<sup>۳</sup> - بیانات در دیدار مردم نجف آباد ۵ اسفند ۹۴

<sup>۴</sup> - بیانات در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور - ۷ اردیبهشت ۹۲

الفتح ، الجزء ٢٦ ، الصفحة: ٥١٥ ، الآية: ٢٩

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

محمد(ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد(ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است. (٢٩)

النساء ، الجزء ٥ ، الصفحة: ١٠١ ، الآية: ١٤١

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوَذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعَكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿١٤١﴾

منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می کشند و مراقب شما هستند؛ اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنائم شریکیم!) «و اگر بهره ای نصیب کافران گردد، به آنان می گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!)» خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می کند؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. (١٤١)

## التوبة ، الجزء ١٠، الصفحة: ١٨٨، الآية: ١٢

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ﴿١٢﴾

و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آنها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدت عمل) دست بردارند! (١٢)

## البقرة ، الجزء ٢، الصفحة: ٢٩، الآية: ١٩٠

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾

و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید! و از حدّ تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی دارد! (١٩٠)

مستندات روایی:

## غرر الحکم ص ٦١

و قال أمير المؤمنين عليه السلام:

«إنّ رسول الله صلى الله عليه وآله ورثني علمه و علم النبيين و ما هو كائن إلى يوم القيامة، و مثلنا أهل البيت مثل سفينة نوح: من ركبها نجا، و من تخلف عنها غرق؛ و مثل الفتية الذين آمنوا برّبهم فزادهم هدى، فالسعيد من استقام على أمرنا و تولّانا و نصرنا و انتظر قائمنا و برئ من عدونا، و الشقي من أبغضنا؛ و من أحبّنا أجراه الله على حبنا الجنة، و من أبغضنا أخزاه الله تعالى فأدخله النار»<sup>١</sup>.

<sup>١</sup> (١) ورد حديث السفينة الوارد ضمن هذه الرواية بطرق كثيرة في أمّهات مصادر العامة، لمزيد الاطلاع، انظر: فضائل الخمسة من الصحاح الستة ٢: ٥٦ - ٥٩، باب في قول النبي صلى الله عليه وآله: «مثل أهل بيتي مثل سفينة نوح».

وصیت امیرالمومنین علیه السلام به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام: **كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا** (نهج البلاغه للصبحی صالح ص ۴۲۱)

تولی و تبری یعنی دوستان خدا را دوست داشتن و دشمنان خداوند را دشمن داشتن که این دوتا از اصول تغییر ناپذیر است. دوستی با دشمنان اسلام و پیامبر صلوات الله علیه و مسلمانان، بنابر دستور قرآن کریم حرام است. خداوند در سوره آل عمران می فرماید: **لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاءَ وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ** (آیه ۲۸) و همچنین در سوره ممتحنه می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ** (۱)

۴- حافظ عزت و استقلال کشور باشد.

### کلام امام:

اینکه شخصیتهای بسیار ارجمندی از دستمان رفت نباید ما را از آن مسائلی که همان شهدای ما مورد نظرشان بود و اساس خدمتشان بود، ما فراموش کنیم. ما بیشتر باید توجه بکنیم به آن چیزی که این شهدای ما در مجلس، این شهدای ما در دولت، شهدای ما در قوه قضایی، آنها را ما از دست دادیم، باید طریقه آنها را که همه این مسأله بود که جنگ را ما ببریم و تفاله‌های امریکا و شوروی را از کشور خودمان پاکسازی کنیم و کشور خودمان یک کشور اسلامی مستقل، آزاد باشد باید ما آن طریقه را فراموش نکنیم.<sup>۱</sup>

اگر یک مملکتی بخواهد مستقل باشد، اول شرط این است که احتیاج نداشته باشد به غیر، اگر احتیاج داشت که نمی‌تواند مستقل باشد. احتیاج، خودش یک بستگی [سیاسی] است. اگر یک روزی آن کسی که ما به او محتاج- فرض کنید- باشیم، یک روزی جلوی ما را بگیرد، خوب ما باید تسلیمش بشویم. ما باید کاری بکنیم که مستقل بشویم. کاری بکنیم که محتاج نباشیم؛ این هم به این است که دانشگاهی بنایش را بر این بگذارد که در دانشگاه خودش کاری بکند که آن مقداری که

<sup>۱</sup> در جمع خانواده هیا شهدای هفتم تیر ۱۳۶۰/۴/۱۱- صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۲۷

مملکت خودش محتاج [است] بتواند آن مقدار را درست بکند. عار است برای یک مملکتی که خارج از طب او استفاده کرده، حالا هر کس هر چه می‌شود از اینجا پا شود برود به لندن پیش دشمنهای ما. پیش آن که الآن دشمن ما را در آنجا دارد حفاظت می‌کند؛ امریکا. پیش آن که دشمن بزرگ ما را دارد حمایت می‌کند و پشتیبانی از او می‌کند و توطئه‌گری می‌کند. عار است برای ما که مریضه‌های ما بروند در یک چنین مملکتی که آن طور هستند. ما باید اطبایمان در خود مملکت تربیت بشوند، مأیوس نباشند از اینکه ما نمی‌توانیم، این قدر خودشان را نیازند.<sup>۱</sup>

آقایان توجه کنند که روابط زمان سابق نباشد که در زمان سابق روابط یک طرفه بود؛ آقای و نوکری، چه در زمان قاجار و چه زمان رضا خان و تا آخر. و شما دیدید که از اول این طور بود که وقتی سفیری از انگلستان یا امریکا می‌آمد، کسی جرأت نمی‌کرد حتی یک کلمه‌ای بر خلاف مصالح آنها بگوید. ولی ایران، امروز این طور نیست، و ما هیچ کشوری مثل ایران سراغ نداریم که این طور، دنیا و شرق و غرب به آن نظر داشته باشند، و مستقل بوده و بگویند ما نه با امریکا کار داریم و نه با شوروی و ما خودمان هستیم. و این که با همه دولت‌ها رابطه داشته باشیم یعنی، رابطه دوستانه، نه روابط بین ارباب و رعیت، و ما این روابط را نمی‌خواهیم مادامی که این طور هست. و ما استقلال خودمان را می‌خواهیم حفظ کنیم و در دنیا زندگی کنیم و اسلام را به پیش ببریم.

این روابط باید هر روز محکمتر بشود، و شما از اول باید به آنها بفهمانید این معنا را که ما نمی‌خواهیم روابطمان مثل روابط زمان شاه باشد، بلکه ما روابط خاص اسلامی داریم که اسلام نه ظالم بود و نه زیر بار ظلم می‌رفت، و ما هم می‌خواهیم این طور باشیم که نه ظلم کنیم، نه زیر بار ظلم برویم.

و شما این نکته را توجه داشته باشید که؛ آن قدرتی که شما را به استقلال و آزادی رساند، قدرت خدای تعالی بود، و تا وقتی که این عنایات الهی محفوظ باشد، هیچ قدرتی نمی‌تواند کاری بکند.<sup>۲</sup>

وصیت من به وزرای خارجه در این زمان و زمانهای بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است، چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه‌ها؛ و چه در سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولتهایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند. و از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نمایید. و باید بدانید که وابستگی در بعض

---

<sup>۱</sup> در جم زندانیان سیاسی در رژیم پهلوی ۱۳۵۸/۸/۱۱-صحیفه امام ج ۱۰ ص ۴۴۳

<sup>۲</sup> در جمع مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۶۳/۸/۶-صحیفه امام ج ۱۹ ص ۹۴

امور هر چند ممکن است ظاهر فریبنده‌ای داشته باشد یا منفعت و فایده‌ای در حال داشته باشد، لکن در نتیجه، ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید.<sup>۱</sup>

مجلس شورا را باید ملت خودش وکلا تعیین کنند. وکلا هم همین جوری که عرض کردم وکلای ملی؛ وکلایی که مردم در بلاد خودشان شناختند که اینها مردم صالحی هستند، اینها مردم اسلامی هستند، اینها گرایش به شرق و غرب، گرایش به مکتبهای فاسد ندارند، اینها را تعیین کنند. یک مجلس شورا داشته باشیم.<sup>۲</sup>

بعض مسائل، مسائل اصلی است؛ مسائلی است که بنیاد مسائل دیگر است؛ مسائلی است که حفظ کیان اسلام و حفظ استقلال کشور به آنها بسته است و بعد از اینکه این مسائل اصلی تحقق پیدا کرد، مسائل دیگری است که آن مسائل باید دنبال بشود. ما الآن مبتلا هستیم به یک رشته از مسائل اصلی که اسلام به آن بسته است و استقلال کشور. باید همه ما تمام هممان را و تمام قدرتمان را صرف در این مسائل اصلی بکنیم و بعد از آنکه ایران مستقلی و اسلام پیاده شده‌ای داشتیم، دنبال مسائل فرعی برویم، و ان شاء الله آن مسائل را هم متحقق کنیم.<sup>۳</sup>

من نمی‌خواهم در این روز مبارك اسباب افسردگی اشخاص بشوم، لکن می‌خواهم عرض کنم چرا این قدر ما عقب افتاده هستیم؟ چرا ما باید به واسطه اغراض نفسانیه این قدر خودمان را بیازیم؟ چرا باید وقتی که دنیا به تزلزل درآمده است برای این بی‌اعتنایی ایران به کاخ سفید و سیاه، چرا ما باید توجیه کنیم مسائل آنها را؟ چرا ما باید این قدر غریزده باشیم یا شیطانزده؟ من هیچ توقع نداشتم از بعضی اشخاص، و لو بعضیشان در نظر من پوچ‌اند، لکن از بعضی از این اشخاص که سابقه دارند هیچ توقع نداشتم که در این زمان که باید فریاد بزنند سر امریکا، فریاد می‌زنند سر مسئولین ما! چه شده است؟ شماها چه تان است؟ چه کردید شماها؟ شماها چرا باید تحت تأثیر تبلیغات خارجی واقع بشوید یا تحت تأثیرات نفسانیت خودتان؟ در يك همچون مسئله مهمی که باید همه شما دست به هم بدهید و ثابت کنید به دنیا که ما وحدت داریم، وحدت ما این طور شده است و در روزی که هفته وحدت است چرا شماها

---

<sup>۱</sup> وصیت نامه سیاسی-اللهی اما خمینی ره-صحیفه امام ج ۲۱ ص ۴۲۷

<sup>۲</sup> در جمع کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی ۵۸/۴/۲۱-صحیفه امام ج ۹ ص ۵۵

<sup>۳</sup> در جمع پرسنل نیروی هوایی ۱۳۵۸/۳/۲۵-صحیفه امام ج ۸ ص ۱۶۹

می‌خواهید تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید بین سران کشور تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید دو دستگی ایجاد کنید؟ چه شده است شما را؟ کجا دارید می‌روید؟ این تَذَهُبُونَ؟<sup>۱</sup>

### استقلال فرهنگی:

ایران امروز دیگر تحمل افکار غربزده و شرق‌زده مشتی خائن را ندارد. ما باید با تمام وجود به استقلال فرهنگی برسیم؛ که استقلال فرهنگی پایه و اساس کشوری آزاد و مستقل است. استادان عزیز باید خود این اعتقاد را بیابند که تنها فرهنگ ایران اسلامی است که نجاتبخش کشور و ملت ما می‌باشد.

معلمان عزیز خود بهتر می‌دانند که فرهنگ استعماری در زمان این پسر و پدر چه به روز این کشور و ملت آورده است. به فرهنگ غنی ایران اسلامی تکیه کنید و مطمئن باشید که پیروزی از آن شماست. فرزندان عزیزتان را در سر کلاسها به صورتی تربیت نمایید که وقتی فارغ التحصیل می‌شوند جوانان برومندی تحویل جامعه گردند، که با تمام وجود معتقد باشند که آنچه بدبختی داشتند از ابرقدرتهای شرق و غرب و شرق‌زدگی و غرب‌زدگی است.<sup>۲</sup>

### استقلال علمی:

اسلام برای علم آن قدر اجر قائل است که شاید دیگر مسالک آن قدر قائل نباشند. اسلام دانشمندان را آن قدر ارج می‌گذارد که شاید سایر مسالک آن طور نباشد. در اسلام، دانش بزرگترین چیز است، لکن نه دانش آن طوری که ما را به تباهی بکشد، نه دانشمندان آن طوری که ملت ما را به آغوش غرب یا شرق ببرد. اسلام کوشش دارد که علم را در مغزهای مستقل، در مغزهایی که به طرف شرق و غرب نیستند، در مغزهایی که به اسلام فکر می‌کنند، بار بیاورد. و این استقلال است که می‌تواند کشور ما را مستقل کند.

---

<sup>۱</sup> در جمع خانواده های شهدا و مسئولان قضایی ارتش ۱۳۶۵/۸/۲۹-صحیفه امام ج ۲۰ ص ۱۶۲

<sup>۲</sup> پیام به دانشجویان و فرهنگیان در آغاز سال تحصیلی ۱۳۶۱/۷/۱-صحیفه امام ج ۱۷ ص ۲

استقلال کشور ما منوط به استقلال همین دانشگاهها و فیضیه‌هاست. دانشگاه و فیضیه دست به دست هم بدهند و استقلال کشور خودشان را حفظ کنند. و امید خودشان را از غیر دانشگاه اسلامی و غیر فیضیه اسلامی، امید خودشان را از دیگران ببرند.<sup>۱</sup>

### استقلال سیاسی:

ما حرفمان از اول تا حالا این بوده است که ما یک مملکتی داریم برای خودمان می‌خواهیم. ما نمی‌خواهیم امریکا سرپرست ما باشد. ما نمی‌خواهیم همه منافع این ملت را امریکا ببرد، همه منافع این مملکت را شوروی ببرد. گاز را شوروی ببرد و نفت را امریکا ببرد. مگر یک سفره بازی است، هر کس هر چه می‌خواهد بخورد؟ ما نمی‌خواهیم این طور باشد. ما می‌خواهیم خودمان، یک جمعیتی هستیم، هر چی هستیم به شما چه، ما هر چی هستیم، می‌خواهیم خودمان از زمین خودمان و از آب خودمان و از نفت خودمان و از مخازن خودمان که همه غنی‌اند اینها، ما می‌خواهیم از همینها استفاده کنیم و دزدها را هم کنار بگذاریم که هی می‌خوردند و می‌بردند. آنها را هم کنار بگذاریم و خودمان اداره کنیم مملکت خودمان را. ما سرپرست لازم نداریم. بد اداره کنیم خودمان کردیم، خوب هم اداره کنیم خودمان کردیم. ما حرفمان این است. کی می‌تواند بگوید که نخیر، باید حتماً یک کسی دیگر بیاید و شما را اداره کند؟ به شما چه ربط دارد؟ ما یک مملکتی داریم مال خودمان، مخازنش هم مال خودمان؛ خودمان می‌خواهیم اداره کنیم.<sup>۲</sup>

ما منطقمان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما هم می‌خواهیم نرویم زیر سلطه. ما اصل گفتنمان این است که امریکا نباید باشد. نه امریکا تنها، شوروی هم نباید باشد؛ اجنبی نباید باشد. منطق ما این است و فریاد ما هم همین است. با این منطق اگر بحث کسی دارد، بکند.<sup>۳</sup>

### استقلال اقتصادی:

اگر اقتصادمان تابع خارج باشد آن وقت یک روز می‌بینید که خارجیها نمی‌خواهند به ما چیزی بدهند، و وقتی که در را بستند ما باید تسلیم آنها بشویم که هر چه می‌گویند عمل کنیم. و این شایسته یک مملکت اسلامی، یک جمهوری اسلامی نیست که پیوسته به غیر باشد در اقتصادش،

---

<sup>۱</sup> در جمع مسئولان دانشگاه ها ۱۳۶۰/۳/۲۳-صحیفه امام ج ۱۴ ص ۴۳۱

<sup>۲</sup> در جمع دانشجویان ۷۱۳۵۷/۱۷-صحیفه امام، ج ۳، ص: ۴۹۵

<sup>۳</sup> در جمع ایرانیان مقیم خارج ۱۳۵۷/۷/۲۹-صحیفه امام ۴ ص ۹۱

در گندمش، در جوش، در برنجش، در اینها. این باید با همت کشاورزها، با همت قشرهای متوجه، با همت دولت که کمک بکند به کشاورزها، و با اینکه همه احساس یک وظیفه بکنند. یک وقت این است که انسان می‌خواهد برای منافعش یک کاری بکند، گندم زیاد بشود که منفعت ببرد، خوب، این یک مسئله‌ای است که یک قدری هم اختیارش با خودش [است] آن نمی‌خواهد نمی‌برد. یک وقت کشور شما در یک حالی واقع شده است که وظیفه شرعی الهی است که کارهایی بکنید که وابسته به غیر نباشید.<sup>۱</sup>

### استقلال کشاورزی:

ما اگر چنانچه زراعت خودمان، کشاورزی خودمان، نتواند کفاف برای خودمان باشد، و دستمان دراز باشد پیش امریکا و امثال امریکا برای ارزاقمان، خوب ما وابسته خواهیم بود؛ نمی‌توانیم کاری انجام بدهیم؛ آن وقت در جهات سیاسی هم باید وابسته بشویم. باید شماهایی که، مردمی که مشغول کشاورزی بودند، باز هم مشغول باشند. کسانی که پیشتر به واسطه مشکلاتی که برایشان ایجاد شده بود، نمی‌توانستند عمل بکنند، حالا عمل کنند، دولت هم لازم است که پشتیبانی کند از کشاورزها؛ همراهی کند با آنها؛ هم آنها مشغول باشند؛ و هم دولت تا اینکه راجع به کشاورزی- که یکی از امور مهمه مملکت ماست و ما باید صادر کنیم محصولات خودمان را به خارج- این طور نباشد که ما باز هم گرفتار باشیم، و دستمان پیش خارجیها دراز باشد برای اینکه نان به ما بدهید.<sup>۲</sup>

### استقلال صنعتی:

اگر در کارخانه‌های ما این معنا را متنبه بشوند که ما باید وابسته نباشیم و ما باید خودمان برای خودمان کار انجام بدهیم، آنها کوشش می‌کنند که کارخانه‌ها را بهتر راه ببرند. و اشخاصی که مغز تفکر صنعتی دارند این مغزها را به کار می‌اندازند. و بعد از اینکه فهمیدند که باید برای خودمان کار بکنیم و باید صنعت را هم- چه صنعت بزرگ، چه صنعت کوچک را- خودمان باید درست بکنیم،

---

<sup>۱</sup> در جمع اعضای موسسه ی مبارزه با اعتیاد ۱۳۵۸/۸/۱۱-صحیفه امام ۱۱ص ۴۲۴

<sup>۲</sup> در جمع پاسداران سمیرم و جهاد سازندگی اصفهان ۱۳۵۸/۸/۵-صحیفه امام ۱۰ص ۳۶۶

این مبدأ عمل می‌شود که بعد از آن بیداری و این اراده راه بیفتند، و مشغول بشوند و تفکر کنند و مغزها را به کار بیندازند و کار خودشان را خودشان انجام بدهند.

شما متوقع نباشید که همین امروز بتوانید طیاره درست کنید. می‌گ درست کنید. البته الآن نمی‌شود، اما مایوس نباشید از اینکه می‌توانیم درست کنیم. باید بیدار بشوید، بروید دنبال اینکه آن صنایع پیشرفته را خودتان درست بکنید. وقتی این فکر در یک ملتی پیدا شد و این اراده در یک ملتی پیدا شد، کوشش می‌کند و دنبال کوشش این مطلب حاصل می‌شود.<sup>۱</sup>

### کلام رهبر:

به نظر من اولین نعمتی که باید امروز ما خدا را به خاطر آن شکر کنیم، عزت و استقلال ملی است. یک روز در همین کشور، بالاترین مقام سیاسی آن برای تصمیم‌گیریهای اساسی، منتظر اشاره‌ی سفیران انگلیس و امریکا بود. یک روز در همین تهران، رؤسای سه کشور متفق در جنگ بین‌الملل دوم، برای این کشور رئیس معین کردند؛ یکی را برداشتند، یکی را گذاشتند. در همین تهران، رؤسای دولت بدون اجازه‌ی کاخ سفید، معین نمیشدند؛ امینی بیاید، اقبال برود؛ فلان کس بماند، فلان کس برود؛ فلان وزیر در فلان جا نصب بشود یا نشود؛ سرنوشت ملت ما این بود. نفت را به فلان کشور بفروشید، در فلان پیمان بین‌المللی یا منطقه‌ای وارد بشوید یا حق ندارید وارد بشوید. برای ملتی با یک چنین مسئولان و سرمدارانی، غرور و عزتی باقی میماند؟ بنابراین، اولین نعمت بزرگ الهی برای کشور، ملت و مسئولان ما، این است که عزت و استقلال ملی دارند. امروز هیچ قدرتی در دنیا نمیتواند ادعا کند که بر نظام سیاسی کشور ما حاکم است و اشاره، تصریح، نهیب یا تهدید او میتواند اثری بر روی تصمیم‌گیریهای ما بگذارد.<sup>۲</sup>

یک عده‌ای از غرب‌زده‌ها، از صد سال پیش تبلیغ کردند که اگر میخواهید کشورتان پیشرفته بشود و ایران جلو بیفتد، بایستی بروید در ذیل غرب تعریف بشوید - غرب‌زدگی؛ همان تعبیر غرب‌زدگی که مرحوم آل‌احمد مطرح کرد و نوشت - این فکر غلطی بود؛ حالا در مورد بعضی از آن کسانی که این فکر را القا میکردند، خائنان هم بود، [اما] بعضی خائنان نبود، جاهلانه بود. امروز هم هنوز کسانی از

---

<sup>۱</sup> در جمع اقشار مختلف مردم ۱۳۵۹/۱۰/۲۹ - صحیفه امام ۱۳ ص ۵۳۶

<sup>۲</sup> - بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی - ۲۹ خرداد ۸۵

دنباله‌های آنها - و باید گفت تفاله‌های آنها - همین فکرها را ترویج میکنند که «ما در ذیل غرب بایستی پیشرفت کنیم»؛ نه، پنجاه سال، کشور در زمان دوران پهلوی در ذیل غرب زندگی کرد؛ پنجاه سال! یک مدّتی در آن اواسط رضاخان در ذیل آلمان، بعد یک مدّتی در ذیل آمریکا تا آخر؛ چه پیشرفتی برای کشور حاصل شد؟ جز بدبختی، جز عقب‌افتادگی، جز نابود شدن سرمایه‌های اساسی کشور، چه عاید کشور شد؟ نخر، در ذیل غرب نمیشود، نمیتوان [پیشرفت کرد]؛ آن کسی که این حرف را بزند که کشور در ذیل غرب ممکن است پیشرفت بکند، خائن به کشور است اگر بداند چه میگوید؛ ممکن هم هست جاهل باشد.<sup>۱</sup>

### استقلال فرهنگی:

فرهنگ ما، فرهنگ الهی است؛ این فرهنگ، استقلال ما را تضمین و تأمین میکند، آزادی ما را هم تأمین میکند. آن کسانی که به نام آزادی، ولنگاری را در جامعه ترویج میکنند، آزاد نیستند، اینها اسیر دست‌بسته‌ی فرهنگ غربی‌اند؛ فرهنگ غربی است که دارد اینها را هدایت میکند؛ این چه آزادی‌ای است؟ آزادی این است که شما نیت خودتان، ایمان خودتان، فکر خودتان، قرآن خودتان، الگوی اسلامی خودتان را داشته باشید و آن را دنبال کنید؛ این، آزادی است، این، عظمت است، این، حریت است؛ این باید تأمین بشود.<sup>۲</sup>

انقلاب یک مجموعه‌ای از ستاره‌های درخشان آرمانی را بالای سر ما قرار داده و ما را به حرکت و پرواز و جهش به سمت این نقاط نورانی دعوت کرده. ما هم امتحان کردیم، دیدیم میتوانیم پرواز کنیم؛ دیدیم این پرواز ممکن است. البته در دوره‌ی دفاع مقدس نمونه‌های بارزش دیده شد و دیدیم وقتی این ملت به سمت این آرمان‌ها پر بگشاید، میتواند خوب حرکت بکند؛ اما بسیاری از این آرمان‌ها هنوز بالای سر ماست؛ ما باید حرکت کنیم: به سمت عدالت باید برویم، به سمت اخلاق باید برویم، به سمت استقلال به معنای حقیقی کلمه - شامل استقلال فرهنگی که از همه عمیقتر و دشوارتر است - باید برویم، به سمت بازیابی حقیقی هویت اسلامی - ایرانی خودمان باید برویم.<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> - بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی - ۲۶ مهر ۹۶

<sup>۲</sup> - بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام - ۱۷ اسفند ۹۶

<sup>۳</sup> - بیانات در دیدار جمعی از شعرا - ۱۴ شهریور ۸۸

یکی از عناوین مهمّ این انقلاب، انقلابِ «نه شرقی، نه غربی» بود؛ امروز شرق وجود ندارد، [ولی] غرب وجود دارد با کمال قوّت و قدرت. «نه غربی» یعنی چه؟ یعنی ما مجذوب غرب نباشیم، تحت تأثیر غرب نباشیم، پذیرای فرهنگ غربی نباشیم، پالوده‌سازی کنیم کشور را و فرهنگ را از آمیختگی با فرهنگ منحلّ غرب؛ در زمینه‌ی سیاسی تحت تأثیر غرب نباشیم، ملحق به غرب نباشیم، مطیع و مُنقاد نسبت به غرب نباشیم. «نه غربی» یعنی این؛ [البته] معنای «نه شرقی» هم همین است، لکن امروز دیگر [بلوک] شرقی نیست. غرب، کجا است؟ آمریکا است، اروپا است؛ [خب] دولتهای اروپایی یک فرهنگی دارند، یک سیاستی دارند، یک نقشه‌ی راه طولانی و کلانی دارند؛ و ما به‌عنوان جمهوری اسلامی وظیفه داریم خودمان را از اینکه بیفتیم در مسیر مورد خواست غرب نجات بدهیم؛ این یک وظیفه است.<sup>۱</sup>

### استقلال علمی:

تحقیق، منبع تغذیه‌ی آموزش است. ما اگر تحقیق را جدی نگیریم، باز سالهای متمادی بایستی چشم به منابع خارجی بدوزیم و منتظر بمانیم که یک نفر در یک گوشه‌ی دنیا تحقیقی بکند و ما از او یا از آثار تألیفی بر اساس تحقیق او استفاده کنیم و اینجا آموزش بدهیم. این نمی‌شود؛ این وابستگی است؛ این همان ترجمه‌گرایی و عدم استقلال شخصیت علمی برای یک کشور و برای یک مجموعه‌ی دانشگاهی است. دانشگاه یک کشور، محیط علمی یک کشور ضمن اینکه ارتباطات علمی خودش را با دنیا حفظ می‌کند، از تبادل علمی، از گرفتن علمی هیچ ابائی ندارد. من بارها گفته‌ام که ما از شاگردی ننگمان نمی‌کند که شاگردی کنیم؛ استاد پیدا بشود، ما پیش او شاگردی می‌کنیم؛ اما از این ننگمان می‌شود که همیشه و در همه‌ی موارد شاگرد باقی بمانیم؛ این که نمی‌شود. برای یک مجموعه‌ی علمی، این مایه‌ی منقصت است که در پژوهش و تحقیق که منشأ و منبع رویش علمی است، ضعیف باشد؛ باید بتواند از لحاظ علمی متکی به خود باشد. البته از دیگران هم استفاده کند، با دنیا هم تبادل کند، آن وقت در این صورت جایگاه شایسته‌ی خودش را هم در تبادلهای علمی در دنیا پیدا خواهد کرد؛ وقتی متکی است به دانش و تحقیق و کارکرد علمی خود. این در دنیا و در مبادلات علمی هم تأثیر خودش را می‌گذارد. این هم تأکید چندباره در باره‌ی تحقیق.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری - ۳۰ شهریور ۹۶

<sup>۲</sup> - بیانات در دیدار اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها - ۹ مهر ۸۶

امروز مسئله‌ی اصلی کشور ما استقلال است برادران و خواهران عزیز! انقلاب برای ما استقلال سیاسی را به بار آورد؛ این جرأت را به این ملت داد که در مقابل نظام غیر عادلانه‌ی سلطه در دنیا بایستد. اما اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض اندام فرهنگی را در مقابل سلطه گران عالم حفظ کند، باید پایه‌های اقتصادی خود را محکم کند؛ این، ریشه دواندن استقلال در کشور است؛ و این وابسته است به تولید، به کار، به شکوفائی کار، به نوآوری در بخشهای مختلف کار. از مرکز تحقیقات و آزمایشگاه گرفته، تا توی محیط کارگاه‌ها، تا توی محیط مزرعه، در همه جا بایستی این نوآوری وجود داشته باشد. آن وقت است که دشمنان خونخوار و هتاک استقلال ملت ایران با ناکامی دهانهای خودشان را خواهند بست و کناری خواهند نشست.<sup>۱</sup>

من توصیه میکنم به همه‌ی این آقایان محترمی که نامزدهای انتخاباتی هستند و به آنها میگویم - آنچه را به مردم باید عرض بکنیم، عرض کردیم - به آنها من عرض میکنم که در وعده‌های خود، در اظهارات خود، در برنامه‌هایی که به مردم میدهند، توجه کنند که دو سه چیز را حتماً رعایت بکنند:

... نکته‌ی دومی که در برنامه‌ریزی‌هایشان، در اظهاراتشان، در وعده‌هایی که به مردم میدهند، باید خودنمایی کند، مسئله‌ی عزّت ملی و استقلال ملت ایران است. آقایان! ملت ایران، یک ملت انقلابی است، ملت ایران یک ملت سرافراز است، ملت ایران ملتی است که از نهایت ضعف و وابستگی توانست خودش را به اوج اقتدار و عزّت بین‌المللی برساند؛ این ملت را نباید تضعیف کرد، این ملت را نباید سرشکسته کرد، این ملت را نباید در مقابل ملتهای دیگر، در مقابل قدرتهای بزرگ به تسلیم واداشت؛ این ملت، با اقتدار زنده است؛ اگر چنانچه این اقتداری که این ملت دارد نشان میدهد نمیبود، دشمن اکتفا نمیکرد به اینکه بخواهد بیاید یک دستوری را به فلان رئیس‌جمهور ما یا به فلان مأمور ما بدهد؛ می‌آمد مسلط میشد بر این کشور. همان کاری را اینها با جمهوری اسلامی میخواهند بکنند و در آن صورت میکردند که با این کشورهای وابسته‌ی مزدور بی‌آبروی بعضی از مناطق عالم از جمله در منطقه‌ی ما دارند انجام میدهند؛ همان رفتار را با ملت ما میخواستند انجام بدهند. باید عزّت ملی، سربلندی ملت و عظمت ملت در مقابل استکبار حفظ بشود؛ [نامزدهای انتخاباتی] نشان بدهند که در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا، در مقابل خباثتهای صهیونیست‌ها ایستاده‌اند.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان - ۴ اردیبهشت ۸۷

<sup>۲</sup> - بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام) - ۲۰ اردیبهشت ۹۶

## استقلال اقتصادی:

ما دنبال عدالت اجتماعی هستیم؛ ما دنبال حضور مردمی در حوادث گوناگون کشور هستیم؛ ما دنبال اسلام هستیم؛ ما سعادت کشور را در عمل به تعالیم اسلامی میدانیم؛ ما دنبال اقتصاد مستقل هستیم؛ دنبال فرهنگ غیر وابسته به بیگانگان و فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی خودمان هستیم.<sup>۱</sup>

## استقلال کشاورزی:

بنده از کشاورزان، از مدیران بخش کشاورزی، از جوانان عالمی که در این کار کمک کردند، از اعماق دل متشکر شدم، مطمئناً ملت هم متشکر شد؛ این حادثه‌ی بزرگی بود. مردان و جوانانی همت کردند که این کار بشود، و شد. ما همان کشوری هستیم که در دوران طاغوت، پایه‌ی کشاورزی ما را متزلزل کردند، برای این که ما را وابسته کنند؛ برای این که بازار برای گندم خودشان و بقیه‌ی محصولات کشاورزی دیگران - بیگانگان - درست کنند. با این افزایش جمعیت - امروز کشورمان بیش از دو برابر اول انقلاب جمعیت دارد - اگر بنا بود ما مثل آن روز آنها از نظر گندم محتاج بیگانگان باشیم، برای هر تن گندمی که به ما میدادند، یک منت سنگین، یک بار سنگین تحقیر بر روی دوش این ملت سوار میشد؛ هر وقت هم که مایل بودند، میتوانستند این را قطع کنند؛ اما ملت ما در گندم به خود کفایی رسید. عین همین قضیه باید در بقیه‌ی محصولات مهم و اساسی غذایی به وجود بیاید؛ در برنج، در روغن، در گوشت، در لبنیات، که نیازهای کشور است. باید کشور به دیگران اصلاً محتاج نباشد و مردم کشور بدانند که شما قشر کشاورز و دامدار با غیرت خود، با ایمان خود، با همت خود، غذای آنها را تأمین میکنید و مردم محتاج این نیستند که از دیگران درخواست کنند؛ هم پول بدهند، هم منت بکشند، هم دایم ته دلشان نگران باشد که اگر یک مشکلی به خاطر یک مسأله‌ی سیاسی و غیره پیش آوردند، چه کنیم. کشاورز ایرانی برای ملت ایران امنیت غذایی را تأمین میکند؛ این، افتخار بزرگی است؛ قدر خودتان را بدانید. من این را عرض میکنم برای این که در سرتاسر کشور، جوانان مناطق کشاورزی که گاهی جاذبه‌ی مشاغل دیگر آنها را به خود جذب میکند، بدانند که ارزش و کرامت و تأثیر این شغل از اکثر مشاغل دیگر، در زندگی جمعی ملت‌شان، بالاتر است و جای گسترش هم دارد.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی - ۲۸ بهمن ۹۲

<sup>۲</sup> - بیانات در دیدار کشاورزان - ۱۴ دی ۸۴

## استقلال صنعتی:

یکی از شرایط توسعه‌ی یک کشور، استقلال صنعتی آن است. ما باید بتوانیم در همه‌ی زمینه‌های صنعتی بر پای خودمان بایستیم؛ به فکر خودمان تکیه کنیم؛ تواناییهای خودمان را به کار بگیریم. البته دنیا، دنیای تبادل است؛ اما تبادل دوجانبه. تبادل؛ دادن و ستاندن. آن وقتی شما می‌توانید در بازار تبادل صنعتی حرفی برای گفتن داشته باشید که خودتان روی پای خودتان در زمینه‌ی صنعت بایستید. ما این را می‌خواهیم؛ ما این را لازم داریم. ایران اسلامی شایسته‌ی این است؛ با این تاریخمان، با این میراث عظیم تمدنیمان، با این حرکت مردمی، با این آمادگی جوانها، با این استعداد فراوان که در کشور ما هست؛ ما این را لازم داریم. باید بتوانیم در بخش صنعت در دنیای اسلام یک پرچم برافراشته به حساب بیاییم. و دنیای اسلام استقبال خواهد کرد.<sup>۱</sup>

## مستندات قرآنی:

### النساء، الجزء ۵، الصفحة: ۱۰۰، الآية: ۱۳۸

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۱۳۸﴾

به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آنهاست! (۱۳۸)

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِيتُوا عِنْدَهُمُ الْعُرَّةَ فَإِنَّ الْعُرَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿۱۳۹﴾

همانها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند. آیا عزّت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با اینکه همه عزّت‌ها از آن خداست؟! (۱۳۹)

### هود، الجزء ۱۲، الصفحة: ۲۳۴، الآية: ۱۱۳

وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿۱۱۳﴾

و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد؛ و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت؛ و یاری نمی‌شوید! (۱۱۳)

---

<sup>۱</sup> - بیانات در بازدید از توانمندی‌های صنعت خودروسازی - ۹ فروردین ۸۹

## المائدة ، الجزء ٦ ، الصفحة: ١١٧ ، الآية: ٥٤

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَئِيمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زیانی نمی‌رساند؛ خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آنها در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد؛ و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست. (٥٤)

## النساء ، الجزء ٥ ، الصفحة: ١٠١ ، الآية: ١٤١

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوَذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿١٤١﴾

منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می‌کشند و مراقب شما هستند؛ اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنائم شریکیم!) «و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، به آنان می‌گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی‌کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!)» خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می‌کند؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. (١٤١)

## التوبة ، الجزء ١٠ ، الصفحة: ١٩١ ، الآية: ٢٨

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيَكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هر گاه بخواهد، شما را به کرمش بی‌نیاز می‌سازد؛ (و از راه دیگر جبران می‌کند؛ خداوند دانا و حکیم است. (٢٨)

تقریب:

خواستار قطع رابطه اقتصادی با دشمنان اسلام و مسلمانان می شود که از آئین مسلمانی است که با دشمنان قطع ارتباط کنید. سپس به مسلمانان نسبت به تحریم اقتصادی و قطع رابطه با دشمنان دلگرمی می دهد و می فرماید که اگر رابطه اقتصادی با دشمنان قطع شود شما ضرر و زیانی نخواهید کرد؛ زیرا خداوند از فضل خویش شما را کمک می کند و مشکلات اقتصادی شما را حل و فصل می کند؛ چنانکه می فرماید: **وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** و اگر در این قطع رابطه از فقر بیمناکید، پس بزودی خدا- اگر بخواهد- شما را به فضل خویش بی نیاز می گرداند، که خدا دانای حکیم است.

اینکه خداوند در آیات قرآن خواستار استقلال همه جانبه بویژه اقتصادی است، از آن روست که اقتصاد، قوام بخش جامعه و ستون آن است؛ و استقلال و خود کفایی به معنای استقلال در زمینه های دیگر نیز خواهد بود؛ اما وابستگی اقتصادی موجب می شود تا جامعه فاقد ستون اصلی باشد و نتواند بر ساق خود استوار و محکم بایستد و همواره نیازمند تکیه گاهی است که بر آن تکیه دهد. این خود کفایی و استقلال اقتصادی است که زمینه و بستر استقلال سیاسی و نظامی را فراهم می آورد؛ زیرا اگر جامعه اسلامی بخواهد دارای استقلال سیاسی باشد باید از توان نظامی نیز برخوردار باشد و وابستگی به دیگران نداشته و یا اجازه ندهد تا دیگران بر آنان سلطه یافته و چیره گردند.

این گونه است که اگر بخواهیم به مفاد آیه ۶۰ سوره انفال عمل کنیم و در حد استطاعت از نفرات و تجهیزات جنگی و دفاعی برخوردار باشیم باید استقلال اقتصادی داشته و بتوانیم همه قوت و توان نظامی را از این راه به دست آوریم.

پس، از آنجا که استقلال سیاسی و نظامی در گرو استقلال اقتصادی است، لازم است تا به عنوان امت اسلام و یک هویت مستقل در عرصه جامعه جهانی و در میان امت های دیگر، از استقلال اقتصادی برخوردار بوده و از هر گونه وابستگی اقتصادی رهایی یافته و بر پا و ساق خود استوار بوده و تکیه و اعتمادی به دیگران نداشته باشیم؛ چرا که خداوند در آیه ۵ سوره نساء و به صراحت کامل در آیه ۲۸ سوره توبه بیان می کند که وابستگی اقتصادی مهم ترین عامل وابستگی جامعه به بیگانگان خواهد بود؛ از همین

روست که در توصیف مسلمانی و آئین آن در آیه ۲۹ سوره فتح می‌فرماید که خود کفایی و استقلال و اعتماد بر خود و برپای خود ایستادن، از آئین مسلمانی است

## الفتح ، الجزء ۲۶، الصفحة: ۵۱۵، الآية: ۲۹

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

محمد(ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد(ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است. (۲۹)

تقریب:

۱. وضعیت مسلمانی و جامعه اسلامی را همانند گیاهی دانسته که بر ساق خود استوار است و به جایی تکیه ندارد. خداوند می‌فرماید: «محمد پیامبر خدا و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیرند و بایکدیگر مهربان؛ آنان را می‌بینی که رکوع می‌کنند، به سجد می‌آیند و جویای فضل و خشنودی خدا هستند، نشانشان اثر سجد ای است که بر چهره آنهاست، این است وصفشان در تورات و در انجیل، که چون کشته‌ای هستند که جوانه بزند و آن جوانه محکم شود و برپاهای خود بایستد و کشاورزان را به شگفتی وادارد، تا آنجا که کافران را به خشم آورد، خدا از میان آنها کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند به آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده

است».

در این آیه خداوندی فرماید امت اسلام، امتی است که با خودشان مهربان و نسبت به دشمنان سختگیر هستند. اهل عبادت و بندگی بوده و آثار سجود در پیشانی شان دیده می شود. همچنین آنان همانند گیاهی هستند که جوان و محکم روی پای خود ایستاده اند و تکیه ای به کسی و چیزی ندارند.

در این عبارت آئین مسلمانی توضیح داده شده که شامل امور زیر است: همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، شدت و سختگیری نسبت به کفار، مهربانی نسبت به یکدیگر، اهل رکوع و سجود دائمی و اقامه نماز، جست و جوگر فضل و ثواب خداوندی و رضوان و خشنودی الهی، دارندگان چهره و سیمای اهل عبادت و آثار و نشانه سجد های بسیار، مفید چون گیاه، هماره در حال رشد و جوانی، استحکام داخلی، استواری بیرونی، موجب شادمانی خداوند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان کشاورز و زارع، موجب خشم دشمنان. در تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه آمده است: در آیه شریفه خدای فرزانه در قالب این مثال به وصف پیامبر و ایمان آوردگان پرداخته که منظور از کشت و زراعت، وجود گرانمایه پیامبر است و جوانه های یاران فداکار و پراخلاص آن حضرت که برگرد خورشید وجود او هستند. آنان در آغاز طلوع اسلام ناتوان و بی یار و یاور بودند، همان گونه که هر نهال و زراعتی در آغاز ضعیف است و آنگاه بتدریج قوت و توان می یابد و رشد می کند، مردم توحیدگرا و با ایمان نیز دست یاری بر دست یکدیگر نهادند و رفته رفته با ایمان و اخلاص و خودسازی و تقوا و دانش و بینش و مدیریت درست، به قدرتی شکست ناپذیر تبدیل شدند و بر کارها تسلط یافتند. مفسران تفسیر نمونه نیز می نویسند: در توصیف دوم که در انجیل آمده نیز پنج وصف عمل برای مؤمنان و یاران محمد (صلی الله علیه و آله) ذکر شده است: جوانه زدن، کمک کردن برای پرورش، محکم شدن، بر پای خود ایستادن، و نمو چشمگیر اعجاب انگیز. در حقیقت اوصافی که در تورات برای آنها ذکر شده اوصافی است که ابعاد وجودی آنها را از نظر

عواطف و اهداف و اعمال و صورت ظاهریان می کند و اما اوصافی که در انجیل آمده بیانگر حرکت و نمو و رشد آنها در جنبه های مختلف است. آری آنها انسان هایی هستند با صفات والا که آنی از «حرکت» باز نمی ایستند، همواره جوانه می زنند و جوانه ها پرورش می یابد و باروری شود. همواره اسلام را با گفتار و اعمال خود در جهان نشری دهند و روز به روز خیل تازه ای بر جامعه اسلامی می افزایند.

آنها هرگز از پای نمی نشینند و دائماً روبه جلو حرکت می کنند، در عین عابد بودن مجاهدند، و در عین جهاد عابدند، ظاهری آراسته، باطنی پیراسته، عواطفی نیرومند و نیای پاک دارند، در برابر دشمنان حق مظهر خشم خدایند و در برابر دوستان حق، نمایانگر لطف و رحمت او. سپس در دنباله آیه می افزاید: این اوصاف عالی، این نمو و رشد سریع و این حرکت پربرت، به همان اندازه که دوستان را به شوق و نشاط می آورد سبب خشم کفاری شود. (تفسیر نمونه ذیل آیه).

در این آیه به صراحت با عباراتی چون «فَاسْتَغْلَظْ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» از جامعه اسلامی خواسته شده تا به عنوان آئین مسلمانی به استقلال و خودکفایی برسند. لذا از آئین مسلمانی یکی این است که جامعه و امت اسلامی باید خودکفا، مستحکم و مستقل باشد و روی پای خود بایستد و هیچ نیازی به دشمنان نداشته باشد، بلکه باید چنان در حالت سرزندگی و جوانی و کوشش و تلاش و رشد و نمو باشد و از همه جهات مستقل و خودکفا که دشمنان را به خشم آورد و موجبات نومیدی آنان را فراهم آورد؛ به طوری که اگر تحریم کردند نه تنها اندوهگین نشود، بلکه آن را عاملی برای افزایش قدرت و رشد و شکوفایی خود بداند و گمان نبرد که با تحریم اقتصادی، اقتصادش فرومی پاشد و جامعه بی ستون قوام بخشی به نام اقتصاد خواهد ماند.

## المتحنة ، الجزء ٢٨ ، الصفحة: ٥٤٩ ، الآية: ١

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید؛ (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید از همه دانایم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است! (۱)

إِنْ يَتَّقُواكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمْ بِالشُّوْءِ وَذُؤَالُو تَكْفُرُونَ ﴿٢﴾

اگر آنها بر شما مسلط شوند، دشمنانتان خواهند بود و دست و زبان خود را به بدی کردن نسبت به شما می‌کشایند، و دوست دارند شما به کفر بازگردید! (۲)

## النساء ، الجزء ٤ ، الصفحة: ٧٧ ، الآية: ٥

وَلَا تَوَثُّوْا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿٥﴾

اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفيهان نسپارید و از آن، به آنها روزی دهید! و لباس بر آنان بپوشانید و با آنها سخن شایسته بگویید! (۵)

تقریب: خداوند در آیات قرآنی بر استقلال همه جانبه امت اسلام از جوامع دیگر تاکید می‌کند. برخی از آیات «وَلَا تَوَثُّوْا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء، آیه ۵) به صراحت هر گونه وابستگی به ویژه در حوزه اقتصادی را مردود شمرده و از مسلمانان خواسته تا به گونه‌ای اقتصاد جامعه را بنیاد گذاشته و استوار سازند که نیازی به بیگانگان وجود نداشته

باشد؛ زیرا اقتصاد، قوام جامعه است و همانند ستون میانی خیمه عمل می کند. پس اگر اقتصاد خود کفا و مستقل وجود نداشته باشد، جامعه فاقد ستون اصلی و میانی خواهد بود و توان ایستادگی و مقاومت نخواهد داشت.

## مستندات روایی:

۱- ۱۶- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يَفُوضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا أَوْ مَا تَسْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ - وَاللَّهُ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ ۚ فَاَلْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَلَا يَكُونُ ذَلِيلًا قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ لِأَنَّ الْجَبَلَ يَسْتَقِلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَالْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقِلُّ مِنْ دِينِهِ بِشَيْءٍ.

[۱۷۱۴] ۲- وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْلَالَ نَفْسِهِ. (امام صادق علیه السلام)

ج ۴، ص ۳۳۴

الاسلام يعلو ولا يُعلى عليه

۱ (۳۶۷) - الكافي ج ۱ ص ۳۴۵.

۲ (۲) سورة المنافقون الآية: ۸.

۳ - الوسائل، نفس المصدر.

الجديد، ۱۶: ۱۵۷/۳ [۲۱۲۳۴]؛ القديم، ۱۱: ۴۲۴/۳.

نقله عن الكافي: ۵: ۶۳/۳.

في الوسائل: إن الله تبارك و تعالى .....

امام علی علیه السلام: العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه (صال یعنی بر او حمله کرد و او را مغلوب کرد)

نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۴۰۱

لا تکن عبد غیرک فقد جعلک الله حرا

غرر الحکم: ص ۱۲۶

وعنه علیه السلام من تعزز بالله لم یذله سلطان'

و نیز علی علیه السلام فرموده است: آنکس که در پرتو اتکاء بخداوند عز و بزرگی یابد هیچ سلطان قدرتمندی نمی تواند او را ذلیل و خوار نماید.

۵- مرزبندی روشن با دشمن

کلام امام:

ملت که اکنون رشد پیدا کرده و خیانتها و جنایتهایی که در این پنجاه سال در ایران شده ملاحظه کرده است، خدعه‌ها را نمی پذیرد. و اینکه ما نپذیرفتیم، برای اینکه ملت نمی پذیرد ما هم نمی پذیریم، و تمام اینها خدعه است.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> مصاحبه با خبرنگاران ۵۷/۸/۱۹-صحیفه امام ج ۴ ص ۴۳۰

کلام رهبر: کار نشده

مستندات قرآنی:

الکافرون ، الجزء ۳۰ ، الصفحة: ۶۰۳ ، الآية: ۶

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾

(حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم! (۶)

الشعراء ، الجزء ۱۹ ، الصفحة: ۳۷۰ ، الآية: ۷۵

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾

گفت: «آیا دیدید (این) چیزهایی را که پیوسته پرستش می کردید... (۷۵)

أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾

شما و پدران پیشین شما، (۷۶)

فَاتَّخَذُوا لِي الْأَرْبَابَ الْعَالَمِينَ ﴿٧٧﴾

همه آنها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار عالمیان! (۷۷)

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾

همان کسی که مرا آفرید، و پیوسته راهنماییم می کند، (۷۸)

المتحنة ، الجزء ۲۸ ، الصفحة: ۵۴۹ ، الآية: ۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید؛ (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید از همه دانایترم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است! (۱)

#### المتحنة ، الجزء ٢٨ ، الصفحة: ٥٤٩ ، الآية: ٤

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا الْقَوْمِ هُمْ إِنْ تَابَ آءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَا تُغْفِرَ لَكَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْنِكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٤﴾

برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم؛ و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید! -جز آن سخن ابراهیم که به پدرش [عمویش آزر] گفت (و وعده داد) که برای تو آمرزش طلب می‌کنم، و در عین حال در برابر خداوند برای تو مالک چیزی نیستم (و اختیاری ندارم)!- پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و همه فرجامها بسوی تو است! (۴)

مستندات روایی:

نهج البلاغة؛ ص: ۳۸۰

الْحَذَرُ كُلُّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارَبَ لِيَتَغَفَّلَ «٤» فَخُذْ بِالْحَزَمِ وَاتَّهِمْ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ

نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۴۴

وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) نُقَاتِلُ ابْنَانَا وَابْنَاتَنَا وَإِخْوَانَنَا وَأَعْمَامَنَا، مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيْمَانًا وَتَسْلِيمًا وَمُضِيًّا عَلَى اللَّقْمِ وَصَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْإِلْمِ وَجِدًّا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ

۶- پایبند به اقتصاد مقاومتی باشد و نگاهش برای پیشرفت به بیرون از مرزها نباشد.

کلام امام: کار نشده

کلام رهبر: کار نشده

مستندات قرآنی:

مستندات روایی:

بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۲۱ (چاپ کمپانی)

نرخ گندم و نان روز به روز در مدینه بالا می‌رفت. نگرانی و وحشت بر همه مردم مستولی شده بود. آن کس که آذوقه سال را تهیه نکرده بود در تلاش بود که تهیه کند در این میان مردمی هم بودند که به واسطه تنگدستی... مجبور بودند روز به روز آذوقه خود را از بازار بخرند.

- امام صادق (علیه السلام) از معتب وکیل خرج خانه خود پرسید: امسال در خانه گندم داریم؟

- بلی یا ابن رسول الله، به قدری که چندین ماه را کفایت می‌کند، گندم ذخیره داریم.

- آنها را به بازار ببر و در اختیار مردم بگذار و به فروش.

- یا ابن رسول الله گندم در مدینه نایاب است. اگر اینها را بفروشیم، دیگر خریدن گندم برای ما میسر نخواهد شد. همین است که گفتم. همه اینها را ببر و در اختیار مردم بگذار و به فروش.

- معتب دستور امام را اطاعت کرد، گندم ها را فروخت و نتیجه را گزارش داد.

- امام به او دستور داد: بعد از این نان خانه را روز به روز از بازار بخر. نان خانه من نباید با نانی که در حال حاضر توده مردم مصرف می کنند تفاوت داشته باشد. نان خانه من باید از این پس نیمی گندم و نیمی جو باشد من به حمدالله توانایی دارم که تا آخر سال خانه خود را با نان گندم به بهترین وجهی اداره کنم، ولی این کار را نمی کنم تا در پیشگاه الهی، مسأله اندازه گیری معیشت را رعایت کرده باشم.

۷- دوری از منفعت های شخصی و جزئی و تلاش برای منافع عمومی

کلام امام:

من از همه ارگانهای دولتی و ملی و همه گروهها می خواهم که از گروهگرایی و دسته بندی و فرصت طلبی و هواهای نفسانی احتراز کنند و خود را در راه خدمت به ملت و خلق مستضعف قرار دهند، و از راهی که ملت می رود منحرف نشوند، و خداوند عالم را حاضر و ناظر ببینند و از اختلاف و نفاق دست بردارند و مصالح کشور را بر مصلحت خویش مقدم دارند، و در صدد تضعیف یکدیگر برنمایند و با ملت رزمنده به پیش روند که خدا با آنان است و پیروزی نهایی نصیب آنان است<sup>۱</sup>.

کلام رهبر: کار نشده

مستندات قرآنی:

الإنسان ، الجزء ۲۹، الصفحة: ۵۷۹، الآية: ۸

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾

و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می دهند! (۸)

<sup>۱</sup> پیام به ملت ایران و پاسداران ۱۳۵۹/۳/۲۶ - صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۴۴۳

## التوبة ، الجزء ۱۱، الصفحة: ۲۰۷، الآية: ۱۲۸

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٢٨﴾

به یقین، رسولی از خود شما بسویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است! (۱۲۸)

### مستندات روایی:

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۳۷۸

۵۷۹۱ و مِنْ أَلْفَاظِ رَسُولِ اللَّهِ ص الْمَوْجَزَةِ الَّتِي لَمْ يُسَبِّقْ إِلَيْهَا..... سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ

نهج البلاغه / ۵۳

إِيَّاكَ وَ الْإِسْتِثَارَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ وَ التَّعَابِي عَمَّا تُعْنَى بِهِ مِمَّا قَدْ وَضَحَ لِلْعُيُونِ فَإِنَّهُ مَاخُودٌ مِنْكَ لِغَيْرِكَ وَ عَمَّا قَلِيلٍ تَنْكَشِفُ عَنْكَ أَعْطِيَهُ الْأُمُورَ وَ يُتَنَصَّفُ مِنْكَ لِلْمَظْلُومِ اَمْلِكْ حَمِيَّةَ أَنْفِكَ وَ سُورَةَ حَدِّكَ وَ سَطْوَةَ يَدِكَ وَ غَزَبَ لِسَانِكَ وَ احْتَرِسْ مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِكَفِّ الْبَادِرَةِ وَ تَأْخِيرِ السَّطْوَةِ حَتَّى يَسْكُنَ غَضَبُكَ فَتَمْلِكَ الْإِخْتِيَارَ وَ لَنْ تَحْكُمَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى تُكْثِرَ هُمُومَكَ بِذِكْرِ الْمَعَادِ إِلَى رَبِّكَ.

یعنی، «مبادا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی، امتیازی خواهی، از اموری که بر همه روشن است، غفلت کنی؛ زیرا به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسئول هستی و به زودی پرده از کارها یک سو رود و انتقام ستمدیده را از تو باز می گیرند.

## ۸- ترجیح مصالح کلی کشور بر مصالح منطقه ای

کلام امام: کار نشده

کلام رهبر: کار نشده

مستندات قرآنی: کار نشده

مستندات روایی: کار نشده

## ۹- جوانگرا و به جوانان اعتقاد داشته باشد.

کلام امام:

این روز روز مبارکی است که ما نزدیک به او می‌شویم، و روز نویدی است که بشر را نوید داد به استقامت و راهنمایی به صراط مستقیم انسانیت. و پیروان آن حضرت کسانی هستند که همان راه را و همان خط را تعقیب می‌کنند و از خود شروع می‌کنند و به دیگران سرایت می‌دهند. شما جوانان دانشجو و جوانان عزیزی که از هر جا آمده‌اید، امید این ملت هستید که باید این راهی را که فرا راه شما گذاشته شده است به آخر برسانید. و این نهضتی را که در راه او آن همه جانفشانی شده است، ادامه بدهید. و این صراط مستقیمی را که انبیا جلو راه بشر گذاشتند و نبی اکرم آخرین انبیا و اشرف همه، آن راه را جلو مردم گذاشتند، و مردم را دعوت به این صراط مستقیم کردند و هدایت کردند به راه انسانیت و خروج از همه انحای کفر و الحاد و خروج از همه ظلمات به نور مطلق، باید شما جوانها همان راه را ادامه دهید تا اینکه پیرو رسول اکرم و در مکتب حضرت صادق پیروانی شایسته باشید<sup>۱</sup>.

شما جوانان تا کنون در این نهضت شرکت داشتید؛ من به شما درود می‌فرستم! لکن نیمه راه است؛ راه باز باقی مانده است. شما جوانها، شما نیروهای جوان باید این نیمه راه دیگر را هم با قدرت پیش ببرید. باید با وحدت کلمه، با اسلام، با ایمان، از این نهضت تا اینجا که آمده‌اید، از اینجا

---

<sup>۱</sup> در جمع اقشار مختلف مردم ۱۳۵۹/۱۱/۲- صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۱

به بعد هم جلو بروید. باید همه ریشه‌های استبداد و ریشه‌ای استعمار را از این مملکت بکنید؛ باید این مملکت را پاکسازی کنید. این مملکت عقب مانده است، این مملکت اقتصادش ورشکسته است، این مملکت الآن آشفته است [و] به نیروی شما جوانها باید این مملکت اصلاح بشود. ما همه مسئول هستیم؛ ما همه باید دنبال این کار را بگیریم تا به آخر برسانیم.<sup>۱</sup>

## کلام رهبر:

رئیس جمهور مطلوب باید با کفایت، با ایمان، عدالت خواه و ضد فساد، دارای عملکرد انقلابی و جهادی، معتقد به توانمندی‌های داخلی، معتقد به جوانان به عنوان پیشران حرکت عمومی کشور و امیدوار به آینده باشد.<sup>۲</sup>

مستندات قرآنی: کار نشده

مستندات روایی: کار نشده

۱۰- طرفدار مستضعفین و ضعفا باشد.

## بیان امام:

بر خلاف تبلیغات مسموم شاه و بستگانش، دولت اسلامی، طرفدار سرمایه دارها و مالکین بزرگ نمی‌باشد؛ این حرفهای بی‌معنی برای انحراف از راه حق است. مطمئن باشند که اسلام طرفدار ضعفا و دهقانان و مستمندان است؛ این شاه است که به طرفداری از امریکا کشاورزی را به تباهی کشانده است، این شاه است که به طرفداری از سرمایه دارها ذخایر ملت ضعیف را به نفع آنان از بین برده است. شما آنان را مطمئن کنید که در دولت حق، از شما به بهترین وجه حمایت خواهد شد.<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> در جمع افسران نیروی زمینی ۱۳۵۸/۱/۱۹-صحیفه امام ج ۶ ص ۴۴۹

<sup>۲</sup> - سخنرانی نوروزی - ۱ فروردین ۱۴۰۰

<sup>۳</sup> خطاب به ملت شجاع ایران به مناسبت فرارسیدن ماه محرم ۱۳۵۷/۹/۱-صحیفه امام ج ۵ ص ۷۷

امید آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می‌گیرد در رأس برنامه‌ها قرار گیرد، و در نخستین مجلس شورای اسلامی طرحهایی جدی در رفاه حال این طبقه محروم داده شود، و از طرف دولت منتخب شما بدون مسامحه به مورد اجرا گذاشته شود تا در پیشگاه خداوند متعال، بعضی از دیون خودتان را به این طبقه عزیز- که جان خود را برای اسلام و آزادی و استقلال کشور در طبق اخلاص گذاشته و پیروزی را برای انقلاب اسلامی به ارمغان آوردند- ادا کرده باشید.<sup>۱</sup>

طرحها و پیشنهادهایی که مربوط به عمران و رفاه حال ملت خصوصاً مستضعفین است انقلابی و با سرعت تصویب کنید، و از نکته‌سنجیها و تغییر عبارات غیر لازم که موجب تعویق امر است اجتناب کنید، و از وزارتخانه‌ها و مأموران اجرا بخواهید که از کاغذ بازیها و غلط کاریهای زمان طاغوت اجتناب کنند و رفاه ملت مظلوم و عقب افتادگیهای آنها را به طور ضربتی تحصیل و ترمیم کنند.<sup>۲</sup>

تمام همّمان را صرف کنیم که این بیچاره‌هایی که توی این زاغه‌ها باز هم نشسته‌اند، اینها را از اینجا بیرون بیاوریم، جایی برایشان درست بکنیم، آب و برق این مملکت را درست بکنیم، خوب، الآن شما می‌دانید که در بعضی از جاها هیچ ندارند. هیچ. بعضی از جاهایی که دیروز یکی از آقایان که آمده بود از طرف بختیاری و آنجاها، می‌گفت مردم همه اخلاص دارند، اما هیچ ندارند. بعضی جاهاست هیچ ندارند. برای این «هیچ ندارها» یک فکری بکنید، هی ننشینید دعوا بکنید، هی هم دنبال این نروید که همان طوری که در طاغوت می‌کرد، شهرها را خیلی مزین کنید و شهرها را خیلی بزرگ بکنید و همه هم دولت و همه بودجه مملکت خرج شهرها بشود و خرج شمال شهر بشود که باز همان طاغوتیها از آن استفاده بکنند. برای این پایین شهریها، برای این بیچاره‌ها.<sup>۳</sup>

ایران هر حکومتی باشد احتیاج دارد به پول برای اینکه اداره مملکت باید بکند، و عمده‌اش پول نفت است. نفت را هر مشتری‌ای که پیدا بشود که خوب بخرد، به او می‌دهد پول می‌گیرد. به امریکا می‌دهد به جای اینکه ایشان پایگاه درست کرده است، نه ما پایگاه نمی‌خواهیم درست کنیم برای امریکا. ما پول می‌گیریم برای اینکه این ملت ضعیف را، این ملت بی‌چیز را نجات بدهیم از این وضعی که دارد: این زراعتی که از دست داده، این کشاورزی که از دستش رفته است، این صنعت

---

<sup>۱</sup> پیام به نمایندگان مجلس به مناسبت افتتاح مجلس شورای اسلامی ۱۳۵۹/۳/۷-صحیفه امام ج ۱۲ ص ۳۶۲

<sup>۲</sup> پیام به نمایندگان مجلس به مناسبت افتتاح مجلس شورای اسلامی ۱۳۵۹/۳/۷-صحیفه امام ج ۱۲ ص ۳۶۴

<sup>۳</sup> در جمع اعضای هیئت دولت آقای رجایی ۱۳۵۹/۶/۲۰-صحیفه امام ج ۱۳ ص ۲۰۴

مونتازی که برای خاطر مصلحت دیگران درست کرده است. فروش نفت برای زدودن فقر اگر یک حکومت صحیح پیش بیايد، نفت را می‌فروشد و پول می‌گیرد خرج می‌کند از برای منافع خود ملت؛ این فقرا را نجات می‌دهد.<sup>۱</sup>

## کلام رهبر:

امام طرف‌دار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد میکرد؛ اشرافیگری را با تلخی رد میکرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرف‌دار عدالت اجتماعی بود؛ طرف‌داری از مستضعفان شاید یکی از پر تکرارترین مطالبی است که امام بزرگوار ما در بیاناتشان گفتند؛ این یکی از خطوط روشن امام است؛ این یکی از اصول قطعی امام است، همه باید تلاش کنند که فقر را ریشه کن کنند؛ همه باید تلاش کنند که محرومان را از محرومیت بیورند و تا آنجایی که در توان کشور است، به محرومان کمک کنند. از آن طرف به مسئولان کشور هشدار میداد درباره‌ی خوی کاخ‌نشینی - این نکته‌ای که در قرآن هم آمده است: «وَسَكُنْتُمْ فِي مَسْكَانٍ الَّذِينَ ظَلَمُوا» (۱۲) و همه را از خوی کاخ‌نشینی برحذر میداشت، تأکید مکرر میکرد بر اینکه به وفاداری طبقات ضعیف اعتماد کنید؛ این را امام مکرر میگفت که این کوخ‌نشینانند، این فقرایند، این محرومانند که این صحنه‌ها را با وجود محرومیتها پر کرده‌اند، اعتراض هم نمیکند، در میدانهای خطر هم حاضر میشوند؛ [اما] آن کسانی که برخورداری‌های بیشتری داشتند، در موارد مختلف اگر مشکلی پیش می‌آمد، اتفاقاً آنها بیشتر ابراز نارضایی میکردند.<sup>۲</sup>

در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدفهای طراز اول است و پابندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنی و ادعایی پوچ است.<sup>۳</sup> مهمترین مساله دستگاه ما و نظام جمهوری اسلامی کوشش برای رفع فقر و محرومیت در جامعه و حمایت و کمک به طبقات مستضعف و محروم است. واقعا باید صحت برنامه‌ها را به این سنجید و

---

<sup>۱</sup> در مورد تبلیغات شیطننت آمیز شاه ۱۳۵۷/۱۰/۱۷ - صحیفه امام، ج ۵، ص: ۳۶۲

<sup>۲</sup> - بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴ خرداد ۹۴

<sup>۳</sup> - پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) - ۱۰ خرداد ۶۹

دنبال این قضیه رفت و کارهای دیگر را در اولویتهای بعد قرار داد. کارهای مربوط به طبقات محروم و مستضعفان جامعه که تعدادشان هم زیاد است حقا و انصافا یک حرکت اساسی را می طلبد.<sup>۱</sup>

## مستندات قرآنی:

### النساء، الجزء ۵، الصفحة: ۹۰، الآية: ۷۵

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِمَّنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِمَّنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ﴿٧٥﴾

چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستمیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما! (۷۵)

### القصص، الجزء ۲۰، الصفحة: ۳۸۵، الآية: ۴

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٤﴾

فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برد و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت؛ او به یقین از مفسدان بود! (۴)

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٥﴾

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! (۵)

---

۱ - بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیات وزیران به مناسبت گرامیداشت هفته ی دولت - ۳ شهریور

وَنُصَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيْ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿٦٦﴾

و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم؛ و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آنها [بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم.

تقریب: وقتی سنت الهی به این تعلق گرفته که به مستضعفین تمکن داده و آنها را به امامت برساند بر همه از جمله مسئولین است که خود را در این مسیر سنت الهی قرار دهند.

مستندات روایی:

نامه ۴۵

### نهج البلاغة، ص: ۳۵۹

أَفَنُفَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونَ أُسْوَةً لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ

### نهج البلاغة؛ ص: ۳۷۷

اللهُ اللهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسَى وَ الزَّمْنَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعاً وَ مُعْتِراً وَ أَحْفَظَ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ

### نهج البلاغة؛ ص: ۴۶

الدَّلِيلُ عِنْدِي عَزِيزٌ حَتَّى أَخْذَ الْحَقَّ لَهُ وَ الْقَوِيُّ عِنْدِي ضَعِيفٌ حَتَّى أَخْذَ الْحَقَّ مِنْهُ

۱۱- خستگی ناپذیر و دارای همت جهادی باشد.

کلام امام: کار نشده

کلام رهبر:

رئیس جمهور مطلوب باید با کفایت، با ایمان، عدالت خواه و ضد فساد، دارای عملکرد انقلابی و جهادی، معتقد به توانمندی های داخلی، معتقد به جوانان به عنوان پیشران حرکت عمومی کشور و امیدوار به آینده باشد.<sup>۱</sup>

مستندات قرآنی:

فصلت ، الجزء ۲۴، الصفحة: ۴۸۰، الآية: ۳۰

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾

به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: «نرسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است! (۳۰)

الأحقاف ، الجزء ۲۶، الصفحة: ۵۰۳، الآية: ۱۳

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٣﴾

کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۱۳)

تقریب: منظور از ربنا الله، یعنی ایمان به خدا و اهداف و قوانین خداوند پس کسی که ایمان داشته باشد و در تحقق قوانین خداوند و دین خداوند در تمام عرصه ها، استقامت داشته باشند، خوف و حزنی

<sup>۱</sup> - سخنرانی نوروزی - ۱ فروردین ۱۴۰۰

نخواهند داشت لذا این آیه ما را ترغیب می کند به استقامت داشتن. پس نماینده مردم باید در راستای تحقق دین در جامعه، استقامت داشته باشد و خسته نشود.

### الجن ، الجزء ۲۹، الصفحة: ۵۷۳، الآية: ۱۶

وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا ﴿١٦﴾

و اینکه اگر آنها [جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرایشان می کنیم! (۱۶)

تقریب: این آیه هم ما را ترغیب می کند به استقامت داشتن بر طریقت اسلام. مرحوم علامه طباطبائی ذیل این آیه می فرماید: المراد بالطريقة طريقة الإسلام، و الاستقامة عليها لزومها و الثبات على ما تقتضيه من الإيمان بالله و آياته. و در ادامه می فرماید: و المعنى: و أنه لو استقاموا أي الجن و الإنس على طريقة الإسلام لله لرزقناهم رزقا كثيرا لنمتحنهم في رزقهم فالآية في معنى قوله: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»: الأعراف ۹۶.

### الشورى ، الجزء ۲۵، الصفحة: ۴۸۴، الآية: ۱۵

فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آن چنان که مأمور شده ای استقامت نما، و از هوی و هوسهای آنان پیروی مکن، و بگو: «به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم؛ خداوند پروردگار ما و شماست؛ نتیجه اعمال ما از آن ما است و نتیجه اعمال شما از آن شما، خصومت شخصی در میان ما نیست؛ و خداوند ما و شما را در يك جا جمع می کند، و بازگشت (همه) به سوی اوست!» (۱۵)

تقریب: در این آیه هم خصوصياتی را برای فرا اصلح می توان استخراج کرد مانند استقامت بر چیزی که امر داده شده، تبعیت نکرده از هواهای نفسانی، ایمان به خداوند، امر به تحقق عدالت.

### هود ، الجزء ۱۲، الصفحة: ۲۳۴، الآية: ۱۱۲

فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾

پس همان گونه که فرمان یافته ای، استقامت کن؛ و همچنین کسانی که با تو بسوی خدا آمده اند (باید استقامت کنند)! و طغیان نکنید، که خداوند آنچه را انجام می دهید می بیند! (۱۱۲)

طه ، الجزء ۱۶، الصفحة: ۳۱۲، الآية: ۲

مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ ﴿٢﴾

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکني! (۲)

الشرح ، الجزء ۳۰، الصفحة: ۵۹۶، الآية: ۷

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾

پس هنگامی که از کار مهی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز، (۷)

مستندات روایی:

غرر الحکم ص ۶۱

و قال أمير المؤمنين عليه السلام: «إن رسول الله صلى الله عليه وآله ورثني علمه و علم النبيين و ما هو كائن إلى يوم القيامة، و مثلنا أهل البيت مثل سفينة نوح: من ركبها نجا، و من تخلف عنها غرق؛ و مثل الفتية الذين آمنوا برّبهم فزادهم هدى، فالسعيد من استقام على أمرنا و تولّانا و نصرنا و انتظر قائمنا و برئ من عدوّنا، و الشقي من أبغضنا؛ و من أحبّنا أجزاه الله على حبنا الجنة، و من أبغضنا أجزاه الله تعالى فأدخله النار»<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> ورد حديث السفينة الوارد ضمن هذه الرواية بطرق كثيرة في أمهات مصادر العامة، لمزيد الاطلاع، انظر: فضائل الخمسة من الصحاح الستة ۲: ۵۶-۵۹، باب في قول النبي صلى الله عليه وآله: «مثل أهل بيتي مثل سفينة نوح».

در بخشی از وصیت امیرالمؤمنین علی «ع» به فرزند خود امام حسن «ع» این گونه آمده است:

«اللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ، فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ رُجُلَانِ: إِمَامٌ هُدًى، وَ مُطِيعٌ لَهُ مُقْتَدٍ بِهُدَاهُ»

خدا را در نظر بگیرید. خدا را در نظر بگیرید. در بحث جهاد در راه خدا با اموال و جانهایتان، چرا که دو شخص در راه خدا مجاهده می کنند. امام هدایتگر و تبعیت کننده ای که به هدایت او اقتدا کرده است.

نهج البلاغه نامه ۵۳

لَيْسَ يَخْرُجُ الْوَالِي مِنْ حَقِيقَةِ مَا أَلَزَمَهُ اللَّهُ [تَعَالَى] مِنْ ذَلِكَ إِلَّا بِالْإِهْتِمَامِ وَالِاسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ.

والی از ادای آنچه خداوند بر عهده او قرار داده بر نیاید جز با کوشش و یاری خواستن از خداوند، و مهیا نمودن خود بر به کارگیری حق و استقامت بر آن، چه اینکه بر او آسان باشد یا سخت.

۱۲- ساده زیست باشد و از اشرافی گری اجتناب کند و متصل به مراکز ثروت و قدرت نباشد.

### بیان امام:

از اهم مسائلی که باید تذکر بدهم، مسئله ای است که به همه روحانیت و دست اندرکاران کشور مربوط می شود، و همیشه نگران آن هستم که مبدا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند، زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را بپا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواست، مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده اند، عمارت درست کرده اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست، و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان. البته من این نکته را عرض کنم، یک دسته ای که در معرض خطر هستند باید خودشان را حفظ کنند، ولی همین ها هم باید مواظب باشند که زاید بر میزان نباشد. شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون

بیا باید وجهه‌تان پیش مردم بزرگ می‌شود، آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، اینکه زندگی شما ساده باشد، همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیر المؤمنین و ائمه ما زندگی‌شان ساده و عادی بود بلکه پایین‌تر از عادی. آنها هم که جمهوری اسلامی را بپا کردند، مردم عادی هستند، و کسانی که بالا بالاها نشسته‌اند، هیچ دخالتی در این مسائل نداشته و ندارند. این مردم بازار و کشاورز و کارگران کارخانه‌ها و طبقات ضعیف - به حسب دنیا و قوی به حسب آخرت - هستند که این توقع را دارند که اگر خدای نخواسته، نفوس این مردم از ما منحرف بشود، ضرر آن برای ما تنها نیست، بلکه برای اسلام است. و ما باید حفظ کنیم آنها را که اسلام و جمهوری اسلامی را نگه داشته‌اند و بعد از این هم نگه خواهند داشت، و حفظ آن به این است که زندگی ما ساده و عادی باشد<sup>۱</sup>.

کلام رهبر: کار نشده

مستندات قرآنی:

طه، الجزء ۱۶، الصفحة: ۳۲۱، الآية: ۱۳۱

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ  
(۱۳۱)

و هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادی، که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، میفکن! اینها شکوفه‌های زندگی دنیا است؛ تا آنان را در آن بیازماییم؛ و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است! (۱۳۱)

الإسراء، الجزء ۱۵، الصفحة: ۲۸۳، الآية: ۱۶

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَا هَاتِيكَ مِثْلَهَا  
(۱۶)

و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (و ثروتمندان مست شهوت) آنجا، بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدت درهم می‌کوبیم. (۱۶)

---

<sup>۱</sup> در جمع اعضای مجلس خبرگان ۱۳۶۴/۴/۲۵ - صحیفه امام، ج ۱۹، ص: ۳۱۷

سبا، الجزء ٢٢، الصفحة: ٤٣٢، الآية: ٣٤

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٤﴾

و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم‌دهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: «ما به آنچه فرستاده شده‌اید کافریم!» (٣٤)

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٣٥﴾

و گفتند: «اموال و اولاد ما (از همه) بیشتر است (و این نشانه علاقه خدا به ماست!)؛ و ما هرگز مجازات نخواهیم شد!» (٣٥)

القصص، الجزء ٢٠، الصفحة: ٣٩٤، الآية: ٧٦

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُم مِّنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿٧٦﴾

قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد؛ ما آن قدر از گنجها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بود! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی‌کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد!» (٧٦)

القصص، الجزء ٢٠، الصفحة: ٣٩٤، الآية: ٧٧

وَاجْتَبَعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾

و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد! (٧٧)

### القصص ، الجزء ٢٠ ، الصفحة: ٣٩٥ ، الآية: ٧٨

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٧٨﴾

(قارون) گفت: «این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام!» آیا او نمی‌دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟! (و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد، مجرمان از گناهانشان سؤال نمی‌شوند. (٧٨)

### القصص ، الجزء ٢٠ ، الصفحة: ٣٩٥ ، الآية: ٧٩

فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٧٩﴾

(روزی قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آنها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد!» (٧٩)

### القصص ، الجزء ٢٠ ، الصفحة: ٣٩٥ ، الآية: ٨٠

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَن آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ﴿٨٠﴾

اما کسانی که علم و دانش به آنها داده شده بود گفتند: «وای بر شما ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند بهتر است، اما جز صابران آن را دریافت نمی‌کنند.» (٨٠)

## نامه ۴۵ نهج البلاغه. نامه حضرت به عثمان حنیف الانصاری

أَمَّا بَعْدُ يَا ابْنَ حُنَيْفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِئَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادْبَةِ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَ تُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجِفَانُ وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوًّا وَ عَنْيُهُمْ مَدْعُوٌّ فَانْظُرْ إِلَى مَا تَقْضِمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِظْهُ وَ مَا أَتَيْتَ بِطِيبٍ [وَجْهِهِ] وَجْوهِهِ قَتْلُ مِنْهُ أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَ يَشْتَصِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيئِهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيئِهِ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعْيُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ فَوَاللَّهِ مَا كُنْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرَأًا وَ لَا ادَّخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا

امام علی «ع»: اما بعد، ای پسر حنیف، به من خبر رسیده که مردی از جوانان اهل بصره تو را به مهمانی خوانده و تو هم به آن مهمانی شتافته‌ای، با غذاهای رنگارنگ، و ظرفهایی پر از طعام که به سویت آورده می‌شده پذیراییت کرده‌اند؛ خیال نمی‌کردم مهمان شدن به سفره قومی را قبول کنی که محتاجشان را به جفا می‌رانند، و توانگرشان را به مهمانی می‌خوانند! به لقمه‌ای که بر آن دندان می‌گذاری دقت کن، لقمه‌ای را که حلال و حرامش بر تو روشن نیست بیرون افکن، و آنچه را می‌دانی از راه‌های حلال به دست آمده بخور.

معلومات باد که هر مأمومی را امامی است که به او اقتدا می‌کند، و از نور علمش بهره می‌گیرد.

آگاه باش امام شما از تمام دنیایش به دو جامه کهنه، و از خوراکش به دو قرص نان قناعت نموده.

معلوماتان باد که شما تن دادن به چنین روشی را قدرت ندارید، ولی مرا با ورع و کوشش در عبادت، و پاکدامنی و درستی یاری کنید.

به خدا قسم من از دنیای شما طلایی نیندوخته، و از غنائم فراوان آن ذخیره‌ای برنداشته، و عوض این جامه کهنه‌ام جامه کهنه دیگری آماده نکرده‌ام!

خطبه ۲۰۹ نهج البلاغه

و من کلام له ع بالبصرة وقد دخل على العلاء بن زياد الحارثي و هو من أصحابه - يعودة، فلما رأى سعة داره قال:

مَا كُنْتُ تَصْنَعُ [بِسَعَةٍ] بِسَعَةٍ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا - [أَمَّا] وَ أَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ كُنْتُ أَخْوَجَ وَ بَلَى إِنَّ شَيْتَ بَلَغَتْ بِهَا الْآخِرَةَ تَفْرِي فِيهَا الضَّيْفَ وَ تَصِلُ فِيهَا الرَّحِمَ وَ تُطْلِعُ مِنْهَا الْحُقُوقَ مَطَالِعَهَا فَإِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ فَقَالَ لَهُ الْعَلَاءُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْكُو إِلَيْكَ أَخِي عَاصِمَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ وَ مَا لَهُ قَالَ لَيْسَ الْعَبَاءُ [الْعَبَاءُ] وَ تَحْلَى [مِنْ] عَنِ الدُّنْيَا قَالَ عَلِيٌّ بِهِ فَلَمَّا جَاءَ قَالَ يَا عُدَيَّ نَفْسِهِ لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْحَبِيبُ أَمَّا رَحِمْتُ أَهْلَكَ وَ وَلَدَكَ أَ تَرَى اللَّهَ أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وَ هُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا أَنْتَ أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا أَنْتَ فِي حُسُونِهِ مَلْبَسِكَ وَ جُسُوبِهِ مَا كَلِمَكَ قَالَ وَ يَحْكُ إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أَيْمَةِ [الْحَقِّ] الْعَدْلَ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَبَيِّنَ بِالْفَقِيرِ فَقَرُّهُ

در بصره امام به خانه علاء پسر زیاد حارثی که از یاران او بود رفت تا حال وی را پرسد، چون فراخی خانه او را دید فرمود:

این خانه فراخ در دنیا به چه کارت آید که در آخرت نیازت به چنین خانه‌ای بیشتر شاید! آری و اگر خواهانی بدان به آخرت رسیدن هم توانی: در آن به پذیرایی مهمان خواهی نشست و با خویشاوندانت خواهی پیوست، و حقوقی را که بر گردن داری بیرون توانی ساخت و به مستحقانش رسانی، و بدینسان به آخرت نیز توانی پرداخت.

[علاء گفت: «ای امیر مؤمنان! از برادرم عاصم بن زیاد به تو شکایت می‌کنم.» فرمود: «چرا؟» گفت: «جامه‌ای پشمین به تن کرده و از دنیا روی برگردانیده.» امام فرمود: «او را نزد من آرید.» چون نزد وی آمد بدو گفت: -] ای دشمنک خویش! شیطان سرگشته‌ات کرده و از راهت بدر برده. بر زن و فرزندان رحمت نمی‌آری، و چنین می‌پنداری که خدا آنچه را پاکیزه است، بر تو روا فرموده، اما ناخشنود است که از آن برداری؟ تو نزد خدا خوار مایه‌تر از آنی که می‌پنداری! [گفت: «ای امیر مؤمنان! و تو در این پوشاک زبر تن آزار باشی و خوراک دشوار خوار؟» فرمود: [وای بر تو! من نه چون توأم، که خدا بر پیشوایان دادگر واجب فرموده خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا مستمندی تنگدست را به هیجان نیارند و به طغیان واندارند.

۱۳- با مردم صمیمی باشد و خود را خدمتگزار مردم بداند و دنبال تصاحب قدرت و اندوختن ثروت نباشد.

کلام امام:

در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزونتر از آن کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابره‌نه‌ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا

متمکین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابرنه‌ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملاً به شبهات و القائات خاتمه می‌دهد، که بحمد الله در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است.<sup>۱</sup>

شما به من بگویید که در کجای ممالک اسلامی و غیر اسلامی، این طور است که رئیس جمهور از همین مردم و در دامن همین مردم باشد و هر روز و در ماه مبارک، هر شب برود توی جمعیت‌های متفرق و مردم را ارشاد کند، بدون اینکه خوفی در دلش باشد.

ما می‌دیدیم که در زمان حکومت غاصب شاه مخلوع، اگر این آدم می‌خواست در یکی از خیابانهای تهران ظاهر بشود، قبل از اینکه او بخواهد بیرون برود، مأمورهای ساواک تمام خیابانها را و تمام خانه‌های اطراف خیابانها را خالی می‌کردند و مأمور می‌گذاشتند و محافظت می‌کردند؛ برای اینکه او از ملت نبود، او در مقابل ملت بود و الآن رئیس جمهور «۱» که در رأس واقع شده است، در هر مجلسی که او را دعوت کنند می‌رود و در هر شهری که از او تقاضا کنند، می‌رود و مردم را ارشاد می‌کند، بدون اینکه یک ذره خوف در دل او باشد؛ برای اینکه، ملت را از خودش می‌داند و ملت هم او را از خودش می‌داند. برادر هستند. رئیس جمهور با ادنی شخصی که در ایران زندگی می‌کند، برادر است و مردم با هم برادرند و پشتیبانی می‌کنند.<sup>۲</sup>

حکومت اسلامی که ما می‌خواهیم یک همچو چیزی ما می‌خواهیم که آن کسی که در رأس است، آن هم با مردم رفیق باشد. و بنشیند و خودش را نگیرد؛ در بین مردم بنشیند با آنها صحبت بکند؛ هر کس حاجتی دارد به او بگوید، وقت داشته باشد با او صحبت بکند. آن هم که رئیس ارتش است و آن هم که رئیس شهربانی است و آن هم که رئیس ژاندارمری است، آن هم در بین مردم همان طور باشد. وارد بشود بین مردم، نه او از مردم وحشت کند؛ نه مردم از او وحشت بکنند. این باید دستور باشد برای همه حکومتها و ملتها. وقتی یک حکومت این طور شد، ملت دنبالش است؛ ملت حافظش است. همان طور که او حافظ ملت است، ملت هم حافظ او هستند. و ما می‌خواهیم یک همچو چیزی پیدا بشود که ملت حافظ دولت به همه جهات باشد؛ دولت هم حافظ منافع ملت به همه جهات باشد. اگر یک همچو چیزی شد، یک مملکت آرامی [پدید می‌آید] که هیچ کس هم نمی‌تواند در آن تصرف بکند.<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام ۱۳۶۶/۵/۶ - صحیفه امام، ج ۲۰، ص: ۳۴۰

<sup>۲</sup> در جمع نمایندگان کشورهای اسلامی ۵۹/۵/۲۱ - صحیفه امام ج ۱۳ ص ۹۴

<sup>۳</sup> در جمع هیئت محاسبات وزارت دارایی ۵۸/۴/۱۰ - صحیفه امام، ج ۸، ص: ۳۵۱

حکومتها باید خدمتگزار ملتها باشند؛ چنانچه در اسلام این سیره بود که حکومت در خدمت مردم بود و ارتش در خدمت مردم بود. حکومتها از مردم انشا می‌شدند و ارتش نیز از آنها. و اگر حکومتها و ملتها به سیره رسول اکرم و ائمه مسلمین عمل می‌کردند، آرامش در همه جای ارض بود؛ این اختلافات و خونریزیها نبود.<sup>۱</sup>

جوری عمل نکنید که مردم از شما انتزاع این را بکنند که شما می‌خواهید خدمت بکنید. وقتی مردم دیدند که شما در صدد خدمت به آنها هستید، طبیعی است که آنها هم کمک به شما می‌کنند، و این به این است که همه وزارتخانه‌ها، هر کسی که متصدی یک وزارتخانه است، وزارتخانه خودش را بنا بر این بگذارد که اصلاح کند به نفع مردم، به جوری که مردم وقتی که در آن وزارتخانه وارد می‌شوند با رضایت خاطر، با اطمینان خاطر بیرون بیایند. اگر این طور بشود، بلاشکال مردم حاضرند. مردم، مردم خوبی هستند. ما از مردم تشکر باید بکنیم، ما همه مرهون آنها هستیم. عمده این است که ما هم بتوانیم خدمت متقابل بکنیم.<sup>۲</sup>

آقا دولت مال مردم است؛ بودجه مملکت از جیب مردم است؛ شما نوکر مردم هستید؛ دولتها خدمتگزار مردمند. هی لفظاً نگوئید من خدمتگزار، و عملاً تو سر مردم بزنی و این اربابهای بیچاره‌تان را پایمال کنی.<sup>۳</sup>

باید افراد متوجه این معنا باشند، کسانی که واقعاً دلشان برای اسلام می‌تپد و برای کشورشان، متوجه این باشند که پست، میزان نیست، مقام میزان نیست، مقام ریاست جمهوری، این میزان نیست. مقام نخست‌وزیری یا رئیس دولت بودن یا رئیس مجلس بودن، اینها چیزی نیستند، این مقامات تمام می‌شود؛ آنی که هست خدمت است. آدم متعهد در هر جا باشد، اگر دید خدمتش خوب است آن جا، بیشتر دلگرم است. ممکن است که یک نفر؛ مثلاً، فرض کنید که نخست وزیر بوده است، لکن اگر این نخست وزیر ببیند که در یک جایی کار بهتر می‌کند، آدم متعهدی است می‌رود آن جا. یک نفر در

---

<sup>۱</sup> در جمع هیئتی از لیبی ۱۳۵۸/۲/۴ - صحیفه امام، ج ۷، ص: ۱۱۹

<sup>۲</sup> در جمع اعضای هیئت دولت ۱۳۶۴/۸/۹ - صحیفه امام، ج ۱۹، ص: ۴۰۸

<sup>۳</sup> در جمع اقشار مردم ۱۳۴۳/۱/۲۶ - صحیفه امام ج ۱ ص ۲۹۷

دادستانی مقام داشته است، وقتی دید که یک کسی از خودش بهتر می‌تواند کار کند برود آنجا، برایش فرق نکند؛ یعنی، هدفش این باشد که خدمت بکند، نه هدفش این باشد که مقام داشته باشد<sup>۱</sup>. شما باید توجه به این معنا بکنید که ما را اینها آورده‌اند و وکیل کرده‌اند، آورده‌اند و وزیر کرده‌اند، رئیس جمهور کرده‌اند. اینها ولی نعمت ما هستند، و ما باید ولی نعمت خودمان را از آن قدردانی کنیم و خدمت کنیم<sup>۲</sup>.

ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم. و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم. خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم. بلکه ممکن است گاهی وقتها ما یک تقاضایی از آنها بکنیم؛ تقاضای متواضعانه، تقاضایی که خادم یک ملت از ملت می‌کند<sup>۳</sup>.

کلام رهبر: کار نشده

مستندات قرآنی:

### الفتح، الجزء ۲۶، الصفحة: ۵۱۵، الآية: ۲۹

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

محمد(ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛

<sup>۱</sup> در جمع اعضای هیئت دولت ۱۳۶۴/۶/۱۲-صحیفه امام ج ۱۹ ص ۳۶۵

<sup>۲</sup> در جمع مسئولان و اعضای قوای مقننه و مجریه ۱۳۶۰/۱۱/۱۹-صحیفه امام ج ۱۶ ص ۲۵

<sup>۳</sup> در جمع فرستاده ی پاپ و بنی صدر ۱۳۵۸/۸/۱۹-صحیفه امام ج ۱۱ ص ۳۴

نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد(ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است. (۲۹)

### لقمان ، الجزء ۲۱ ، الصفحة: ۴۱۲ ، الآية: ۱۸

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٨﴾

(پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد. (۱۸)

### آل عمران ، الجزء ۴ ، الصفحة: ۷۱ ، الآية: ۱۵۹

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾

به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد. (۱۵۹)

مستندات روایی:

نامه ۵۳

نهج البلاغة، ص: ۳۶۷

وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ ﴿٣﴾ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَعْتِمِدُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخَّكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا ﴿٤﴾ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلَلُ ﴿٥﴾ وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلَالُ وَتُوتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمَلِ وَالْخَطَاءِ فَأَعْطَاهُمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفَحَكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفَحِهِ فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ وَوَالِي الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ وَاللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَلَاكَ

### نهج البلاغة، ص: ۳۷۸

اجْعَلْ لِذَوِي الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ وَتُقْعِدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَأَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَشُرَطِكَ حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَعَتِّعٍ ﴿٣﴾ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَتَعِّعٍ ثُمَّ احْتَمَلَ الْحُزْنَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ ﴿٤﴾ وَنَحَّ عَنْهُمْ الضِّيقَ وَالْأَنَفَ يَنْسُطِ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ وَيُوجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ

### نهج البلاغة؛ ص: ۳۶۹

وَإِنَّمَا عَمُودُ ﴿١﴾ الدِّينِ وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَالْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ فَلْيَكُنْ صَعُوكَ لَهُمْ وَمِيلُكَ مَعَهُمْ

نهج البلاغه / ۵۳؛

امیر مؤمنان (علیه السلام) پیوسته کارگزاران و کارکنان دستگاه اداری خود را به یاد حق و یاد معاد توجه می داد تا در اداره همه امور کاملاً انسانی عمل نمایند و دست تپاول نگشایند و به سرکشی و تندی گرفتار نیایند (ر.ک؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۴۳):

«إِيَّاكَ وَالْإِسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَشْوَةٌ وَالتَّعَابِي عَمَّا تُعْنَى بِهِ مِمَّا قَدْ وَضَحَ لِلْعُيُونِ فَإِنَّهُ مَاخُودٌ مِنْكَ لِغَيْرِكَ وَ عَمَّا قَلِيلٍ تَنْكَشِفُ عَنْكَ أَعْطِيَةُ الْأُمُورِ وَ يُنْتَصَفُ مِنْكَ لِلْمَظْلُومِ أَفْلِكَ حَمِيَّةً أَنْفِكَ وَ سُورَةً حَدِّكَ وَ سَطْوَةً يَدِكَ وَ غَزَبَ لِسَانِكَ وَ احْتِرْسَ مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِكَفِّ الْبَادِرَةِ وَ تَأْخِيرِ السَّطْوَةِ حَتَّى يَسْكُنَ غَضَبُكَ فَتَمْلِكَ الْإِخْتِيَارَ وَ لَنْ تَحْكُمَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى تُكْثِرَ هُمُومَكَ بِذِكْرِ الْمَعَادِ إِلَى رَبِّكَ» (یعنی، مبادا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی، امتیازی خواهی، از اموری که بر همه روشن است، غفلت کنی؛ زیرا به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسئول هستی و به زودی پرده از کارها یک سو رود و انتقام ستمدیده را از تو بازمی گیرند. باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دست، تندی زبانت را در اختیار خود گیر و با پرهیز از شتابزدگی و فروخوردن خشم، خود را

آرامش ده تا خشم فروشنید و اختیار نفس در دست تو باشد و تو بر نفس مسلط نخواهی شد، مگر با یاد فراوان قیامت و بازگشت به سوی خدا»

رفتار امیر مؤمنان علی - علیه السلام - نیز همانند پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - بود و آن حضرت به مالک اشتر (وقتی که او را به عنوان استاندار مصر انتخاب کرد) می فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه، دوست و مهربان باش». (دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، انتشارات مشرقین، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ش، ص ۵۶۷، نامه علی (علیه السلام) به مالک اشتر).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «أَيُّمَا رَاعٍ لَمْ يَزَحْمُ رَعِيَّتَهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ؛ هر مسئولی که به زیردست خود رحم نکند، خدا بهشت را بر او حرام می کند.» (نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص: ۳۶۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «إِخْوَانُكُمْ جَعَلَهُمُ اللَّهُ تَحْتَ آيْدِيكُمْ، فَمَنْ كَانَ أَخُوهُ تَحْتَ يَدِهِ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ وَلْيَكْسِهِ مِمَّا يَلْبَسُ وَلَا يُكَلِّفْهُ مَا يَغْلِبُهُ فَإِنْ كَلَّفَهُ مَا يَغْلِبُهُ فَلْيُعِنِّهِ» (جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)؛ ج ۲۴؛ ص ۵۷۸)

خداوند بعضی از برادران شما را زیردست شما قرار داده است؛ هر کس برادر و همنوعش را زیردست دارد باید از آنچه خود می خورد به او بخوراند و از آنچه می پوشد به او هم بپوشاند و هیچ وقت کاری که خارج از قدرت اوست به او نسپارد و اگر کار دشواری را به او سپرد او را کمک کند.

امام علی (ع) می فرماید: محبت و لطف بر رعیت را در قلب خود جای ده و بر آنان درنده ای خونخوار مباش که خوردن آن ها را مغتنم شماری.

نامه ۴۶ نهج البلاغه - نامه امیر المومنین به بعضی از کارگزارانشان

اعْتَزِم بِالشَّدَّةِ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَّةُ وَ اخْفِضْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ آسِ  
بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ وَ الْإِشَارَةِ وَ التَّحِيَّةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ وَ لَا يَتَأَسَّ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ وَ  
السَّلَام |

در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن، و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن، پر و  
بالت را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده روی و فروتن باش، و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره  
کردن با همگان یکسان باش، تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند، و نا توانان از عدالت تو مأیوس نگردند. و السلام.

۱۴- از شیوه های تبلیغانی صحیح استفاده نماید.

### أ. رعایت مَرَّ قانون

کلام امام:

ما حق نداریم که چیزی که خود ملت تعیین کرده است ماها [در آن] دخالت بکنیم.  
ما هم تابع ملت هستیم. ملت آقایان را تعیین کرده است. آقایان هم آن قانون را  
نوشته‌اند. تصویب کرده‌اند. و آقایان هم اهل خبره هستند. و آن طوری که ملت می‌خواستند،  
اینها را تمام کردند.<sup>۱</sup>

کلام رهبر:

رقابت این نیست که کسانی بیایند برای جلب نظر مردم، وعده‌های خلاف قانون اساسی، خلاف قوانین عادی  
بدهند؛ این‌ها نباید باشد.<sup>۲</sup>

مستندات قرآنی:

### المائدة، الجزء ٦، الصفحة: ١١٦، الآية: ٤٨

---

<sup>۱</sup> در جمع نمایندگان مجلس خبرگان ۱۳۵۸/۵/۲۴-صحیفه امام ج ۱۱ ص ۵۰

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾

و این کتاب [قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می‌کند، و حافظ و نگاهبان آنهاست؛ پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن! از هوی و هوسهای آنان پیروی نکن! و از احکام الهی، روی مگردان! ما برای هر کدام از شما، آیین و طریقه روشنی قرار دادیم؛ و اگر خدا می‌خواست، همه شما را امت واحدی قرار می‌داد؛ ولی خدا می‌خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید؛ (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد). پس در نیکیها بر یکدیگر سبقت جوید! بازگشت همه شما، به سوی خداست؛ سپس از آنچه در آن اختلاف می‌کردید؛ به شما خبر خواهد داد. (۴۸)

#### النساء، الجزء ۵، الصفحة: ۸۸، الآية: ۶۵

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند. (۶۵)

#### النساء، الجزء ۵، الصفحة: ۹۵، الآية: ۱۰۵

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِبِينَ خَصِيمًا ﴿١٠٥﴾

ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی؛ و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی! (۱۰۵)

## ب. اهانت نکردن

کلام امام: کار نشده

کلام رهبر:

نامزدهای انتخاباتی به یکدیگر اهانت نکنند؛ خب، جنابعالی نامزد هستید، معتقدید که آدم صالحی هستید، آدم برجسته‌ای هستید؛ بسیار خوب، از خودتان هرچه میخواهید تعریف کنید بکنید اما به رقیبتان اهانت نکنید، به رقیبتان تهمت نزنید، از رقیبتان غیبت هم نکنید؛ تهمت و افترا یعنی نسبتی بدهید که واقعیت ندارد، [اما] غیبت یعنی نسبتی بدهید که واقعیت دارد؛ غیبت هم نباید بکنید. بنابراین این هم یک وظیفه است و یک معیار است برای سلامت انتخابات. نمایندگان بروند آنچه را در وسعشان، در قدرتشان، در صلاحیتشان هست، برای مردم بیان کنند؛ مردم هم نگاه میکنند، خوششان می‌آید رأی میدهند، خوششان نمی‌آید رأی نمیدهند؛ این میشود [انتخابات] سالم.

وعده‌های غیر عملی ندهند؛ بعضی از نامزدها، وعده‌هایی به مردم میدهند که خودشان هم میدانند از دست آنها ساخته نیست؛ شما که نمیتوانی این وعده را عملی کنی، چرا به مردم وعده میدهی؟ چرا مردم را امیدوار میکنید به چیزی که میدانید نخواهد شد؟ گاهی وعده‌های غیر قانونی میدهند! [میگویند] فلان عمل را انجام میدهم درحالی که میدانند آن عمل خلاف قانون است؛ یا خلاف قانون اساسی است، یا خلاف قانون عادی است؛ وعده‌های این جوری هم ندهند؛ شعارهای غیر قانونی ندهند. با مردم صادقانه باید برخورد کرد؛ همه‌ی ملت ما این جور هستند که صداقت را احساس میکنند، درک میکنند؛ وقتی ما غیر صادقانه برخورد کردیم، ممکن است کسانی یک لمحهای و لحظه‌ای به اشتباه دچار بشوند لکن بعد حقیقت معلوم خواهد شد؛ باید صادقانه با مردم رفتار کرد، صادقانه باید با مردم حرف زد. این جزو آداب حتمی انتخابات سالم است.<sup>۱</sup>

مستندات قرآنی:

الحجرات، الجزء ۲۶، الصفحة: ۵۱۷، الآية: ۱۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا  
يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها پرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید؛ و هیچ يك از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است! (۱۲)

### الحجرات ، الجزء ۲۶، الصفحة: ۵۱۶، الآية: ۱۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید؛ و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند! (۱۱)

### الهمزة ، الجزء ۳۰، الصفحة: ۶۰۱، الآية: ۱

وَيْلٌ لَّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿١﴾

وای بر هر عیبجوی مسخره‌کننده‌ای! (۱)

( الکافی : ۳/۳۶۰/۲ )

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

لَا تُسَبُّوا النَّاسَ فَتُكْتَسَبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ .

به مردم ناسزا مگویید که با این کار در میان آنها دشمن پیدا می کنید .

### ت. برخورد صادقانه با مردم

کلام امام: کار نشده

کلام رهبر:

نامزدها وعده‌های نشدنی ندهند. من به نامزدهای گوناگون عرض میکنم جوری حرف بزنید که اگر در خرداد سال آینده نوار امروز شما را جلوی خودتان گذاشتند یا پخش کردند، شرمنده نشوید؛ جوری وعده بدهید که اگر چنانچه آن وعده را بعداً به رخ شما کشیدند، مجبور نباشید تقصیر را گردن این و آن بگذارید که نگذاشتند، نشد. کاری را که میتوانید انجام دهید، وعده بدهید.<sup>۱</sup>

مستندات قرآنی:

الصف ، الجزء ۲۸ ، الصفحة : ۵۵۱ ، الآية : ۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۲﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! (۲)

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾

نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید! (۳)

الباقية ، الجزء ٢٥ ، الصفحة: ٤٩٩ ، الآية: ٧

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٧﴾

وای بر هر دروغگوی گنهکار... (۷)

المطففين ، الجزء ٣٠ ، الصفحة: ٥٨٨ ، الآية: ٢٩

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾

بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می‌خندیدند، (۲۹)

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿٣٠﴾

و هنگامی که از کنارشان می‌گذشتند آنان را با اشاره تمسخر می‌کردند، (۳۰)

مستندات روایی: کار نشده

## ث. خود داری از اسراف و پرداخت رشوه های تبلیغاتی

کلام امام: کار نشده

کلام رهبر:

در این تبلیغات، خرج و اسراف هم نشود. بنده گمان میکنم اگر کسی برای خدا از اسراف در تبلیغات و کارهای ناباب اجتناب کرد، خدای متعال به او کمک خواهد کرد و او را در مقصودی که دارد، موفق خواهد گرداند.<sup>۱</sup>

مستندات قرآنی:

الشعراء، الجزء ۱۹، الصفحة: ۳۷۳، الآية: ۱۵۱

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٥١﴾

و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید! (۱۵۱)

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿١٥٢﴾

همانها که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند!» (۱۵۲)

يونس، الجزء ۱۱، الصفحة: ۲۱۸، الآية: ۸۳

فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّتُهُ مِنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٨٣﴾

(در آغاز،) هیچ کس به موسی ایمان نیاورد، مگر گروهی از فرزندان قوم او؛ (آن هم) با ترس از فرعون و اطرافیان، مبادا آنها را شکنجه کنند؛ زیرا فرعون، برتری جویی در زمین داشت؛ و از اسرافکاران بود! (۸۳)

هر چند که واژه رشوه یا اختلاس در قرآن نیامده است، اما با توجه به مفهوم آنها می توان واژگانی را در قرآن یافت که به این امر اشاره دارد. به عنوان نمونه در قرآن هایی چون «سحت» و «باطل» در جملاتی به کار رفته که بیانگر همین مفهوم رشوه و اختلاس و دیگر سوء استفاده های مالی صاحبان قدرت از قدرت خویش در عرصه اجتماعی و اقتصادی است:

#### المائدة، الجزء ٦، الصفحة: ١١٥، الآية: ٤٢

سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٤٢﴾

آنها بسیار به سخنان تو گوش می دهند تا آن را تکذیب کنند؛ مال حرام فراوان می خورند؛ پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا (اگر صلاح دانستی) آنها را به حال خود واگذار! و اگر از آنان صرف نظر کنی، به تو هیچ زیانی نمی رسانند؛ و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا عادلان را دوست دارد! (٤٢)

#### المائدة، الجزء ٦، الصفحة: ١١٨، الآية: ٦٣

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿٦٣﴾

چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود، آنها را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی کنند؟! چه زشت است عملی که انجام می دادند! (٦٣)

#### البقرة، الجزء ٢، الصفحة: ٢٩، الآية: ١٨٨

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِنَأْكُلُوا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٨٨﴾

و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می دانید (این کار، گناه است)! (١٨٨)

## خطبه ۲۲۴: از سخنان آن حضرت است در بیزاری از ظلم

وَاللَّهِ لَأَنَّ آيَتَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مُسَهِّدًا أَوْ أُجَرَ فِي الْأَغْلَالِ مُصَفِّدًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ وَغَاصِبًا لَشَيْءٍ مِنَ الْحُطَامِ وَكَيْفَ أَظْلِمُ أَحَدًا لِنَفْسٍ يُسْرِعُ إِلَيَّ الْبَلَى قُفُولُهَا وَيَطُولُ فِي الثَّرَى حُلُولُهَا وَاللَّهُ لَقَدْ رَأَيْتُ عَقِيلًا وَقَدْ أَمْلَقَ حَتَّى اسْتَمَاحَنِي مِنْ بُرْكُمْ صَاعًا وَرَأَيْتُ صَبِيَّانَهُ شَعَثَ الشُّعُورِ غَيْرَ الْأَلْوَانِ مِنْ فَقَرِهِمْ كَأَنَّمَا سُوِّدَتْ وَجُوهُهُمْ بِالْعِظْلَمِ وَعَاوَدَنِي مُؤَكَّدًا وَكَرَّرَ عَلَى الْقَوْلِ مُرَدِّدًا فَأَصْغَيْتُ إِلَيْهِ سَمْعِي فَظَنَّ أَنِّي أَبِيعُهُ دِينِي وَاتَّبَعُ قِيَادَهُ مُفَارِقًا طَرِيقَتِي فَأَحْمَيْتُ لَهُ حَدِيدَهُ ثُمَّ أَدْنَيْتُهَا مِنْ جِسْمِهِ لِيَعْتَبِرَ بِهَا فَضَحَّ ضَجِيجُ ذِي دَنْفٍ مِنْ أَلَمِهَا وَكَادَ أَنْ يَحْتَرِقَ مِنْ مِيسَمِهَا فَقُلْتُ لَهُ تَكَلَّتْكَ الثَّوَاكِلُ يَا عَقِيلُ أَتَنْتُ مِنْ حَدِيدَةٍ أَحْمَاهَا إِنْسَانُهَا لِلْعَبَةِ وَتَجُرَّنِي إِلَى نَارِ سَجَرِهَا جَبَّارُهَا لِعُضْبِهِ أَتَنْتُ مِنَ الْأَذَى وَلَا أَتْنُ مِنْ لَطَى وَأَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ طَارِقُ طَرَفَنَا بِمَلْفُوفَةٍ فِي وَعَائِهَا وَمَعْجُونَةٍ شَنْتُهَا كَأَنَّمَا عَجَنْتُ بَرِيقَ حَيَّةٍ أَوْ قَيْهًا فَقُلْتُ أَمْ صَلَّةٌ أَمْ زَكَاةٌ أَمْ صَدَقَةٌ فَذَلِكَ مُحَرَّمٌ عَلَيْنَا أَهْلُ الْبَيْتِ فَقَالَ لَا ذَا وَلَا ذَاكَ وَلَكِنَّهَا هَدِيَّةٌ فَقُلْتُ هَبْلَتَكَ الْهَبُولُ أَعَنْ دِينَ اللَّهِ أَتَيْتَنِي لِتَخْدَعَنِي أَمْ مُحْتَبِطٌ أَنْتَ أَمْ دُوْجَنٌ أَمْ تَهْجُرُ وَاللَّهُ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةُ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمْلَةٍ أَسْلَبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ وَإِنْ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمٍ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا مَا لِعَلَى وَلِنَعِيمٍ يَفْنَى وَلَذَّةٍ لَا تَبْقَى نَعُودُ بِاللَّهِ مِنْ سَبَاتِ الْعَقْلِ وَقُبْحِ الزَّلَلِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ.

ترجمه:

به خدا قسم اگر شب را به بیداری به روی خار سعدان به روز آرم، و با قرار داشتن غلها و بندها به بدنم روی زمین کشیده شوم، پیش من محبوبتر است از اینکه خدا و رسولش را در قیامت ملاقات کنم در حالی که به بعضی از مردم ستم نموده، و چیزی از مال بی ارزش دنیا غصب کرده باشم. چگونه به کسی ستم کنم برای وجودی که به سرعت به سوی کهنگی و پوسیدگی پیش می رود، و اقامتش در زیر توده خاک طولانی می شود. به خدا قسم عقیل را در اوج فقر دیدم که یک من گندم از بیت المال شما را از من درخواست داشت، و کودکانش را از پریشانی فقر با موهای غبار آلود و رنگهای تیره دیده که گویی صورتشان را با نیل سیاه کرده بودند، عقیل به

درخواستش اصرار، و سخنش را تکرار می کرد، من به گفتارش توجه می کردم، و او خیال می کرد که دینم را به او فروخته، و از راه و روشم دست برداشته و به خواسته اش تن می دهم، در این اثنا آهن پاره ای را گداخته و به بدن او نزدیک کردم تا مایه عبرتش شود، ناگهان چون ناله بیمار از حرارت آن آهن پاره ناله زد، و نزدیک بود از آن آهن گداخته بسوزد، به او گفتم: مادران داغدار بر تو بگریند ای عقیل، آیا تو در برابر آهن پاره ای که انسانی آن را به شوخی و بازی بر افروخته ناله می زنی، ولی مرا به جانب آتشی که خداوند قهار به جهت خشم خود افروخته می کشانی آیا تو از این درد اندک ناله بزنی، و من از آتش سوزنده جهنم ناله نزنم. از سرگذشت عقیل عجیب تر برنامه شخصی است که به تاریکی شب با ارمغانی در ظرف بسته، و حلوایی که آن را خوش نداشتم و به آن بد بین بودم به طوری که انگار می کردی آن را با آب دهان یا استفراغ مار ساخته اند نزد من آمد، به او گفتم: این صله است یا زکات یا صدقه اینها که بر ما اهل بیت حرام است. گفت: نه این است و نه آن، بلکه هدیه است. گفتم: مادرت به عزایت بنشیند، آمده ای از راه دین خدا فریبم دهی یا دستگاه فکر و اندیشه ات به هم خورده، یا دیوانه ای و یا بیهوده گویی. به خدا قسم اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمانهای آنهاست به من بدهند تا خداوند را با ربودن پوست جوی از دهان مورچه ای معصیت کنم به چنین کاری دست نمی زنم و بی شک دنیای شما نزد من از برگی که در دهان ملخی است و آن را می جود خوارتر است. علی را با نعمتی که از دست می رود و لذتی که باقی نمی ماند چکار از خواب عقل، و زشتی لغزش به خدا پناه می بریم، و از او یاری می طلبیم.

## (نهج البلاغه، نامه ۲۱)

«دع الاسراف مقتصدا، و اذکر فی الیوم غدا، و امسک من المال بقدر ضرورتک، و قدم الفضل لیوم حاجتک».

۱۵- تفاهم بین ملت و دولت را فراهم کند.

کلام امام:

اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد، باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد و مع الأسف در رژیمهای شاهنشاهی، و بخصوص در رژیم اخیر، آن معنا عکس بود. یعنی دستگاه حاکمه، همه دستگاه حاکمه، در یک قطب واقع شده بود، و ملت هم در یک قطب. آن دستگاه حاکمه کوشش می کرد که با ارباب و با فشار و با آزار و شکنجه و حبس و امثال اینها با ملت رفتار کند. و ملت هم اگر زور نداشت کوشش می کرد که مالیات نپردازد؛ از زیر بار همه چیز در برود؛ هر چه بتواند کارشکنی کند برای دولت، و از این جهت هی شکاف بین مردم و دولت حاصل می شد و دولت هم هیچ پشتیبان نداشت و دستگاه حاکمه یک امر به خیال خودش مستقلاً بود که هیچ ارتباطی با ملت نداشت. ملت هم به آن هیچ اعتماد نداشت، آن را دشمن خودش می دانست. ارتش وقتی می آمد توی مردم، مثل اینکه دشمن

آمده است، همه جمعیت از آن فرار می‌کردند و پشت می‌کردند به آن و پاسبان وقتی که می‌آمد در بین مردم، مردم از او فرار می‌کردند؛ تنفر داشتند. و اینها اسباب این شد که نتواند حکومت باقی بماند، و با پایگاه نداشتن در پیش ملت ناچار باید کنار برود و رفت. این باید یک عبرتی باشد برای دولتها.

در رژیم اسلامی شاید در رأس برنامه همین تفاهم ما بین دولت و ملت باشد. یعنی نه دولت خودش را جدا می‌داند و بخواهد تحمیل بکند و مردم را تهدید بکند، ارباب بکند، اذیت بکند؛ و نه مردم در صدد این بودند که دولت را تضعیف بکنند یا فرار بکنند از مقررات دولتی<sup>۱</sup>.

با ملت دوست باشند. ملت احساس کند که دولت از خود اوست؛ دولت خدمتگزار اوست. ملتها احساس کنند که ارتش از خود آنهاست. ارتش که در خیابان می‌آید برای آن گل بریزند؛ نه از آن فرار کنند! عمده در برنامه‌های حکومتی، در برنامه‌های دولتی، این معناست که محیط اخلاقی درست کنند. محیط برادری درست کنند. این در رأس همه برنامه‌هاست. اگر این برنامه درست شد، اگر دولت بخواهد کاری بکند، همه ملت با او همراهی می‌کنند. اگر دولت بخواهد برنامه‌ای را ... اجرا بکند، ملت در خدمت آن هست<sup>۲</sup>.

### کلام رهبر:

آنچه در این ساعت مایلم به ملت عزیزمان عرض کنم این است که این ظرفیت عظیم و مهم دست‌یافتنی است ولی شروطی دارد؛ یکی از مهم‌ترین شروط عبارت است از همکاری‌های صمیمانه میان ملت و دولت؛ اگر این همکاری صمیمانه از دو سو شکل بگیرد، یقیناً همه‌ی آنچه را که جزو آرزوهای ما است دست‌یافتنی است و آثار آن را مردم عزیزمان به چشم خواهند دید. دولت، کارگزار ملت است؛ و ملت، کارفرمای دولت است. هرچه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی‌های ملت را بدرستی بپذیرد، هم ملت به دولت که کارگزار کارهای او است به معنای حقیقی کلمه اعتماد کند. من در این زمینه هم حرفهایی دارم و توصیه‌هایی دارم که ان‌شاءالله در سخنرانی به آنها اشاره خواهم کرد. لذا به نظر من امسال را باید سال همکاری‌های گسترده‌ی دولت و ملت دانست؛ من این شعار را برای امسال انتخاب کردم: «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی». امیدواریم این شعار در عمل تحقق پیدا کند و هر دو کفّه‌ی این شعار، یعنی ملت عزیزمان، ملت بزرگمان،

---

<sup>۱</sup> در جمع وزیر و اعضای وزارت اقتصاد و دارایی ۵۸/۳/۳۰ صحیفه امام، ج ۸، ص: ۲۳۱

<sup>۲</sup> در جمع وزرای امور خارجه ی ایران و ترکیه ۵۸/۳/۲۱-صحیفه امام ج ۸ ص ۸۷

ملت با همت و با شجاعت‌مان، ملت بصیر و دانايمان، و همچنين دولت خدمتگزار بتوانند به اين شعار به معنای حقیقی کلمه عمل بکنند و آثار و نتایج آن را ببینند.<sup>۱</sup>

مستندات قرآنی: کار نشده

مستندات روایی: کار نشده

۱۶- با مسئولان دیگر وحدت را حفظ کنند و با هم خوب باشند.

کلام امام:

امروز تبلیغات علیه من و شما نیست، تبلیغات علیه اسلام است. اگر ما با اسلام کاری نداشتیم کسی با ما بد نبود. امروز امریکا و شوروی را که آن قدر در دنیا فساد می‌کنند کسی محکوم نمی‌کند، ولی تمام محکومیتها مال ماست. در دنیا تنها ایران است که مورد سؤال است؛ ولی اگر ما وحدت خودمان را حفظ کنیم و همصدا و همجهت باشیم از هیچ چیز نباید بترسیم. مهم این است که با هم خوب باشید و تصمیم داشته باشیم که مستقل و آزاد حرکت کنیم و مطمئن باشید که می‌توانید. ترس آن موقعی است که رؤسا با هم اختلاف داشته باشند و مردم در صحنه نباشند، که بحمد الله امروز، هم مردم در صحنه هستند، هم همه دست‌اندرکاران با هم خوب هستند.<sup>۲</sup>

اختلاف نداشته باشید در امور. اختلاف همیشه ناشی از جهات نفسانی است. اگر همه انبیا الآن در اینجا جمع بشوند، اختلاف ندارند. برای آنکه، آن جهات نفسانی را ندارند.

آن وقت که یک طرف جهت نفسانی دارد و یا هر دو طرف جهت نفسانی دارند، آن وقت اختلافات پیدا می‌شود. کوشش کنید که آن جهات نفسانی بازی‌تان ندهد که منشأ مناقشه و اختلاف شود. و در روزنامه‌ها این اختلافات منعکس شود و یا در جاهای دیگر صحبت شود. یک مملکتی که گرفتار است در مقابل اجانب و در معرض خطر است و باید با همت خود مردم این مملکت مستقر شود و اساسش

---

<sup>۱</sup> - پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۴ - ۱ فروردین ۹۴

<sup>۲</sup> در جمع فقهای شورای نگهبان ۱۳۶۲/۲/۲۸ - صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۴۴۱

درست شود، اگر اشخاص بخواهند با تفرقه و تشتت این مملکت را از باطن پوسیده کنند، قهراً به چنگ دیگران خواهد افتاد<sup>۱</sup>.

### کلام رهبر:

مسئولین جمهوری اسلامی اگر صد تا هم با هم اختلاف داشته باشند، در ایستادگی در مقابل دشمن، در حفظ استقلال این کشور، همه با هم یک کلام و یک دست‌اند. این را دشمنان بدانند؛ خیال نکنند که میتوانند بین ملت انشقاق بیندازند.<sup>۲</sup>

### مستندات قرآنی:

#### المائدة، الجزء ۶، الصفحة: ۱۰۶، الآية: ۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آنها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی‌نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صیدکردن برای شما مانعی ندارد. و خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است! (۲)

۱- در جمع جامعه قضات ۱۳۶۷/۱۲/۳ - صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۲۱۴

۲ - بیانات در دیدار جمعی از مردم در سالروز ولادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) - ۱۵ تیر ۸۸

## الأَنْفَال ، الجزء ١٠ ، الصفحة: ١٨٣ ، الآية: ٤٦

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِيهِ وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾

و(فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع(و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت(و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است! (٤٦)

مستندات روایی:

از مستندات مربوط به بحث وحدت می توان در اینجا هم استفاده کرد.

۱۷- تعامل با دولتهای اسلامی برای تشکیل یک ارتش واحد مردمی در جهان.

کلام امام:

اگر ان شاء الله آن وحدت بین مسلمین و دولتهای کشورهای اسلامی که خداوند تعالی و رسول عظیم الشأنش خواسته‌اند و امر به آن و اهتمام در آن فرموده‌اند حاصل شود، دولتهای کشورهای اسلامی با پشتیبانی ملتها می‌توانند یک ارتش مشترک دفاعی بیش از صد میلیونی تعلیم دیده ذخیره و یک ارتش ده‌ها میلیونی زیر پرچم داشته باشند، که بزرگترین قدرت را در جهان به دست آورند. و اکنون که این حاصل نیست، دولتهای اسلامی منطقه و حواشی آن می‌توانند یک ارتش ذخیره ده‌ها میلیونی و یک ارتش بیش از ده میلیونی تحت پرچم برای دفاع از کشورهای اسلامی داشته باشند، که این نیز فوق قدرتهاست. و امید است دولتهای منطقه، با قطع نظر از زبان و نژاد و مذهب، فقط تحت پرچم اسلام در این امر فکر کنند و طرح آن را بریزند؛ و از ننگ خضوع در برابر ابرقدرتها نجات یابند، و شیرینی استقلال و آزادی را بچشند. و برای به دست آوردن چنین قدرتی لازم است هر یک از دولت‌ها با تفاهم با ملت خود برای دفاع از کشورشان یک چنین طرح حیاتبخشی را در دست مطالعه قرار دهند؛ و از کشور اسلامی ایران در این امر که مدافع کشورهای خود و برادران اسلامی خویش است الهام بگیرند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - پیام به مسلمانان ایران و جهان ۱۳۶۲/۶/۱۲-صحیفه امام ج ۱۸ ص ۹۴

ما در دنیای اسلام بایستی در همه‌ی علوم، همه‌ی علوم تمدن‌ساز -از علوم عقلی تا مجموعه‌ی علوم انسانی و اجتماعی، تا علوم طبیعی- حرکت جدّی‌ای را برای پیشرفت آغاز کنیم، و میتوانیم. یک روزی دنیای اسلام در قلّه‌ی تمدن بشری قرار داشته است؛ چرا آن نباید تکرار بشود، چرا نباید ما امروز هم کاری کنیم که در یک زمان مناسبی -تا چهل سال دیگر، تا پنجاه سال دیگر- امت اسلامی در قلّه‌ی تمدن انسانی قرار بگیرد؟ چه اشکالی دارد؟ باید حرکت کنیم. این کارِ حکومتها و کارِ نخبگان است؛ هم حکومت‌های اسلامی موظّفند، هم نخبگان دنیای اسلام موظّفند؛ علما، روشنفکران، نویسندگان، شاعران، هنرمندان در دنیای اسلام باید یک حرکت عظیم فکری و یک خواست عمومی به وجود بیاورند برای پیشرفت علمی و رسیدن به قلّه‌ی علم و دانش، و این کار، امروز ممکن است.<sup>۱</sup>

امروز دنیای اسلام به این اتّحاد و این همدلی بشدّت نیازمند است. امروز پیکر دنیای اسلام زخم‌خورده است؛ امروز دشمنان اسلام توانسته‌اند با ایجاد جنگ و خلاف در بین خود مسلمین، آنها را فتنل کنند، آنها را مشغول به خود کنند و دشمنان آنها را در حاشیه‌ی امن نگه دارند. در منطقه‌ی غرب آسیا، رژیم غاصب صهیونیست در امنیّت به سر ببرد، [ولی] مسلمانها به جان هم بیفتند! این حقیقت و واقعیّت است که امروز وجود دارد؛ و این کار، کار دشمنان اسلام است؛ کار آمریکا است، کار صهیونیسم بین‌المللی است، و کارِ ادامه‌های آنها و همکاران آنها در این منطقه است. با کمال تأسف باید قبول کنیم که در درونِ خودِ امتِ اسلامی و دولتهای اسلامی، کسانی هستند که همان کاری را که آمریکا میخواهد و صهیونیست میخواهد، انجام میدهند؛ مخارجش را عهده‌دار میشوند، مقدّماتش را فراهم میکنند، ابزار آنها میشوند؛ برای چه؟ برای جراحت وارد کردن بر پیکر امت اسلامی. در یک چنین شرایطی اتّحاد امت اسلامی اوجب واجبات است؛ باید دُور هم جمع بشویم.<sup>۲</sup>

مستندات قرآنی:

### آل عمران، الجزء ۴، الصفحة: ۶۳، الآية: ۱۰۳

<sup>۱</sup> - بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی» - ۲۲ اردیبهشت ۹۷

<sup>۲</sup> - بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس «محبان اهل بیت (ع) و مسئله تکفیری‌ها» - ۲۲ آذر ۹۶

وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾

و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید. (۱۰۳)

مستندات روایی: کار نشده

## ۱۸- وحدت

کلام امام:

اختلاف نداشته باشید در امور. اختلاف همیشه ناشی از جهات نفسانی است. اگر همه انبیا الآن در اینجا جمع بشوند، اختلاف ندارند. برای آنکه، آن جهات نفسانی را ندارند.

آن وقت که يك طرف جهت نفسانی دارد و یا هر دو طرف جهت نفسانی دارند، آن وقت اختلافات پیدا می‌شود. کوشش کنید که آن جهات نفسانی بازی‌تان ندهد که منشأ مناقشه و اختلاف شود. و در روزنامه‌ها این اختلافات منعکس شود و یا در جاهای دیگر صحبت شود. يك مملکتی که گرفتار است در مقابل اجانب و در معرض خطر است و باید با همت خود مردم این مملکت مستقر شود و اساسش درست شود، اگر اشخاص بخواهند با تفرقه و تشتت این مملکت را از باطن پوسیده کنند، قهراً به چنگ دیگران خواهد افتاد!

<sup>۱</sup> در جمع جامعه قضات ۱۳۶۷/۱۲/۳ - صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۲۱۴

ما برادری خودمان را به برادران اهل سنت اعلام می‌کنیم. دشمنان اسلامند که می‌خواهند ما را با برادرهای خودمان مختلف کنند. دشمنهای اسلام یا گول خورده‌های از آنها هستند که در این وقت مخالفت ما بین دو دسته را اعلام می‌کنند. ما اعلام می‌کنیم وحدت کلمه مسلمین را. اگر مسلمین وحدت کلمه داشتند، امکان نداشت اجانب بر آنها تسلط پیدا بکنند. این تفرقه در بین مسلمین است که باعث شده است که اجانب بر ما تسلط پیدا بکنند. این تفرقه مسلمین است که از اول با دست اشخاص جاهل تحقق پیدا کرد، و الآن هم ما گرفتار هستیم. واجب است بر همه مسلمین که با هم باشند. يك زمان حساسی است؛ ما بین حیات و موت مردد هستیم. ما الآن مملکت‌مان یا باید تا ابد زیر یوغ استعمار و استبداد باشد، یا باید الآن از این یوغ خارج بشود. اگر وحدت کلمه را حفظ نکنید، تا آخر باید مبتلا باشید<sup>۱</sup>.

### وحدت بین دولت و مجلس را حفظ کند:

آقایان وزرا، من به شما و به نمایندگان محترم نصیحت می‌کنم که سیاستهای یکدیگر را تضعیف و یا تخریب نکنید؛ که اگر وحدت روش و حرکت در نظام نوپای اسلامی صدمه ببیند، نتایجی که دنیای استکبار از این برخوردها می‌گیرد بسیار شکننده است. کاری نکنیم که دنیا فکر کند نظام اسلامی ایران با این اختلاف سلیقه‌ها و با این ابراز اختلافها هیچ گاه راه ثبات را نخواهد پیمود<sup>۲</sup>.

### از تضعیف وحدت ملی جلوگیری کند:

بین خودتان برادر باشید، حفظ کنید این برادری را، با حفظ برادری شما به اینجا رسیدید و با حفظ برادری باید جلو بروید. اگر خدای نخواستہ خللی حاصل بشود در این برادری، چه در خود تهران، چه در خارج تهران، هر جا باشد، چه بین روحانیون، چه بین مردم، چه بین جناحهایی که هستند، اگر- خدای نخواستہ- يك وقت يك خللی واقع بشود شکست همراه اوست. شما فکر این را بکنید که حافظ اسلامید، نه حافظ خود. شما باید حفظ اسلام را بکنید، آن هم نه در زمان خود، همان طوری که انبیاء عظام دنبال این بودند که بعد از خودشان تا آخر حافظ باشند، تکلیف است برای همه ما که ما این جمهوری که به اینجا رسیده است تا آخر حفظ کنیم. تا آخر حفظ کردن این است که هر روز محکم

---

<sup>۱</sup> در جمع طلاب و کارکنان شرکت نفت ۱۳۵۷/۱۱/۱۷-صحیفه امام ص ۸۳

<sup>۲</sup> پیام به نخست وزیر و هیئت دولت ۶۷/۳/۲۲-صحیفه امام ج ۲۱ ص ۶۵

کنیم برادری خودمان را، سر اغراض جزئی که زود می‌گذرد، لطمه‌ای خدای نخواسته به اسلام وارد نکنیم، لطمه‌ای به جمهوری اسلام وارد نکنیم. اشکال اگر هست به من و دیگران، اشکال را باید گفت، لکن نباید تضعیف کرد دولت را، نباید تضعیف کرد قوه مقننه را، قوه قضاییه را، روحانیت را، اینها جرم است، اینها گناه نابخشودنی است. شما توجه باید بکنید، ملت ما توجه بکنند که يك ملت با هم، هیچ قوه‌ای بر آنها غلبه نخواهد کرد. هیچ قوه‌ای نمی‌تواند بر يك ملتی که همراه هم هستند و با هم هستند، هیچ قدرتی نمی‌تواند با او مقابله کند و لهذا، شیاطین در پی این هستند که از این راه پیش بروند که بین جناحها اختلافی ایجاد کنند، اعتنا نکنید به این شیاطین، در شهرها اعتنا نکنند آقایان به شیاطینی که می‌خواهند اختلاف ایجاد کنند.<sup>۱</sup>

اختلاف نداشته باشید در امور. اختلاف همیشه ناشی از جهات نفسانی است. اگر همه انبیا الآن در اینجا جمع بشوند، اختلاف ندارند. برای آنکه، آن جهات نفسانی را ندارند. آن وقت که يك طرف جهت نفسانی دارد و یا هر دو طرف جهت نفسانی دارند، آن وقت اختلافات پیدا می‌شود. کوشش کنید که آن جهات نفسانی بازی‌تان ندهد که منشأ مناقشه و اختلاف شود. و در روزنامه‌ها این اختلافات منعکس شود و یا در جاهای دیگر صحبت شود. يك مملکتی که گرفتار است در مقابل اجانب و در معرض خطر است و باید با همت خود مردم این مملکت مستقر شود و اساسش درست شود، اگر اشخاص بخواهند با تفرقه و تشتت این مملکت را از باطن پوسیده کنند، قهراً به چنگ دیگران خواهد افتاد.<sup>۲</sup>

### کلام رهبر:

ما در جمهوری اسلامی این هفته را، یعنی از دوازدهم تا هفدهم [ربیع‌الاول] را، به عنوان هفته‌ی وحدت نامگذاری کرده‌ایم. این یک نامگذاری محض نیست، یک حرکت سیاسی و تاکتیکی هم نیست؛ این یک اعتقاد و ایمان قلبی است. جمهوری اسلامی به معنای واقعی کلمه معتقد به لزوم اتحاد امت اسلامی است. این [کار] سابقه هم دارد؛ یعنی مخصوص زمان ما و دوران جمهوری اسلامی نیست. مرجع بزرگی مثل مرحوم آیت‌الله بروجردی که مرجع کلّ دنیای شیعه در زمان جوانی ما بود، طرف‌دار جدّی وحدت اسلامی بودند، طرف‌دار جدّی تقریب مذاهب اسلامی بودند؛ با بزرگان علمای دنیای اسلام و اهل سنت مراوده داشتند، گفتگو داشتند؛ این یک اعتقاد است، یک اعتقاد قلبی و عمیق است. بعضی‌ها

---

<sup>۱</sup> - در جمع مسئولان نظام ۱۳۶۵/۳/۱۹ - صحیفه امام ج ۲ ص ۵۶

<sup>۲</sup> - در جمع جامعه قضات ۱۳۶۷/۱۲/۳ - صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۲۱۴

تصوّر میکنند یا وانمود میکنند که این یک تاکتیک سیاسی است؛ نه، این جور نیست؛ این یک ایمان قلبی است؛ معتقدیم به این و معتقدیم که خدای متعال این را از ما خواسته است.<sup>۱</sup>

یکی از اساسی‌ترین کارها حفظ اتحاد و وحدت کلمه است. اتحاد ملّت مراقب باشند به خاطر اختلاف نظرهای کوچک و اختلاف سلیقه‌های کوچک، در مقابل هم قرار نگیرند. بدانند که قدرت این ملّت در اتحاد است؛ اتحاد آحاد مردم، اتحاد گروه‌های اجتماعی گوناگون، اتحاد اقوام مختلفی که در کشور زندگی میکنند، اتحاد مسئولین کشور با مردم، مردم با مسئولین کشور؛ این است که به این کشور اقتدار میبخشد و تا حالا اقتدار بخشیده و بحمدالله این اقتدار هست؛ این [اقتدار] را حفظ کنند.<sup>۲</sup>

مستندات قرآنی:

طه ، الجزء ۱۶، الصفحة: ۳۱۸، الآية: ۹۲

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿٩٢﴾

(موسی) گفت: «ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند... (۹۲)

أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿٩٣﴾

از من پیروی نکردی؟! آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟!» (۹۳)

قَالَ يَا ابْنَ أُمِّ لَآئِمَّا أَخُذُ بِلِحَيَّتِي وَلَا بَرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿٩٤﴾

(هارون) گفت: «ای فرزند مادرم! [ای برادر!] ریش و سر مرا بگیر! من ترسیدم بگوئی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به کار نبستی!» (۹۴)

---

<sup>۱</sup> - بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی - ۲۴ آبان ۹۹

<sup>۲</sup> - بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان - ۱۱ اردیبهشت ۹۸

### آل عمران ، الجزء ٤، الصفحة: ٦٣، الآية: ١٠٣

وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾

و همگی به ريسمان خدا [قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید! و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید. (١٠٣)

### الأنعام ، الجزء ٨، الصفحة: ١٥٠، الآية: ١٥٩

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا أَلَسَتْ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٥٩﴾

کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به دسته‌های گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه‌ای با آنها نداری! سر و کار آنها تنها با خداست؛ سپس خدا آنها را از آنچه انجام می‌دادند، با خبر می‌کند. (١٥٩)

### الشورى ، الجزء ٢٥، الصفحة: ٤٨٤، الآية: ١٣

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾

آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می‌کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می‌کند. (١٣)

### آل عمران ، الجزء ٣، الصفحة: ٥٨، الآية: ٦٤

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾

بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را-غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد.» هر گاه (از این دعوت،) سرباز زنند، بگویند: «گواه باشید که ما مسلمانیم!» (٦٤)

### البقرة، الجزء ٢، الصفحة: ٣٣، الآية: ٢١٣

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾

مردم (در آغاز) يك دسته بودند؛ (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند؛ تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آنهایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود. (اما افراد بی‌ایمان، هم چنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند. (٢١٣)

تقریب:

قرآن کریم حفظ وحدت و پیشگیری از هرگونه تفرقه را فلسفه تشریع دین و بعثت پیامبران معرفی کرده، می‌فرماید: «مردم امتی یگانه بودند، سپس خداوند پیامبران را مژده رسان و بیم دهنده برانگیخت و به همراه آنان، کتاب را به حق نازل کرد تا میان مردم در آن چه که اختلاف داشتند داوری کند.

### الأنفال، الجزء ١٠، الصفحة: ١٨٣، الآية: ٤٦

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾

و(فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع(و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت(و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است! (٤٦)

تقریب:

قران کریم اختلاف و تفرقه را عامل ضعف مسلمین و از بین رفتن عظمت و شوکت مسلمین دانسته و هشدار می دهد.

#### الحجرات ، الجزء ٢٦ ، الصفحة: ٥١٦ ، الآية: ١٠

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٠﴾

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید! (١٠)

#### البقرة ، الجزء ٢ ، الصفحة: ٣٢ ، الآية: ٢٠٨

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٠٨﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآیید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست(٢٠٨)

#### آل عمران ، الجزء ٤ ، الصفحة: ٦٣ ، الآية: ١٠٣

وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾

و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید. (۱۰۳)

مستندات روایی:

نهج البلاغه للصبحی صالح ص ۱۸۴: ۱۲۷

و من کلام له ع و فيه يبين بعض أحكام الدين و يكشف للخوارج الشبهة و ينقض حكم الحكمين:

فَإِنْ أَبَيْتُمْ إِلَّا أَنْ تَرْعُمُوا أَنِّي أَخْطَأْتُ وَ ضَلَلْتُ فَلَمْ تُضَلِّلُونِ عَامَّةَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ص بِضَلَالِي وَ تَأْخُذُونَهُمْ بِخَطِيئِي وَ تُكْفَرُونَهُمْ بِذُنُوبِي سُيُوفُكُمْ عَلَى عَوَاتِقِكُمْ تَضَعُونَهَا مَوَاضِعَ الْبُرِّ وَ السُّقْمِ وَ تَخْلِطُونَ مَنْ أَذْنَبَ بِمَنْ لَمْ يُذْنِبْ وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص رَجَمَ الزَّانِيَ الْمُحْصَنَ ثُمَّ صَلَّى عَلَيْهِ ثُمَّ وَرَّثَهُ أَهْلُهُ وَ قَتَلَ الْقَاتِلَ وَ وَرَثَ مِيرَاثَهُ أَهْلُهُ وَ قَطَعَ [يَدَ] السَّارِقِ وَ جَلَدَ الزَّانِيَ غَيْرَ الْمُحْصَنِ ثُمَّ قَسَمَ عَلَيْهِمَا مِنَ الْفَيِّ وَ نَكَحَا الْمُسْلِمَاتِ فَأَحَذَهُمُ رَسُولُ اللَّهِ ص بِذُنُوبِهِمْ

وَأَقَامَ حَقَّ اللَّهِ فِيهِمْ وَ لَمْ يَمْنَعَهُمْ سَهْمَهُمْ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ لَمْ يُخْرِجْ أَسْمَاءَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَهْلِهِ ثُمَّ أَنْتُمْ شِرَارُ النَّاسِ وَ مَنْ رَمَى بِهِ الشَّيْطَانُ مَرَامِيَهُ وَ ضَرَبَ بِهِ تِيهَهُ وَ سَهْلَكَ فِي صِنْفَانِ مُحِبٍّ مُفْرِطٍ يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ مُبْغِضٍ مُفْرِطٍ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ خَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِ النَّمَطِ الْأَوْسَطِ فَالزَّمُوهُ وَ الزَّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلدَّنْبِ

نهج البلاغة (للصبيحي صالح)، ص: ١٨٥

أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشُّعَارِ فَأَقْبَلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ فَإِنَّمَا حُكِّمَ ١١٣ الْحَكَمَانِ لِيُحْيَا مَا أَحْيَا الْقُرْآنُ وَ يُمَيِّتَا مَا أَمَاتَ الْقُرْآنُ وَ إِحْيَاؤُهُ الْإِجْتِمَاعُ عَلَيْهِ وَ إِمَاتَتُهُ الْإِفْرَاقُ عَنْهُ فَإِنْ جَرَّنا الْقُرْآنُ إِلَيْهِمْ اتَّبَعْنَاهُمْ وَ إِنْ جَرَّهُمْ إِلَيْنَا اتَّبَعُونَا فَلَمْ آتِ لَا أَبَا لَكُمْ بُجْرًا وَ لَا حَتْلُكُمْ إِنْ أَمَرَكُمْ وَ لَا لَبْسُهُ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا اجْتَمَعَ رَأْيِي مَلِكُكُمْ عَلَى اخْتِيَارِ رَجُلَيْنِ أَحَدُنَا عَلَيْهِمَا أَلَا يَتَعَدَّيَا الْقُرْآنَ فَتَاهَا عَنْهُ وَ تَرَكََا الْحَقَّ وَ هُمَا يُبْصِرَانِهِ وَ كَانَ الْجَوْرُ هَوَاهُمَا فَمَضَيَا عَلَيْهِ وَ قَدْ سَبَقَ اسْتِثْنَاؤُنَا عَلَيْهِمَا فِي الْحُكُومَةِ بِالْعَدْلِ وَ الصَّمَدِ لِلْحَقِّ سُوءَ رَأْيِيهِمَا وَ جَوْرَ حُكْمِهِمَا

أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص: ٤٤٠

باب ما جعل الله تعالى بين المؤمنين من الإخاء و الحقوق

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ إِذَا ضَرَبَ [عَلَى] رَجُلٍ مِنْهُمْ عِزُّ سَهْرٍ الْآخَرُونَ لِأَنَّ أَرْوَاحَهُمْ وَاحِدَةٌ .

وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ الْأَرْوَاحَ جُنُودٌ مُجَنَّدَةٌ تَلْتَقِي فَتَسْتَأْمُ كَمَا تَسْتَأْمُ الْخَيْلُ فَمَا تَعَارَفَتْ مِنْهَا ائْتَلَفَتْ وَ مَا تَنَافَرَتْ مِنْهَا ائْتَلَفَتْ وَ لَوْ أَنَّ مُؤْمِنًا دَخَلَ مَسْجِدًا فِيهِ أَنْاسٌ كَثِيرٌ لَيْسَ فِيهِمْ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَاحِدٌ إِلَّا مَالَتْ نَفْسُهُ إِلَى ذَلِكَ الْمُؤْمِنِ حَتَّى يَجْلِسَ إِلَيْهِ .

وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْتَرِيحُ إِلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْتَرِيحُ الطَّيْرُ إِلَى شَكْلِهِ .

وَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ فِي إِيْثَارِهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ ثُمَّ قَالَ لَا وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ .

نهج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول صلى الله عليه و آله)، ص: ٣٩٦

التحدّث بنعم الله شكر و تركه كفر و من لا يشكر القليل لا يشكر الكثير و من لا يشكر النَّاس لا يشكر الله و الجماعة خير و الفرقة عذاب

نهج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول صلى الله عليه و آله)، ص: ۲۱۱

استووا و لا تختلفوا فتختلف قلوبكم.

(نهج البلاغه، نامه ۴۷)

قال الامام على (عليه السلام): و عليكم بالتواصل و التبادل و اياكم و التدابر و التقاطع. امام على (عليه السلام) در وصیت به حسنین (علیهما السلام) می فرماید: و بر شما باد به ارتباط و بذل و بخشش و دوری گزیدن از جدائی و پشت کردن به یکدیگر.

(الكافي، جلد ۲، ص ۳۴۵)

قال الباقر (عليه السلام): يا معشر المؤمنين تألفوا و تعاطفوا. امام محمد باقر (عليه السلام) فرمود: هان ای گروه مؤمنان، مأنوس و متحد باشید و به هم مهربانی کنید.

(نهج البلاغه، خطبه ۱۸)

قال الامام على (عليه السلام): «فی ذم أهل الرأي» و إلههم واحد و نبیهم واحد و کتابهم واحد أفأمرهم الله سبحانه بالإختلاف فأطاعوه أم نهاهم عنه فعصوه؟ امام على (عليه السلام) فرمود: خدا یکی، پیامبر یکی، و کتاب یکی است. آیا آنها را خداوند به اختلاف و دو دستگی فرمان داده و او را اطاعت می کنند؟ یا آنها را از اختلاف نهی کرده و فرمانش را سرپیچی می کنند؟

(كشف الغمة، جلد ۲، ص ۱۰۹)

قالت فاطمة الزهراء (عليها السلام): و طاعتنا نظاما للملة و امامتنا لما للفرقة و الجهاد عز الاسلام.

فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمود: پیروی از ما «اهل بیت» نظام امت، و رهبری ما عامل وحدت، و جهاد مایه عزت و سربلندی اسلام است.

(نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶)

قال الإمام علی (علیه السلام): و مکان القیم بالامر مکان النظام من الخرز یجمعه و یضمه فإذا انقطع النظام تفرق الخرز و ذهب ثم لم یجتمع بحذافیره أبدا. امام علی (علیه السلام) فرمود: جایگاه رهبر و سرپرست در اجتماع، جایگاه رشته ای است که دانه ها را بهم پیوند داده و جمع می کند، و آنگاه که آن رشته بگسلد، دانه ها پراکنده گشته و هرگز تمام آنها جمع نخواهند شد.

(کافی، جلد ۱، ص ۲۰۰)

قال الإمام الرضا (علیه السلام): إن الإمامة زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عز المؤمنین، ان الإمامة أس الإسلام النامی و فرعه السامی امام رضا (علیه السلام) فرمود: امامت، زمام دین و مایه نظام و تشکیلات مسلمانان و صلاح دنیا و عزت مؤمنان است. رهبری، پایه بالنده اسلام و شاخه بلند آن است.

(کافی، جلد ۱، ص ۴۰۴)

قال النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): المؤمنون إخوة تتکافؤ دماؤهم و هم ید علی من سواهم. نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مؤمنان با هم برادرند و خونشان برابر است و در برابر دشمن متحد و یکپارچه اند.

(نهج الفصاحه، حدیث ۳۱۰۳)

قال النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): المؤمن للمؤمن کالبیان المرصوص یشد بعضه بعضا. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنای استواری است که اجزای آن، یکدیگر را استحکام می بخشند.

(بحارالانوار، جلد ۷۱، ص ۳۹۳)

قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): خير المؤمنين من كان مألوفة للمؤمنين و لا خير فيمن لا يألف و لا يؤلف. پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: بهترین مؤمنان، کسی است که محور الفت مؤمنان باشد، کسی که انس نگیرد و با دیگران مأنوس نشود خیری ندارد.

(نهج البلاغه، وصیت ۱۱)

قال الامام على (عليه السلام): اياكم و التفرق فإذا نزلتم فانزلوا جميعا و إذا ارتحلتم فارتحلوا جميعا. امام على (عليه السلام) فرمود: از تفرقه و جدایی پرهیزید، سپس هرگاه در جائی فرود آمدید، همگی فرود آئید و هرگاه کوچ کردید، با هم کوچ کنید.

(کنز العمال، حدیث ۸۹۴)

قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): لا تختلفوا، فإن من كان قبلكم اختلفوا فهلكوا. پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: اختلاف نکنید، آنان که قبل از شما بودند اختلاف کردند و هلاک شدند.

(کافی، جلد ۱، ص ۴۰۵)

قال الإمام الصادق (عليه السلام): من فارق جماعة المسلمين و نكث صفقة الامام جاء إلى الله أجذم. امام صادق (عليه السلام) فرمود: هر کس از جماعت مسلمین جدا شود و عهد و پیمان خود را با رهبر بشکند، دست بریده محشور خواهد شد.

(نهج البلاغه حکمت ۲۱۵)

قال الإمام على (عليه السلام): الخلاف يهدم الرأي. امام على (عليه السلام) فرمود: اختلاف، بنیاد «اندیشه درست» را درهم می ریزد.

### کلام امام:

لازم است از نیروهای متعهد و متخصص مسلمان، جهت خودکفایی و استقلال هر چه بیشتر استفاده شود. به این معنا که ما بایستی استقلال فکری داشته باشیم و بحمد الله مقدار زیادی حاصل شده و باورمان بشود که خودمان می‌توانیم بسازیم. آنهایی که الآن در دنیا فعالیت و اختراع می‌کنند، همه هم‌نوع و انسان هستند.<sup>۱</sup>

### کلام رهبر:

سرمایه‌های ما افزایش پیدا کرده است؛ زیرا مهمترین سرمایه یک کشور و یک نظام، نیروی انسانی است. امروز ما صدها برابرِ اوایل انقلاب، انسانهای متخصص و متعهد و کارآمد در بخشها و نقاط مختلف کشورمان داریم که اینها محصول دوران انقلابند؛ انسانهای باایمانی که حاضرند همه وجود و توان علمی و انسانی خود را برای کشور و انقلاب و مردم نثار کنند. اوّل انقلاب، نیروهایی که در بخشهای مختلف دارای تخصص باشند، بسیار معدود بودند؛ اما امروز در دانشگاهها و حوزه‌های علمیه و نیروهای نظامی و در بخشهای مختلف مدیریت کشوری ما، انسانهای فراوانی از این قبیل هستند. این افزایش سرمایه است. امروز نسل جوان ما چند برابر نسل جوان این کشور در اوّل انقلاب است. این یک سرمایه است و باید به چشم افزایش سرمایه به آن نگاه شود. البته سرمایه وسیله‌ای است که کارآمدان و مدیران لایق و قابل میتوانند به سود مردم و کشور از آن استفاده کنند. سرمایه، شرط لازم است؛ اما شرط کافی نیست.<sup>۲</sup>

### مستندات قرآنی:

#### تعهد:

### الأعراف ، الجزء ۹، الصفحة: ۱۶۵، الآية: ۱۲۸

<sup>۱</sup> در جمع مسئولان وزارت راه و ترابری ۱۳۶۱/۲/۹- صحیفه امام ج ۱۶ ص ۲۳۱

<sup>۲</sup> - بیانات در دیدار مردم اصفهان - ۸ آبان ۸۰

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٢٨﴾

موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جوید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد، واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!» (۱۲۸)

یوسف ، الجزء ۱۳ ، الصفحة: ۲۴۶ ، الآية: ۹۰

قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٠﴾

گفتند: «آیا تو همان یوسفی؟!» گفت: «(آری)، من یوسفم، و این برادر من است! خداوند بر ما منت گذارد؛ هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می‌شود؛) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند!» (۹۰)

تخصص و تعهد:

القصص ، الجزء ۲۰ ، الصفحة: ۳۸۸ ، الآية: ۲۶

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾

یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است)!» (۲۶)

النمل ، الجزء ۱۹ ، الصفحة: ۳۸۰ ، الآية: ۳۹

قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنَّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ﴿٣٩﴾

عفريقی از جنّ گفت: «من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از مجلس برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم!» (۳۹)

یوسف ، الجزء ۱۳ ، الصفحة: ۲۴۲ ، الآية: ۵۵

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمُ ﴿٥٥﴾

(یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!» (۵۵)

### البقرة، الجزء ۲، الصفحة: ۴۰، الآية: ۲۴۷

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾

و پیامبرشان به آنها گفت: «خداوند (\*طالوت\*) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد؛ و احسان خداوند، وسیع است؛ و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است.» (۲۴۷)

تقریب: از تأمل در تفاسیر چنین برمی‌آید که یکی از شایستگی‌های افراد برای رهبری، اصطفاء و گزینش الهی بوده است و خداوند کسانی را برمی‌گزیند که پاکدل باشند. طالوت فردی شایسته و از صفای باطن و ملکات اخلاقی برخوردار بوده است. همچنین بیان شده که نداشتن امکانات فراوان مالی مایه نداشتن قدرت فرماندهی نمی‌تواند باشد؛ زیرا فرمانده باید همراه تقوای الهی، دو ویژگی تخصص علمی و توان بدنی را داشته باشد و خداوند هردو را به طالوت مرحمت کرده بود. پس فرمانده باید دارای گوهری طاهر، استعداد ممتاز، برگزیده خدا و متعهد باشد و در مسائل علمی نیز فردی متخصص و کارآمد و آگاه به مسائل جنگ و در هدایت عملیات نیز از نیروی بدنی مناسبی برخوردار و از همه زیردستان نیرومندتر باشد (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۶۴۰). بنابراین، تفسیر نیز دلالت بر این دارد که تخصص به تنهایی مفید فایده نخواهد بود. در عصر حاضر، علوم از نظر تخصصی شدن به شاخه‌های متعددی تقسیم گردیده که در هر زمینه‌ای از چندین تخصص تشکیل یافته است و به جرأت می‌توان علوم کلی و عمومی را برای فهم، درک و شناخت هر یک از تخصص‌های زیرمجموعه علوم به کار بست.

## غرر الحکم و درر الکلم ؛ ص ۲۸۴

إذا ملك الأراذل هلك الأفاضل.

نامه امیر المومنین به مالک اشتر - نامه ۵۳

ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عُمَالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ [اخْتِياراً] اخْتِياراً وَ لَا تُؤَلِّهِمْ مُحَابَاةً وَ أَثَرَةً فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعْبِ الْجَوْرِ وَ الْخِيَانَةِ وَ تَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَ الْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبَيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ الْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَحْلَاقاً وَ أَصَحُّ أَعْرَاضاً وَ أَقَلُّ فِي الْمَطَامِعِ [إِسْرَافاً] إِسْرَافاً وَ أَثْلَغُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْراً.

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۲۸، ص: ۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع إِلَى حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ سَلَامٌ عَلَيْكَ فَإِنِّي وَلَيْتُكَ مَا كُنْتُ تَلِيهِ لِمَنْ كَانَ قَبْلُ مِنْ حَرْفِ الْمَدَائِنِ وَ قَدْ جَعَلْتُ إِلَيْكَ أَعْمَالَ الْخَرَاجِ وَ الرُّسْتَقِ وَ جَبَايَةَ أَهْلِ الدِّمَةِ فَاجْمَعْ إِلَيْكَ ثِقَاتِكَ وَ مَنْ أَحْبَبْتَ مِمَّنْ تَرْضَى دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ وَ اسْتَعِنَ بِهِمْ عَلَى أَعْمَالِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ أَعَزُّ لَكَ وَ لَوْلَيْكَ وَ أَكْبَتُ لِعَدُوِّكَ

(نهج البلاغه / ن ۵۳)

«وَ أَكْثَرُ مُدَارَسَةِ الْعُلَمَاءِ وَ مُنَاقَشَةِ الْحُكَمَاءِ فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ بِلَادِكَ وَ إِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ»

یعنی، « فراوان با دانشمندان گفتگو کن و فراوان با حکیمان بحث کن که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت » (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۷۳).

تقریب: « یک نکته شگفت انگیز در جملات مورد تفسیر این است که امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام) می فرماید با دو گروه ارتباط دائمی داشته باش:

۱- گروه دانشمندان که واقعیت‌ها را از دیدگاه علمی محض می‌نگرند و آنها را با اصول و قواعدی مستند به تجربیات و مشاهدات توصیف و مورد تصرّف و تغیر برای نیازهای مادی و معنوی قرار می‌دهند.

۲- گروه حکما که همان واقعیت‌ها را با کلی‌نگری و دریافت وحدت‌های عالی‌تر در هستی مورد کاوش، تحقیق و تفسیر قرار می‌دهند.

بنابراین، برای آگاهی و اطلاع از مردم جامعه، چنان که هستند و چنان که باید باشند، از هر دو نوع معرفت دانشی (علمی) و حکمی، به‌ویژه بدان روی که سر و کار تو با انسان‌هاست و مدیریت آنان را پذیرفته‌ای، ضرورت قطعی دارد» (جعفری تهریزی، ۱۳۸۶: ۲۰۸).

معلوم می‌شود که مدیران جامعه باید بر علوم عقلی و توانایی‌های ذهنی و فکری والایی دست یافته باشند و از تخصص‌های مختلف افراد جامعه بهره‌مند گردند تا تصمیم‌های بدون نقص و درخور توجّهی اتخاذ نمایند. مطلب دوم اینکه هر مدیر عالمی باید با کاربردی کردن علم خود و علوم متخصصان دیگر در اجرایی کردن آنچه که بدان دست می‌یابد و صواب تشخیص می‌دهد، توانا باشد.

## ۲۰- دارای مدیریت و کفایت

کلام امام:

کلام رهبر:

رئیس‌جمهور مطلوب باید با کفایت، با ایمان، عدالت‌خواه و ضد فساد، دارای عملکرد انقلابی و جهادی، معتقد به توانمندی‌های داخلی، معتقد به جوانان به‌عنوان پیشران حرکت عمومی کشور و امیدوار به آینده باشد.<sup>۱</sup>

مستندات قرآنی:

البقرة، الجزء ۲، الصفحة: ۴۰، الآية: ۲۴۷

---

<sup>۱</sup> - سخنرانی نوروزی - ۱ فروردین ۱۴۰۰

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾

و پیامبران به آنها گفت: «خداوند(\*طالوت\*) را برای زمامداری شما مبعوث(و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و(قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد؛ و احسان خداوند، وسیع است؛ و(از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است.» (۲۴۷)

تقریب: این آیه در رابطه با طالوت است که قرار است ملکی گذاشته شود و قوم وی شروع به اشکال گیری میکنند به اینکه چرا او باید رئیس باشد که نه مال و منالی دارد و نه پست و مقامی و نه از اشراف زاده است.

فکر این دسته اینه که اگه قراره فردی مسئول بشه یا باید پول داشته باشه یا پست و مقامی، نبی ایشان از طریق خداوند میرساند که این دو ملاک نیست بلکه «و زاده بسطه فی العلم و الجسم» یعنی کسی که قراره مسئول بشه باید این دو رکن رو داشته باشه.

### الزمر ، الجزء ۲۳، الصفحة: ۴۵۹، الآية: ۹

أَمَّنْهُوَ قَانَتْ آنَاءُ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾

(آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند!» (۹)

### يوسف ، الجزء ۱۳، الصفحة: ۲۴۲، الآية: ۵۴

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ﴿٥٤﴾

پادشاه گفت: «او [یوسف] را نزد من آورید، تا وی را مخصوص خود گردانم!» هنگامی که (یوسف نزد وی آمد و) با او صحبت کرد، (پادشاه به عقل و درایت او پی برد؛ و) گفت: «تو امروز نزد ما جایگاهی والا داری، و مورد اعتماد هستی!» (۵۴)

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمُ ﴿٥٥﴾

(يوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!» (۵۵)

القصص ، الجزء ٢٠، الصفحة: ٣٨٨، الآية: ٢٦

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾

یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است)!» (۲۶)

مستندات روایی:

روایت اول: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ الْجَوْهَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنِ الْعَزْمِيِّ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ: مَنْ أَمَّ قَوْمًا وَفِيهِمْ أَعْلَمُ مِنْهُ أَوْ أَفْقَهُ مِنْهُ لَمْ يَزَلْ أَمْرُهُمْ فِي سَفَالٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (المحاسن / ۱ / ۹۳) (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / ۲۰۶)

روایت دوم: امام علی علیه السلام «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ» (نهج البلاغه صبحی صالح / ۲۴۷)

روایت سوم: امام باقر علیه السلام از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله «لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَ حِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَ حُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ.» (کافی / ۱ / ۴۰۷)

روایت چهارم: حضرت علی علیه السلام «وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الْفُرُوجِ وَ الدِّمَاءِ وَ الْمَغَانِمِ وَ الْأَحْكَامِ وَ إِمَامَةُ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلُ فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ نَهْمَتُهُ وَ لَا الْجَاهِلُ فَيُضِلُّهُمْ بِجَهْلِهِ وَ لَا الْجَافِي فَيَقْطَعَهُمْ بِجَفَائِهِ وَ لَا الْحَائِفُ لِلدُّوَلِ فَيَتَّخِذَ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ وَ لَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبَ بِالْحَقُوقِ وَ يَقِفَ بِهَا دُونَ الْمَقَاطِعِ وَ لَا الْمُعْطَلُ لِلِسُنَّةِ فَيُهْلِكَ الْأُمَّةَ» (نهج البلاغه صبحی صالح / ۱۸۹)

روایت پنجم: قَالَ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِمَامُ الْقَوْمِ وَأَفِدُهُمْ فَقَدِّمُوا أَفْضَلَكُمْ. (وسائل / ۸ / ۳۴۷)

روایت ششم: مُحَمَّدٌ الْعَطَّارُ، عَنِ الْأَشْعَرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمَغِيرَةِ النَّضْرِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِمَا يُعْرَفُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ: بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَالْعِلْمِ وَالْوَصِيَّةِ (خصال / ۱ / ۲۰۰)

## ۲۱- عدالتخواه و ضد فساد

کلام امام:

سرلوحه هدفان اسلام و احکام عدالت پرور آن باشد.<sup>۱</sup>

کلام رهبر:

رئیس جمهور مطلوب باید با کفایت، با ایمان، عدالتخواه و ضد فساد، دارای عملکرد انقلابی و جهادی، معتقد به توانمندیهای داخلی، معتقد به جوانان به عنوان پیشران حرکت عمومی کشور و امیدوار به آینده باشد.<sup>۲</sup>

مستندات قرآنی:

### المائدة، الجزء ۶، الصفحة: ۱۰۸، الآية: ۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترك عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است! (۸)

<sup>۱</sup> - اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا - ۲۴ بهمن ۵۶

<sup>۲</sup> - سخنرانی نوروزی - ۱ فروردین ۱۴۰۰

النساء، الجزء ٥، الصفحة: ١٠٠، الآية: ١٣٥

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلُوتُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٣٥﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! (چرا که) اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنا بر این، از هوی و هوس پیروی نکنید؛ که از حق، منحرف خواهید شد! و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (۱۳۵)

المائدة، الجزء ٦، الصفحة: ١١٥، الآية: ٤٢

سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِلْسُّحْرِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٤٢﴾

آنها بسیار به سخنان تو گوش می‌دهند تا آن را تکذیب کنند؛ مال حرام فراوان می‌خورند؛ پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا (اگر صلاح دانستی) آنها را به حال خود واگذار! و اگر از آنان صرف نظر کنی، به تو هیچ زیانی نمی‌رسانند؛ و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا عادلان را دوست دارد! (۴۲)

ص، الجزء ٢٣، الصفحة: ٤٥٤، الآية: ٢٢

إِذْ خَلُّوا عَلَىٰ دَاوُدَ فَفَرَّجَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿٢٢﴾

در آن هنگام که (بی مقدمه) بر او وارد شدند و او از دیدن آنها وحشت کرد؛ گفتند: «نترس، دو نفر شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده؛ اکنون در میان ما بحق داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن!» (۲۲)

تقریب: علامه طباطبایی در ذیل این آیه می فرمایند: **فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تَشْطِطْ...** - "کلمه "شطط" به معنای جور است و معنای جمله این است که: ای داوود بین ما حکمی کن که به حق باشد، و در حکم کردنت جور مکن. و ما را به راه وسط و طریق عدل راه بنما.

### الجزء ۲۳، الصفحة: ۴۵۴، الآية: ۲۶

**يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٢٦﴾**

ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد؛ کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند! (۲۶)

تقریب:

### مستندات روایی:

نامه ۴۶ نهج البلاغه - نامه امیر المومنین به بعضی از کارگزارانشان

اعْتَزِمُ بِالشَّدَةِ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَّةُ وَ اخْفِضْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ آسِ إِيَّاهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ وَ الْإِشَارَةِ وَ النَّجِيَّةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي خَيْفِكَ إِنْ لَا يَنْأَسُ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَذْلِكَ وَ السَّلَامِ |

در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن، و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن، پر و بالت را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده روی و فروتن باش، و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش، تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند، و نا توانان از عدالت تو مأیوس نگردند. و السلام.

غرر الحکم ص ۱۰۲

الإمام علي «ع»: العدل جنة الدول.

امام علی «ع»: عدل سپر دولتهاست.

نامه ۵۳ نهج البلاغه

أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَ أَعَمُّهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعُهَا [لِرِضَا] لِرِضَى الرَّعِيَّةِ فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يُجْحِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ وَ إِنَّ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يُغْتَفَرُ مَعَ [رِضَا] رِضَى الْعَامَّةِ

باید محبوبترین امور نزد تو میانه ترینش در حق، و همگانی ترینش در عدالت، و جامع ترینش در خشنودی رعیت باشد، چرا که خشم عموم خشنودی خواص را بی نتیجه می کند، و خشم خواص در برابر خشنودی عموم بی اثر است.

۲۲-امیدوار

کلام امام:

به خودمان امیدوار باشیم. تکیه به اراده خودمان بکنیم. تبع اراده دیگران نباشیم. لکن همه با هم مجتمعاً این اراده را بکنیم تا کار انجام بگیرد. آنهایی که در ارتش هستند، در قوای مسلح هستند، با هم هماهنگ باشند، و با هم بخواهند که ارتششان قوی باشد، و ارتششان قوای مسلحه شان را خودشان اداره کنند. و می توانند و می بینید

که توانستند و می‌توانند. و آنهایی که در کارخانه‌ها هستند و در کارگاه‌ها هستند و در امور صنعتی هستند، خودشان بگویند ما خودمان می‌کنیم و می‌توانیم.

امید در خودتان ایجاد کنید. نویسندہ‌های ما، گویندگان ما همه‌شان دنبال این باشند که به این ملت امید بدهند. مایوس نکنند ملت را. بگویند توانا هستیم. نگویند ناتوان هستیم. بگویند خودمان می‌توانیم و واقع همین طور است، می‌توانیم. اراده باید بکنیم. نویسندہ‌های ما بهترین خدمتشان امروز این است که این ملتی که ایستاده در مقابل شرق و غرب و نمی‌خواهد تحت نظام شرق یا نظام غرب باشد، امید به آنها بدهند که می‌توانید تا آخر وابسته به شرق و غرب نباشید. اگر این نویسندہ‌ها، این گویندہ‌ها به جای اینکه به هم اشکال‌تراشی بکنند، به جای اینکه به جان هم بریزند، با هم امید در ملت ایجاد کنند. اطمینان در ملت ایجاد کنند. استقلال روحی در ملت ایجاد کنند. اگر این خدمت را این رسانه‌های گروهی، این مطبوعات، این نویسندگان، این گویندگان، این اطمینان را در ملت ایجاد کنند ما تا آخر پیروز هستیم. و حیف است که یک ملتی که ایستاده و خون جوانان خودش را داده و همه چیزش را فدای اسلام و استقلال کشورش کرده ماها که گویندہ هستیم، نویسندہ هستیم، آنهایی که در مطبوعات چیز می‌نویسند، در رادیو و تلویزیون صحبت می‌کنند، حیف است که اینها توجه به این معنا نداشته باشند که باید این ملت را امیدوار کرد، و باید مطمئن کرد ملت را<sup>۱</sup>.

### کلام رهبر:

رئیس‌جمهور مطلوب باید با کفایت، با ایمان، عدالت‌خواه و ضد فساد، دارای عملکرد انقلابی و جهادی، معتقد به توانمندی‌های داخلی، معتقد به جوانان به‌عنوان پیشران حرکت عمومی کشور و امیدوار به آینده باشد.<sup>۲</sup>

مستندات قرآنی: کار نشده

مستندات روایی: کار نشده

---

۱ - اغفال جهان سوم در جهت استثمار آنها و لزوم بیداری و تلاش برای رهایی از وابستگی‌ها - ۲۹ دی ۵۹

۲ - سخنرانی نوروزی - ۱ فروردین ۱۴۰۰



## طرح اجرایی

یک روزنگار با عنوان (قاضی = شما) در وسط صفحه

یک بخش گوشه راست برای نوشتن عنوان معیار اصلح به همراه توضیح یکی از امامین انقلاب.

گوشه سمت چپ برای مستند معیار بیان شده

گوشه سمت راست پایین سوابق مربوط به فرد اصلح برای ما که مربوط به عنوان ارائه شده باشد

گوشه سمت چپ سوابق ارائه شده در مورد شخصی که در جبهه مقابل قرار دارد که این هم باید متناسب با معیار ارائه شده باشد.

وظایف مردم در قبال انتخابات: